

نگین آفرینش

پژوهشی در زندگی حضرت ولی عصر علیه السلام



محمد صالح المنجد

مؤلفان: محمد مهدی حائری پور - مهدی یوسفیان - محمد امین بالادستیان

بالادستیان، محمد امین، ۱۳۴۸ -

نگین آفرینش / مؤلفین: محمد امین بالادستیان، محمد مهدی حائری پور، مهدی یوسفیان -
تهران: بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، ۱۳۸۳.

۱۲۰۰۰ ریال: ISBN 964-7428-25-1

۲۴۰ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. ۲. مهدویت - انتظار. ۳. مهدویت.

الف. حائری پور، محمد مهدی، ۱۳۴۸ - ب. یوسفیان، مهدی، ۱۳۴۹ - ج. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

ان ۲۵ / BP51

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

مرکز تخصصی مهدویت

قم: خیابان شهدا (صفائییه)، کوچه ۲۱ (آمار)، بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴

تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱، ۷۷۳۷۱۶۰

نگین آفرینش

(پژوهشی در زندگی حضرت ولی عصر علیه السلام)

محمد امین بالادستیان، محمد مهدی حائری، مهدی یوسفیان

صفحه آرا: سید جاوید (علیرضا) حسینی

چاپخانه: دانش

قطع وزیری / ۲۴۰ صفحه

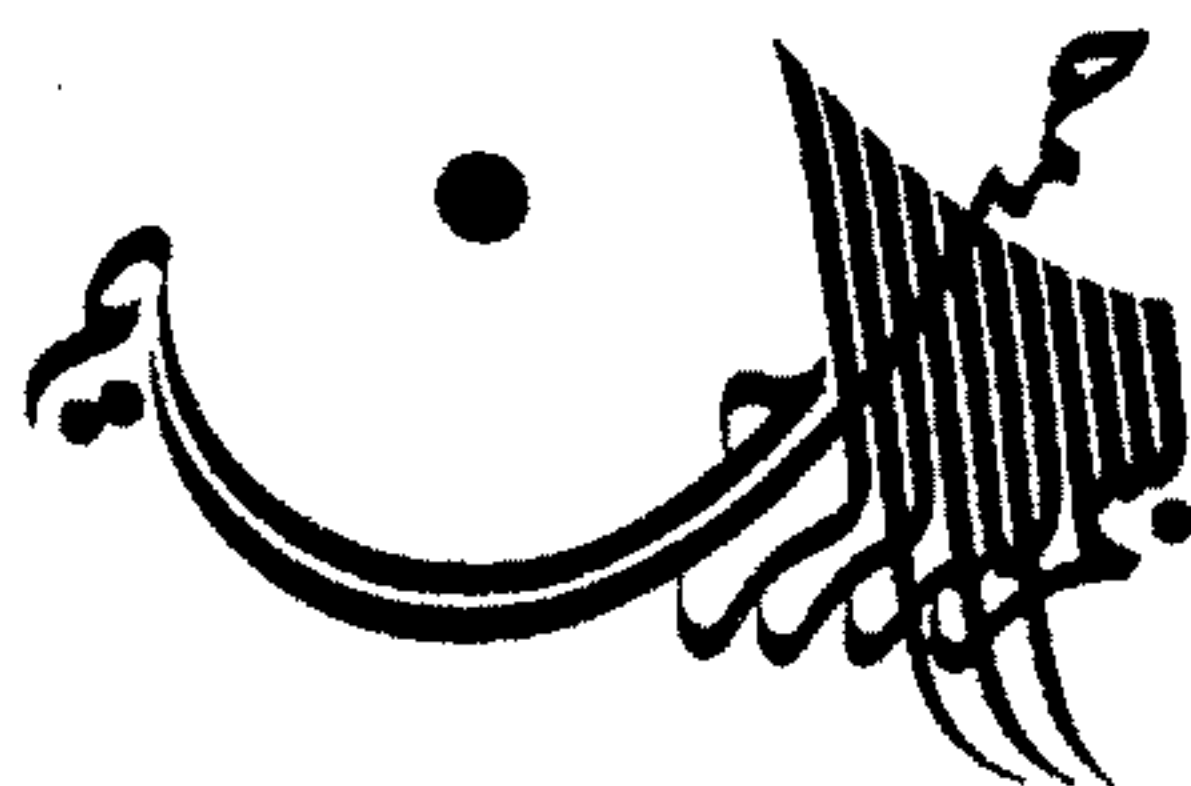
چاپ اول: بهار ۱۳۸۳

تیراژ: ۵۰۰۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۶۴-۷۴۲۸-۲۵-۱ ISBN 964-7428-25-1

۱۲۰۰ تومان



فهرست مطالب

مقدمه: ۱۳

ضرورت طرح مباحث مهدویت ۱۳

فصل اول: امامت

نیاز به امام ۲۰

ویژگی های امام ۲۲

علم امام ۲۳

عصمت امام ۲۳

مدیریت اجتماعی امام ۲۵

آراستگی به کمالات اخلاقی ۲۶

نصب امام از سوی خدا ۲۷

بیانی جامع و زیبا ۲۷

فصل دوم: مهدی علیه السلام شناسی

بخش اول:

امام مهدی علیه السلام در یک نگاه ۳۳

نام، کنیه و القاب ۳۴

چگونگی ولادت ۳۵

شمایل و خصوصیات ۳۸

بخش دوم:

۴۱.....	از ولادت موعود تا شهادت امام عسکری علیه السلام
۴۱.....	معرفی امام مهدی علیه السلام به شیعیان
۴۳.....	معجزات و کرامات
۴۵.....	پاسخ گویی به سؤالات
۴۶.....	دریافت هدایای مادی
۴۸.....	نماز بر جنازه پدر
	بخش سوم:
۵۱.....	امام مهدی علیه السلام در آینه قرآن و روایات
۵۱.....	الف: قرآن
۵۳.....	ب: روایات
	بخش چهارم:
۵۹.....	امام مهدی علیه السلام در نگاه دیگران
	فصل سوم: در انتظار امام غایب
	بخش اول:
۶۵.....	غیبت
۶۵.....	مفهوم غیبت
۶۶.....	پیشینه غیبت
۶۸.....	فلسفه غیبت
۶۹.....	تأدیب مردم
۷۰.....	استقلال و نبودن تحت پیمان دیگران
۷۰.....	آزمایش مردم

۷۱..... حفظ جان امام

بخش دوم:

۷۳..... انواع غیبت

۷۴..... غیبت کوتاه مدّت

۷۷..... غیبت بلند مدّت

بخش سوم:

۸۱..... فوائد امام غایب

۸۱..... امام محور هستی

۸۵..... امید بخشی

۸۵..... پایداری مکتب

۸۸..... خودسازی

۸۹..... پناهگاه علمی و فکری

۹۲..... هدایت باطنی و نفوذ روحانی

۹۳..... ایمنی از بلاها

۹۵..... باران رحمت

بخش چهارم:

۹۷..... دیدار یار

بخش پنجم:

۱۰۵..... طول عمر

بخش ششم:

۱۱۱..... انتظار سبز

۱۱۱..... حقیقت انتظار و جایگاه آن

۱۱۳	ویژگی های انتظار مهدی
۱۱۵	ابعاد انتظار
۱۱۷	وظایف منتظران
۱۱۸	شناخت امام
۱۲۰	الگوپذیری
۱۲۲	یاد امام
۱۲۵	وحدت و همدلی
۱۲۸	آثار انتظار
۱۲۹	پاداش منتظران

فصل چهارم: دوران ظهور

بخش اول:

۱۳۷	جهان در آستانه ظهور
-----	---------------------

بخش دوم:

۱۴۱	زمینه های ظهور و علائم آن
۱۴۱	زمینه های ظهور
۱۴۳	الف. طرح و برنامه
۱۴۵	ب: رهبری
۱۴۵	ج. یاران
۱۴۷	۱- معرفت و اطاعت
۱۴۸	۲. عبادت و صلابت
۱۴۸	۳. جان نثاری و شهادت طلبی

۴. شجاعت و دلیری	۱۴۹
۵. صبر و بردباری	۱۴۹
۶. اتحاد و همدلی	۱۵۰
۷. زهد و پارسایی	۱۵۰
د: آمادگی عمومی	۱۵۱
علائم ظهور	۱۵۴
الف. خروج سفیانی	۱۵۶
ب. خسف ییاء	۱۵۶
ج. خروج یمانی	۱۵۷
د. صیحه آسمانی	۱۵۷
ه. قتل نفس زکیه	۱۵۸
بخش سوم:	
ظهور	۱۶۱
زمان ظهور	۱۶۱
راز نهان بودن زمان ظهور	۱۶۲
تداوم امید	۱۶۳
زمینه سازی	۱۶۳
هنگامه قیام	۱۶۴
چگونگی قیام	۱۶۵

فصل پنجم: حکومت امام مهدی علیه السلام

بخش اول:

اهداف حکومت.....	۱۷۳
رشد معنوی.....	۱۷۳
عدالت گستری.....	۱۷۵
بخش دوم:	

برنامه‌های حکومت.....	۱۷۹
الف. برنامه فرهنگی.....	۱۸۰
۱- احیاء کتاب و سنت:.....	۱۸۰
۲- گسترش معرفت و اخلاق.....	۱۸۱
۳- نهضت علمی.....	۱۸۳
۴- مبارزه با بدعت‌ها.....	۱۸۴
ب. برنامه اقتصادی.....	۱۸۶
۱- بهره‌وری از منابع طبیعی.....	۱۸۷
۲- توزیع عادلانه ثروت.....	۱۸۸
۳- عمران و آبادانی.....	۱۸۹
ج. برنامه اجتماعی.....	۱۸۹
۱. احیاء و گسترش امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۹۰
۲. مبارزه با فساد و رذائل اخلاقی.....	۱۹۱
۳. اجرای حدود الهی.....	۱۹۱
۴. عدالت قضایی.....	۱۹۲

بخش سوم:

دستاوردهای حکومت.....	۱۹۵
۱. عدالت فراگیر.....	۱۹۶

۲. رشد فکری و اخلاقی و ایمانی ۱۹۷

۳. اتحاد و همدلی ۱۹۸

۴. سلامت جسمی و روانی ۲۰۰

۵. خیر و برکت فراوان ۲۰۱

۶. ریشه کن شدن فقر ۲۰۲

۷. حاکمیت اسلام و نابودی کفر ۲۰۴

۸. امنیت عمومی ۲۰۷

۹. گسترش دانش ۲۰۸

بخش چهارم:

ویژگی های حکومت ۲۱۱

قلمرو حکومت و مرکز آن ۲۱۱

مدت حکومت ۲۱۴

سیره حکومتی امام ۲۱۷

سیره جهادی و مبارزاتی ۲۱۹

سیره قضایی امام ۲۲۰

سیره مدیریتی امام ۲۲۱

سیره اقتصادی امام ۲۲۲

سیره شخصی امام ۲۲۴

مقبولیت عمومی ۲۲۶

فصل ششم: آسیب شناسی مهدویت

برداشت های غلط ۲۳۱

- ۲۳۳ استعجال ظهور
- ۲۳۴ تعیین زمان ظهور
- ۲۳۵ تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص
- ۲۳۶ طرح مباحث غیر ضروری
- ۲۳۸ مدعیان دروغین
- ۲۳۹ فهرست منابع و مأخذ

مقدمه:

ضرورت طرح مباحث مهدویت

شاید بعضی اینگونه فکر کنند که با وجود نیازهای مختلف و اساسی در زمینه‌های فرهنگی، پرداختن به مباحث امام مهدی علیه السلام چه ضرورتی دارد؟ آیا به اندازه کافی در این مورد سخن گفته نشده و کتاب و مقاله نوشته نشده است؟

در پاسخ باید گفت مباحث مهدویت از جمله موضوعاتی است که نقش کلیدی در زندگی بشر دارد و با زوایای مختلف حیات انسان ارتباط مستقیم دارد. بنابراین با وجود تلاش‌های انجام شده، هنوز این موضوع ناگفته‌های فراوان دارد و بجاست که عالمان و محققان در این عرصه تلاشی دو چندان انجام دهند.

برای عینی شدن ضرورت طرح معارف امام مهدی علیه السلام فهرست وار مواردی را بیان می‌کنیم:

۱. موضوع امام مهدی علیه السلام به مسئله اساسی امامت بر می‌گردد که از اصول عقاید شیعه است و در قرآن و روایات اسلامی به صورت گسترده روی آن سرمایه‌گذاری شده است.

شیعه و سنی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً،^۱

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ح ۷، ص ۱۶۰.

آنکه بمیرد و حال آنکه امام زمان خویش را نشناخته باشد به مرگ

جاهلیت مرده است (و گویی از اسلام بهره‌ای نبرده است)!

به راستی آیا موضوعی که به همه حیات معنوی آدمی ارتباط دارد شایسته توجّه و عنایتی ویژه نیست؟!

۲. امام مهدی علیه السلام دوازدهمین نفر از سلسله پاک امامت است همان امامتی که یکی از دو یادگار گرانقدر رسول خداست. در روایتی که شیعه و سنی از پیامبر اسلام نقل کرده‌اند آمده است:

إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي؛ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا
لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا...^۱

به راستی که من دو چیز گرانبها در میان شما باقی می‌گذارم: قرآن و اهل‌بیت، تا وقتی به این دو چنگ بزنید هرگز پس از من گمراه نخواهید شد.

بنابراین پس از قرآن کریم که سخن خداست، کدام راه از راه امام روشن‌تر و هدایت‌بخش‌تر است و اساساً مگر قرآن خدا جز با بیان جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله قابل تفسیر و تبیین است؟!

۳. امام مهدی علیه السلام امام زنده و حاضر و ناظر است و در ارتباط با آن حضرت سؤالات زیادی - به ویژه در میان نسل جوان - مطرح می‌شود و با وجود پاسخگویی به سؤالات در آثار گذشتگان، ولی همچنان ابهاماتی زیادی باقی مانده و در پاره‌ای موارد پاسخ‌های قبلی در خور مخاطبین فعلی نیست.

۴. به جهت اهمیت مسئله امامت و نقش محوری آن در ساختار فکری و عملی شیعیان، دشمنان همواره سعی کرده‌اند که درباره امام مهدی علیه السلام شبهاتی را مطرح کنند و معتقدان به آن حضرت را دچار تردید نمایند مثل اینکه، اصل ولادت حضرت را مورد تردید قرار دهند یا طول عمر آن حضرت را امری محال نشان دهند یا غیبت آن بزرگوار را امری غیر منطقی معرفی کنند و صدها شبهه دیگر و نیز گاهی دوستان ناآگاه و بی اطلاع از معارف اهل بیت علیهم السلام، مطالبی نادرست و بی اساس را درباره فرهنگ مهدویت مطرح کرده‌اند و از این راه، عده‌ای را به بیراهه برده‌اند و یا می‌برند. مثل اینکه برای انتظار مهدی و قیام مسلحانه ایشان و امکان ملاقات با امام در دوره غیبت، مطالبی نادرست و غیر منطبق با روایات را مطرح کرده و یا می‌کنند که همه اینها ضرورت بررسی صحیح و منطقی موضوع مهدویت را ایجاب می‌کند.

بر این اساس در این کتاب سعی شده است که ضمن پرداختن به سیر زندگی نورانی امام مهدی علیه السلام، به سؤالات جوانان پیرامون شخصیت امام علیه السلام و آنچه به دوره زندگانی ایشان ارتباط دارد پاسخ داده شود و نیز آسیب‌ها و کج رویهای کج اندیشان طرح گردیده و نقد شود. امید است که گامی در جهت آشنایی عمیق با آخرین حجّت الهی حضرت مهدی علیه السلام برداشته شده باشد.

فصل اول

امامت

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ مهمترین بحثی که در جامعه نوپای اسلامی مطرح شد موضوع خلافت و جانشینی رسول خدا ﷺ بود. گروهی بر اساس آراء بعضی بزرگان صحابه پیامبر ﷺ، خلافت ابوبکر را پذیرفتند و گروه دیگر معتقد شدند که جانشین پیامبر بنابر تعیین آن حضرت، امام علی علیه السلام است. در زمان‌های بعد دسته اول به عامّه (اهل سنت و جماعت) و گروه دوم به خاصّه (تشیع) معروف گردیدند.

نکته قابل توجه اینکه اختلاف شیعه و سنی تنها در شخص جانشین پیامبر ﷺ نیست؛ بلکه در دیدگاه هر یک، «امام» معنی و مفهوم و جایگاه ویژه‌ای دارد که این دو مذهب را از یکدیگر متمایز می‌کند.

برای روشن شدن موضوع، معنای امام و امامت را بررسی می‌کنیم تا تفاوت دیدگاه‌ها آشکار گردد.

«امامت» در لغت به معنی پیشوایی و رهبری است و «امام» کسی است که سرپرستی یک گروه را در مسیری مشخص به عهده می‌گیرد. و در اصطلاح علم دین، امامت به گونه‌های مختلف تفسیر شده است.

به نظر اهل سنت، امامت حاکمیتی دنیوی (و نه منصبی الهی) است که از رهگذر آن

جامعه مسلمین سرپرستی و اداره می‌گردد و از آنجا که هر جمعیتی نیاز به پیشوا و بزرگی دارند جامعه مسلمین نیز، پس از پیامبر ﷺ باید برای خود رهبری برگزیند و چون برای این گزینش راه و رسم ویژه‌ای در دین ترسیم نشده است، انتخاب جانشین پیامبر ﷺ می‌تواند از راههای مختلف همچون رجوع به آراء اکثریت مردم یا بزرگان آنها یا وصیت خلیفه پیشین و یا حتی کودتا و غلبه نظامی باشد.

ولی شیعه که امامت را ادامه نبوت و امام را حجت خدا در میان خلق و واسطه فیض او به مخلوقات می‌داند معتقد است که «امام» تنها به تعیین الهی است که از زبان پیامبر ﷺ، پیام آور وحی، معرفی می‌گردد. این ایده به خاطر جایگاه رفیع و بلند امامت در تفکر شیعی است که امام را نه تنها سرپرست و مدیر جامعه مسلمین که بیان کننده احکام الهی و مفسر قرآن کریم و راهبر راه سعادت می‌داند. به بیان دیگر در فرهنگ شیعه، امام، مرجع امور مردم در دو بخش دین و دنیا است نه آنگونه که اهل سنت معتقدند که تنها وظیفه خلیفه، حکومت داری و اداره دنیای مردم باشد.

نیاز به امام

پس از روشن شدن دیدگاهها، بجاست به این سؤال پاسخ دهیم که با وجود قرآن و سنت پیامبر ﷺ چه نیازی به امام و رهبر دینی - آنگونه که شیعه معتقد است - وجود دارد؟

برای ضرورت وجود امام، دلیل‌های فراوانی بیان شده است ولی ما تنها به یک بیان ساده، اکتفا می‌کنیم:

همان دلیلی که نیاز به پیامبر را بیان می‌کند، بیانگر نیاز مردم به «امام» نیز است. زیرا

از سویی، اسلام آخرین دین و حضرت محمد ﷺ آخرین پیامبر خداست، بنابراین، اسلام باید پاسخگوی تمام نیازهای بشر تا قیامت باشد. از سوی دیگر، قرآن کریم، اصول و کلیات احکام و معارف الهی را بیان کرده است و تبیین و توضیح آن به پیامبر ﷺ واگذار شده است.^۱ ولی روشن است که پیامبر ﷺ به عنوان رهبر مسلمین، مطابق نیازها و ظرفیت جامعه اسلامی زمان خود به بیان آیات الهی پرداخته است و لازم است برای او جانشینان لایقی باشد که همچون او متصل به دریای بیکران علم خدا باشند تا آنچه را پیامبر ﷺ، تبیین فرموده است، بیان کنند و نیازهای جامعه مسلمین را در هر زمان، پاسخ گویند.

همچنین امامان علیهم السلام، نگهبان میراث به جا مانده از پیامبر ﷺ و نیز مبیین و مفسر حقیقی قرآن کریم هستند تا دین خدا دستخوش تحریف غرض ورزان و دشمنان قرار نگیرد و این سرچشمه زلال تا قیامت، پاک و پاکیزه باقی ماند.

بعلاوه «امام» به عنوان انسان کامل، الگوی جامعی در همه ابعاد انسانی است و بشر نیاز جدی به چنین نمونه‌ای دارد که با دستگیری و هدایت او، آنگونه که در خور کمال انسانی اوست تربیت گردد و در پرتو راهنمایی‌های این مربی آسمانی از انحراف‌ها و دام‌های نفس سرکش خود و شیطان‌های بیرونی محفوظ بماند.

از مطالب بالا روشن شد که نیاز مردم به امام یک نیاز حیاتی است و برخی از وظایف امام به شرح زیر است:

- رهبری و اداره امور جامعه (تشکیل حکومت)

۱. قرآن کریم خطاب به پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: ما ذکر [قرآن] را بر تو فرستادیم تا آنچه را بر مردم نازل شده است برای ایشان بیان کنی؛ سوره نحل، آیه ۴۴.

- حفظ دین و آئین پیامبر از تحریف و بیان صحیح قرآن
- تزکیه نفوس و هدایت معنوی مردم.^۱

ویژگی‌های امام

جانشین پیامبر ﷺ که ضامن تداوم حیات دین و نیز پاسخگوی نیازهای بشر است شخصیت ممتازی است که به تناسب جایگاه والای پیشوایی و رهبری، ویژگی‌هایی دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

تقوا و پرهیزگاری و برخورداری از ملکه عصمت به گونه‌ای که کوچکترین گناهی از او سر نمی‌زند.

علم و دانش که از علم پیامبر ﷺ سرچشمه گرفته است و متصل به علم الهی است. بنابراین پاسخگوی همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، دینی و دنیوی است. آراستگی به فضائل و کلمات اخلاقی در بالاترین درجات.

توان اداره جامعه بشری و مدیریت صحیح آن بر اساس آموزه‌های دینی.

با توجه به صفات یاد شده برای امام، بدیهی است که انتخاب چنین فردی از توان و دانش مردم بیرون است و تنها خداوند است که به سبب علم بی‌نهایت خود می‌تواند پیشوایان و جانشینان پیامبر ﷺ را برگزیند. بنابراین از مهمترین ویژگی‌های امام،

۱. گفتنی است که «تشکیل حکومت» توسط امام معصوم وابسته به زمینه‌ها و شرایط آن است ولی سایر وظایف، حتی در زمان غیبت، انجام می‌گیرد اگرچه در زمان ظهور امام و حضور آشکارش در میان مردم، ملموس و عینی است. نکته دیگر اینکه آنچه در این بخش گفته شد نیاز مردم به امام در حیات معنوی آنهاست و اما نیاز مجموعه عالم به «وجود امام» در بحث «فوائد امام غایب» خواهد آمد.

منصوب بودن او از سوی خداست.

با توجه به اهمیت این ویژگی‌ها، به اختصار درباره هر یک توضیح می‌دهیم:

علم امام

امام که سمت پیشوایی و رهبری مردم را به عهده دارد؛ لازم است دین را در تمامی زوایای خود بشناسد و به قوانین آن آگاهی کامل داشته باشد و نیز با دانستن تفسیر آیات قرآن و احاطه کامل به سنت پیامبر ﷺ به تبیین معارف دین پرداخته و به همه سؤالات مردم در موضوعات مختلف پاسخ دهد و آنها را به بهترین شیوه راهنمایی کند. بدیهی است که چنین مرجع علمی می‌تواند مورد اعتماد و تکیه گاه توده‌ها قرار گیرد و چنین پشتوانه علمی تنها به واسطه اتصال به علم الهی می‌تواند وجود داشته باشد به همین دلیل است که شیعه معتقد است علم امامان و جانشینان واقعی پیامبر ﷺ برگرفته از علم بیکران خدایی است.

امام علی علیه السلام درباره علامت‌های امام بر حق می‌فرماید:

امام آگاه‌ترین فرد است به حلال و حرام خدا و احکام گوناگون و او امر و نهی او و هر آنچه مردم نیازمند هستند.^۱

عصمت امام

یکی از صفات مهم امام و شرایط اساسی امامت، «عصمت» است و آن ملکه‌ای است که از علم به حقایق و اراده‌ای قوی به وجود می‌آید و امام به سبب برخورداری

۱. میزان الحکمة، ج ۱، ح ۸۶۱.

از این دو، از ارتکاب هر گناه و خطایی خودداری می‌کند. امام هم در شناخت و تبیین معارف دینی و هم در عمل به آنها و هم در تشخیص مصالح و مفاسد جامعه اسلامی، معصوم از لغزش می‌باشد.

برای عصمت امام، دلائل عقلی و نقلی (از قرآن و روایات)، وجود دارد. مهمترین دلیل‌های عقلی عبارتند از:

الف. حفظ دین و راه و رسم دینداری، در گرو عصمت امام است. چون امام مسئولیت حفظ دین از تحریف و هدایت دینی مردم را به عهده دارد و نه تنها سخن او که رفتار او و تأیید و عدم تأییدش نسبت به عمل دیگران، در رفتار جامعه تأثیر می‌گذارد. پس باید در فهم دین و عمل به آن از هر لغزشی محفوظ باشد تا پیروان خود را به گونه صحیح، هدایت کند.

ب. یکی از دلائل نیاز جامعه به امام این است که مردم در شناخت دین و اجرای آن، مصون از خطا نیستند. حال اگر پیشوای مردم نیز چنین باشد، چگونه می‌تواند مورد اعتماد کامل آنها قرار گیرد؟! به بیان دیگر اگر امام معصوم نباشد، مردم در پیروی از او و انجام همه دستوراتش، دچار تردید خواهند شد.^۱

آیاتی از قرآن نیز بر لزوم عصمت امام دلالت دارد که یکی از آنها آیه ۱۲۴ سوره بقره است. در این آیه شریفه آمده است که پس از مقام نبوت، خداوند مقام والای امامت را نیز به حضرت ابراهیم علیه السلام عطا فرمود. آنگاه حضرت ابراهیم از خداوند

۱. به علاوه اگر امام مصون از خطا نباشد باید به دنبال امام دیگری بود تا نیاز مردم را پاسخ دهد و اگر او نیز محفوظ از خطا نباشد امام دیگری لازم است و این رشته همچنان تا بی‌نهایت ادامه خواهد یافت و چنین امری از نظر فلسفی باطل است.

درخواست کرد که مقام امامت را در نسل او نیز قرار دهد. خداوند فرمود:

«عهد من (امامت) به ستمکاران و ظالمان نمی‌رسد». یعنی منصب امامت مخصوص آن دسته از ذریه ابراهیم علیه السلام است که ظالم نباشند.

حال با توجه به اینکه قرآن کریم، شرک به خدا را ظلم بزرگ دانسته و نیز هر گونه تجاوز از دستورات الهی (= گناه) را ظلم به نفس شمرده است، هر کس در برهه‌ای از زندگی خود، مرتکب گناهی شده، مصداق ظالم بوده و شایسته مقام امامت نخواهد بود.

به بیان دیگر، بدون شک حضرت ابراهیم علیه السلام «امامت» را برای آن دسته از ذریه خود که در تمام عمر گناه کار بوده و یا در آغاز نیکوکار بوده و سپس بدکار شده‌اند، درخواست نکرده است. بنابراین دو دسته باقی می‌ماند:

۱. آنان که در آغاز، گناه کار بوده و سپس توبه کرده و نیکوکار شده‌اند.

۲. آنها که هیچگاه مرتکب گناهی نشده‌اند.

و خداوند در کلام خود، دسته اول را استثنا کرده است. نتیجه اینکه مقام «امامت» تنها به دسته دوم اختصاص دارد.

مدیریت اجتماعی امام

از آن جا که انسان، موجودی اجتماعی است و اجتماع بر روح و روان و رفتار او تأثیر فراوانی دارد لازم است برای تربیت صحیح و رشد او به سوی قرب الهی، زمینه‌های اجتماعی مناسب پدید آید و این در سایه تشکیل یک حکومت الهی، ممکن خواهد بود. بنابراین امام و پیشوای مردم باید توان اداره امور جامعه را دارا

بوده و با استفاده از تعالیم و قرآن و سنت نبوی ﷺ و بهره‌گیری از عناصر کار آمد، حکومتی اسلامی را پی‌ریزی کند.

آراستگی به کمالات اخلاقی

امام که پیشوا و راهبر جامعه است باید از همه بدی‌ها و رذائل اخلاقی دور بوده و در مقابل، همه کمالات اخلاقی را در عالی‌ترین حد آن دارا باشد زیرا او به عنوان انسان کامل بهترین الگو برای پیروان خود به شمار می‌رود.

امام رضا علیه السلام فرمود:

برای امام علیه السلام نشانه‌هایی است: او داناترین، ... پرهیزگارترین، بردبارترین،

شجاع‌ترین، سخاوتمندترین و عابدترین مردم است.^۱

بعلاوه او در مقام جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله، در پی تعلیم و تربیت انسان‌هاست. بنابراین خود باید پیش از همگان و بیشتر از مردمان، به اخلاق الهی آراسته باشد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

کسی که [به امر خدا] خود را امام مردم قرار داده است پس بر اوست که پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود همت گمارد و باید دیگران را به وسیله رفتار خود تربیت کند پیش از آنکه با گفتار تربیت کند.^۲

۱. معانی الاخبار، ج ۴، ص ۱۰۲.

۲. میزان الحکمة، باب ۱۴۷، ح ۸۵۰.

نصب امام از سوی خدا

از دیدگاه شیعه، امام و جانشین پیامبر تنها به دستور خدا و انتخاب او انجام می‌گیرد و پس از آن پیامبر، امام را معرفی می‌کند. بنابراین هیچ فرد یا گروهی حق دخالت در این امر را ندارند.

ضرورت نصب امام از سوی خداوند دلیل‌هایی دارد از جمله:

الف. به فرموده قرآن حاکم مطلق بر همه چیز خداوند است و همه باید تنها از او اطاعت کنند. بدیهی است این حاکمیت می‌تواند از سوی خداوند به هر کسی - مطابق شایستگی و مصلحت - داده شود. بنابراین همان‌گونه که پیامبر به وسیله خدا انتخاب می‌گردد، امام نیز به تعیین الهی، بر مردم ولایت می‌یابد.

ب. پیش از این برای امام، ویژگی‌هایی از قبیل عصمت و علم و... بیان کردیم. روشن است که یافتن و شناختن کسی که دارای این صفات - آن هم در عالی‌ترین درجه - باشد تنها به وسیله خداوند که دانای به آشکار و نهان انسانهاست، امکان‌پذیر است. همان‌گونه که خداوند در قرآن کریم به حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید:

من تو را به مقام امامت مردم قرار دادم.^۱

بیانی جامع و زیبا

در پایان این گفتار مناسب است که بخشی از بیان زیبای پیشوای هشتم، حضرت رضای علیه السلام را که درباره مقام امام و ویژگی‌های اوست بیاوریم:

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

آنها [که در امر امامت اختلاف کردند و گمان کردند که امامت امری انتخابی است] نادانی کردند... مگر مردم، مقام و منزلت امامت را در میان امت می دانند تا روا باشد که به اختیار و انتخاب ایشان واگذار شود؟!۱۹

همانا امامت، قدرش والاتر و شأنش بزرگتر و منزلتش عالی تر و مکانش رفیع تر و عمقش ژرف تر از آنست که مردم با عقل خود به آن برسند یا با آرای خود آن را دریابند...

همانا امامت، مقامی است که خدای عزوجل، بعد از رتبه نبوت و خلّت (مقام خلیل الهی) در مرتبه سوم به ابراهیم ۷ اختصاص دارد... امامت، خلافت خدا و خلافت رسول خدا ۹ و مقام امیرالمؤمنین ۷ و میراث حسن و حسین ۸ است. به راستی که امامت، زمام دین و مایه نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزّت مؤمنان است... کامل شدن نماز، روزه، حج و جهاد و... نیز حفظ مرزها به سبب امام [و پذیرفتن ولایت] است.

امام، حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می کند [و مطابق حکم واقعی پروردگار، حکم می کند] و حدود الهی را به پا می دارد و از دین خدا حمایت کرده و با حکمت و موعظه نیکو و دلیل رسا به راه پروردگار دعوت می کند.

امام مانند خورشید طلوع کننده است که نورش عالم را فرا می گیرد و خودش در افق است به گونه ای که دست ها و دیدگان به او نرسد. امام، ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره راهنما در شدت تاریکی ها و در راههای شهرها و کویرها و در گرداب دریاها [و نجات دهنده از انواع فتنه ها و نادانی ها] است...

امام اتیس همراه و پدر مهربان و برادر تنی و مادر نیکوکار به فرزند کوچک و

پناهگاه بندگان در مصیبت‌های بزرگ است. امام کسی است که از گناهان پاک و از عیب‌ها برکنار است. او به دانش مخصوص و به خویشتن‌داری و حلم نشانه دار است... امام، یگانه روزگار خویش است و کسی (به ساحت او) نزدیک نمی‌شود و هیچ دانشمندی با او برابر نمی‌گردد. نه کسی جای او را می‌گیرد و نه برای او مثل و مانندی یافت می‌شود...

پس کیست که بتواند امام را بشناسد و یا انتخاب امام برای او ممکن باشد؟! هیئات هیئات! در اینجا خرده‌ها گم گشته و عقل‌ها سرگردان و حیران گردیده است. [در اینجا] دیده‌ها بی‌نور، بزرگان کوچک، حکیمان متحیر... و سخن دانان درمانده‌اند از اینکه بتوانند یکی از شوؤن یا فضیلت‌های امام را توصیف کنند و آنان همگی به عجز و ناتوانی اعتراف می‌کنند!!...^۱

فصل دوم

مهدی شناسی

بخش اول:

امام مهدی علیه السلام در یک نگاه

آخرین امام شیعیان و دوازدهمین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری [۸۶۸ میلادی] در سامراء یکی از شهرهای عراق، دیده به جهان گشود.

پدر گرامی او، پیشوای یازدهم شیعیان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مادر بزرگوار آن حضرت، بانویی شایسته به نام «نرجس» بود که درباره ملیت او روایات، مختلف است. مطابق روایتی، آن حضرت دختر «یشوع» پسر امپراتور روم بوده و مادرش از نسل «شمعون» وصی حضرت عیسی علیه السلام است. برابر این روایت نرجس در پی خوابی شگفت مسلمان شد و به هدایت امام عسکری علیه السلام خود را در میان سپاه روم که عازم نبرد با مسلمانان بودند قرار داد و همراه جمعی دیگر به اسارت لشکر اسلام در آمد. امام هادی علیه السلام کسی را فرستاد که او را خریداری کرد و به سامراء آورد.^۱ روایات دیگری نیز نقل شده است^۲ ولی آنچه مهم و قابل توجه است اینکه حضرت نرجس علیه السلام مدتی در خانه حکیمه خاتون - از خواهران بزرگوار امام هادی علیه السلام - بوده و تحت تعلیم و تربیت ایشان قرار گرفته است و مورد احترام فراوان حکیمه علیه السلام بوده است.

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۱، ح ۱، ص ۱۳۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵، ح ۲۹، ص ۲۲، وح ۱۴، ص ۱۱.

حضرت نرجس علیها السلام آن بانویی است که سال‌ها پیش در کلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله^۱ و امیرالمؤمنین علیه السلام^۲ و امام صادق علیه السلام^۳ مورد ستایش قرار گرفته و از او به عنوان بهترین کنیزان و سرور آنان یاد شده است.

گفتنی است که مادر امام عصر علیه السلام به نام‌های دیگری مانند سوسن، ریحانه، ملیکه و صیقل (صقیل) نیز خوانده می‌شد.

نام، کنیه و القاب

نام و کنیه^۴ امام زمان علیه السلام همان نام و کنیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و در برخی از روایات از بردن نام ایشان تا هنگام ظهور، نهی شده است.

لقب‌های مشهور آن حضرت عبارتند از: مهدی، قائم، منتظر، بقیه‌الله، حجت، خلف صالح، منصور، صاحب الامر، صاحب الزمان و ولی عصر که معروف‌ترین آن‌ها «مهدی» است.

هر یک از این لقب‌ها، بیانگر پیام و ویژه‌ای درباره آن بزرگوار است.

آن امام خوبی‌ها را «مهدی» گفته‌اند زیرا که هدایت شده‌ای است که مردم را به سوی حق می‌خواند و «قائم» خوانده‌اند چون برای حق، قیام خواهد کرد و «منتظر» نامیده‌اند زیرا که همگان در انتظار مقدم اویند و «بقیه‌الله» لقب داده‌اند چرا که باقیمانده حجت‌های خدا و آخرین ذخیره الهی است.

۱. همان، ج ۵۰، ح ۷، ص ۲۱.

۲. غیبت طوسی، ج ۴۷۸، ص ۴۷۰.

۳. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۳۱، ص ۲۱.

۴. اسمی است که با لفظ «اب» یا «ام» شروع می‌شود مانند: اباعبدالله و ام البنین.

«حجّت» به معنی گواه خدا بر خلق و «خلف صالح» به معنی جانشین شایسته برای اولیاء خداست. او «منصور» است چون از سوی پروردگار یاری می شود و «صاحب الأمر» است چون امر ایجاد حکومت عدل الهی به عهده اوست. «صاحب الزمان و ولی عصر» نیز به معنی آنست که او حاکم و فرمانروای یگانه زمان است.

چگونگی ولادت

در روایات فراوان، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که مردی از خاندان او به نام «مهدی» قیام خواهد کرد و بنیان ستم را وازگون خواهد ساخت. فرمانروایان ستمگر عباسی با اطلاع از این روایات در پی آن بودند که در همان ابتدای ولادت امام مهدی علیه السلام، او را به قتل رسانند. بنابراین از زمان امام جواد علیه السلام، زندگی امامان معصوم علیهم السلام با محدودیت های بیشتری همراه گشت و در زمان امام حسن عسکری علیه السلام به اوج خود رسید به گونه ای که کمترین رفت و آمد به خانه آن بزرگوار از نظر دستگاه حکومت، مخفی نبود. پیداست در چنین شرایطی باید تولّد آخرین حجّت حق و موعود الهی در پنهانی و به دور از چشم دیگران می بود. به همین دلیل حتی نزدیکان امام یازدهم از جریان ولادت امام مهدی علیه السلام بی اطلاع بودند و تا چند ساعت پیش از تولّد نیز، نشانه های بارداری در نرجس خاتون مادر بزرگوار امام دوازدهم، دیده نشد. حکیمه خاتون، دختر گرامی امام جواد علیه السلام، جریان ولادت را چنین حکایت کرده است:

امام حسن عسکری علیه السلام به دنبال من فرستاد و فرمود: «ای عمه! امشب افطار نزد ما باش! چرا که شب نیمه شعبان است و خداوند در این شب [آخرین] حجّت

خود بر روی زمین را آشکار خواهد کرد. پرسیدم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس! گفتم: فدای شما شوم! نشانه بارداری در او پیدا نیست! فرمود: سخن همان است که گفتم! پس [بر نرجس] وارد شدم و سلام کردم و نشستم. او پیش آمد تا کفش هایم را بیرون آورد و به من گفت: بانوی من حال شما چطور است؟ گفتم: بلکه تو بانوی من و بانوی خاندان منی! سخن مرا نپذیرفت و گفت: عمه جان چه می فرماید! گفتم: دخترم، امشب خداوند متعال به تو پسری عطا می فرماید که سرور دنیا و آخرت خواهد بود. پس خجالت کشید و حیا کرد.

حکیمه گوید: پس از نماز عشاء، افطار کردم و در بستر خود آرامیدم و هنگام نیمه شب برای انجام نماز [شب] برخاستم و آن را به جای آوردم در حالی که نرجس [به آرامی] خوابیده بود بدون آنکه اتفاقی برایش روی دهد. پس از انجام تعقیبات [نماز] خوابیدم. سپس هراسان بیدار شدم و حال آن که او همچنان در خواب بود. لحظاتی بعد برخاست و نماز [شب] گزارد و خوابید.

حکیمه ادامه می دهد: بیرون آمدم و در جستجوی فجر [= سپیده] به آسمان نگریستم. پس فجر اول^۱ را مشاهده کردم و نرجس همچنان در خواب بود. پس به شک افتادم! ناگاه امام حسن عسکری علیه السلام از جایگاه خود ندا برآورد: ای عمه شتاب مکن! امر [ولادت] نزدیک است. نشستم و به قرائت سوره های «سجده» و «یس» مشغول شدم که نرجس با اضطراب بیدار شد. به سرعت نزد او رفتم و گفتم: «اسم الله علیک»^۲ [نام خدا بر تو باد] آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت:

۱. مقصود سفیدی است که اندکی پیش از اذان صبح در افق دیده می شود.

۲. این جمله کنایه از این است که بلا از تو دور باد.

آری ای عمه! گفتم: بر خود مسلط باش و دلت را استوار دار که این همان است که با تو گفتم. در این هنگام ضعیفی من و نرجس را فرا گرفت. پس به صدای سرورم [نوزاد تولد یافته] به خود آمدم و جامه را از روی او برداشتم و او را در حال سجده دیدم! در آغوشش گرفتم و او را کاملاً پاکیزه یافتم!

در این هنگام امام عسکری علیه السلام مراندا داد: «ای عمه! پسرمان نزد من بیاور! او را نزد وی بردم... در آغوشش گرفت و فرمود: پسر من سخن بگو! پس لب به سخن گشود و فرمود: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً رسول الله». سپس بر امیرالمؤمنین و امامان علیهم السلام درود فرستاد تا به نام پدرش رسید و از سخن گفتن باز ایستاد. امام عسکری علیه السلام فرمود: ای عمه او را به نزد مادرش ببر تا بر او سلام کند....

حکیمه گوید: فردای آن روز به نزد امام یازدهم رفتم و بر حضرت سلام کردم و پرده را کنار زدم تا مولایم (امام مهدی) را ببینم ولی او را ندیدم از این رو از پدر بزرگوارش پرسیدم: فدای شما شوم! برای مولای من چه اتفاقی روی داده است؟ آن حضرت پاسخ دادند: ای عمه! او را به آن کسی (خدایی) سپردم که مادر موسی، موسی علیه السلام را به او سپرد.

حکیمه گوید: چون روز هفتم فرا رسید آمدم و سلام کردم و نشستم. امام فرمود: فرزندم را نزد من آور! من سرورم را آوردم... امام فرمود: فرزندم! سخن بگو! نوزاد [لب بگشود و] پس از گواهی به یگانگی خداوند و درود بر پیامبر اکرم و پدران بزرگوارش این آیات را تلاوت فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ

اسْتَضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُفَعِّلُهُمْ فِي الْأَرْضِ وَثَرَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.^۱

«به نام خداوند بخشنده مهربان. و ما اراده کردیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پا برجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانش، آنچه را از آنها [= بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم.»

شمایل و خصوصیات

در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت پیامبر علیهم السلام شمایل و اوصاف حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

آن بزرگوار چهره‌اش جوان و گندمگون، پیشانی‌اش بلند و تابنده، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت، بینی‌اش کشیده و زیبا و دندان‌هایش براق و گشاده است. بر گونه راست آن امام، خالی مشکین و در میان شانه‌اش اثری چون اثر نبوت دیده می‌شود و اندام مبارکش متناسب و دلرباست.

بعضی از ویژگی‌های آن وجود شریف که در سخنان معصومین علیهم السلام بیان گردیده، از این قرار است:

او اهل عبادت و شب زنده داری، زهد و ساده زیستی، صبر و بردباری،

۱. سوره قصص، آیات ۵ و ۶.

۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱، ص ۱۴۳.

عدالت و نیکوکاری است. آن حضرت سرآمد همگان در علم و دانش و وجود نازنینش چشمه سار برکت و پاکی است. او اهل قیام و جهاد، رهبر جهانی، انقلابی بزرگ، منجی نهایی و مصلح موعود بشریت است. آن وجود نورانی از تبار رسول خدا ﷺ و از اولاد فاطمه زهرا علیها السلام و نهمین فرزند از نسل سیدالشهداء علیها السلام است که به هنگام ظهور بر کعبه تکیه زند و پرچم پیامبر را در دست گیرد و با قیام خود دین خدا را زنده و احکام خداوند را در سراسر گیتی جاری کند و جهان را پر از مهربانی و داد گرداند پس از آن که پر از جور و بیداد شده باشد.^۱

زندگی امام مهدی علیها السلام شامل سه دوره پرفراز و نشیب است:

- ۱- دوره اختفا: زندگی پنهانی آن حضرت از آغاز ولادت تا زمان شهادت امام عسکری علیها السلام است.
- ۲- دوران غیبت: از هنگام شهادت امام یازدهم علیها السلام شروع گردیده تا هر زمان که به اراده خداوند ظهور کند، ادامه خواهد یافت.
- ۳- عصر ظهور: پس از طی شدن دوران غیبت و به خواست پروردگار جهان، امام دوازدهم علیها السلام ظهور خواهد کرد و دنیا را سرشار از خوبی ها و زیبایی ها خواهد نمود. هیچ کس زمان ظهور آن موعود منتظر را نمی داند و از امام عصر علیها السلام روایت شده، آنها که برای ظهور، زمانی را تعیین کنند، دروغگو هستند.^۲

۱. منتخب الاثر، فصل دوم، از ص ۲۳۹ تا ۳۸۳.

۲. احتجاج، ج ۲، ش ۳۴۴، ص ۵۴۲.

بخش دوم:

از ولادت موعود تا شهادت امام عسکری علیه السلام

این دوره از زندگی حضرت مهدی علیه السلام در بردارنده نکات بسیار مهمی است که به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود:

معرفی امام مهدی علیه السلام به شیعیان

از آن جا که ولادت امام دوازدهم علیه السلام به صورت پنهانی انجام گرفت بیم آن بود که شیعیان در شناخت آخرین حجّت پروردگار به اشتباه و گمراهی گرفتار آیند. امام عسکری علیه السلام وظیفه داشت تا فرزند خود را به گروهی از بزرگان شیعه و افراد مورد اعتماد معرفی کند تا آنان نیز خبر ولادت او را به دیگر پیروان اهل بیت علیهم السلام برسانند و بدین ترتیب ضمن معرفی آن بزرگوار، تهدیدی نیز متوجّه وجود آن آخرین سفیر حق نگردد.

«احمد بن اسحاق» که از بزرگان شیعه و پیروان ویژه امام یازدهم علیه السلام است می‌گوید:

خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و می‌خواستم در مورد امام پس از او سؤال کنم؛ ولی پیش از آن که سخنی بگویم فرمود: ای احمد! همانا خدای متعال از آن زمان که آدم را آفریده، زمین را از حجت خود خالی نگذاشته است و تا قیامت نیز چنین نخواهد کرد! به واسطه حجت خدا، بلا از اهل زمین

برداشته می شود و [به برکت وجود او] باران باریده و بهره های زمینی بیرون می آید.

عرض کردم: ای پسر رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟! آن حضرت با شتاب به درون خانه رفت و بازگشت در حالی که پسری سه ساله که رویش همانند ماه تمام می درخشید بر دوش خویش داشت و فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای متعال و حجت های او گرامی نبودی، این پسر مرا به تو نشان نمی دادم! همانا او هم نام و هم کنیه رسول خداست و کسی است که زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.

گفتم: سرور من! آیا نشانه ای هست که قلبم به آن آرام گردد؟!

[در این هنگام] آن کودک، لب به سخن گشود و به زبان عربی روان گفت: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ... مِنْ بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي زَمِينِ هَسْتُمْ» که از دشمنان خدا انتقام خواهم گرفت؛ ای احمد بن اسحاق، پس از این که با چشم خود می بینی در پی نشانه مباش!!

احمد بن اسحاق گوید: پس [از شنیدن این سخنان] با شادمانی از خانه امام علیه السلام بیرون شدم...^۱

همچنین محمد بن عثمان^۲ و چند تن دیگر از بزرگان شیعه نقل می کنند:

چهل نفر از شیعیان نزد امام یازدهم گرد آمدیم. آن حضرت، فرزندش را به ما

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۸، ح ۱، ص ۸۰.

۲. او دومین نائب خاص امام مهدی علیه السلام در دوره غیبت صغری است که در بخش غیبت، شرح حال او خواهد آمد.

نشان داد و فرمود: «پس از من، این امام شما و جانشین من است. از او فرمان برید و بعد از من در دین خود پراکنده نشوید که هلاک خواهید شد و [بدانید که] پس از امروز او را نخواهید دید...»^۱

گفتنی است که یکی از برنامه‌های دینی و سنت‌های سفارش شده، عقیقه کردن و ولیمه دادن برای نوزاد است و آن کشتن گوسفند و طعام دادن به گروهی از مردم است که برای سلامتی و طول عمر فرزند تأثیر فراوان دارد. امام حسن عسکری علیه السلام بارها برای فرزندش عقیقه کرد^۲ تا ضمن عمل به این سنت نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله گروه‌های بسیاری از شیعیان را از ولادت امام دوازدهم آگاه سازد. محمد بن ابراهیم گوید:

امام عسکری علیه السلام برای یکی از شیعیان خود، گوسفند سر بریده‌ای فرستاد و فرمود: این از عقیقه فرزندم «محمد» است.^۳

معجزات و کرامات

یکی از فرازهای خواندنی زندگی امام مهدی علیه السلام در سال‌های نخستین تولد و پیش از دوران غیبت، معجزه‌ها و کرامت‌هایی است که به وسیله آن حضرت، انجام گرفته است و معمولاً این بخش از حیات آن آیت بزرگ الهی، مورد غفلت واقع شده است. ما تنها یک نمونه از آن‌ها را می‌آوریم:

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲، ص ۱۶۲.

۲. همان، باب ۴۲.

۳. همان، ص ۱۵۸.

ابراهیم بن احمد نیشابوری گوید:

زمانی که عمرو بن عوف، [که فرمانروایی ستمگر بود و به کشتن شیعیان، علاقه فراوان داشت.] قصد کشتن مرا کرد به شدت بیمناک شدم و وحشت همه وجودم را فراگرفت. پس با خاندان و دوستان خود خداحافظی کرده و رو به جانب خانه امام حسن عسکری علیه السلام کردم تا با ایشان نیز وداع کنم و در نظر داشتم که پس از آن بگریزم. چون به خانه امام وارد شدم، در کنار امام حسن عسکری علیه السلام پری دیدم که رویش مانند شب چهاردهم می درخشید به گونه‌ای که از نور سیمای او حیران گشتم و نزدیک بود آنچه را در خاطر داشتم [یعنی ترس از کشته شدن و تصمیم به فرار] فراموش کنم.

[در این هنگام آن کودک] به من گفت: «ای ابراهیم، نیازی به گریختن نیست! به زودی خدای متعال، شر او را از تو دور خواهد کرد!»

حیرتم بیشتر شد، به امام عسکری علیه السلام گفتم: فدای شما شوم! این پسر کیست که از درون من خبر می دهد؟! امام عسکری علیه السلام فرمود: او فرزند من و جانشین پس از من است....

ابراهیم گوید: بیرون آمدم در حالی که به لطف خداوند امیدوار بودم و به آنچه از امام دوازدهم، شنیده بودم، اعتماد داشتم. چندی بعد، عمویم مرا به کشته شدن عمرو بن عوف، بشارت داد.^۱

۱. اثبات الهداة، ج ۳، فصل ۷، ص ۷۰۰.

پاسخ گویی به سؤالات

آخرین ستاره درخشان آسمان امامت، در همان سال‌های آغاز زندگی، به سؤالات شیعیان در موارد گوناگون، پاسخ‌های محکم و قانع کننده می‌داد و دلگرمی و آرامش خاطر آنان را فراهم می‌کرد. برای نمونه روایتی را به اختصار نقل می‌کنیم:

سعد بن عبدالله قمی از بزرگان شیعه به همراه احمد بن اسحاق قمی وکیل امام حسن عسکری علیه السلام برای طرح سؤالات و دریافت پاسخ آن‌ها به محضر امام یازدهم شرفیاب می‌شود. او جریان این دیدار را چنین نقل کرده است:

چون خواستم سؤال کنم، امام عسکری علیه السلام به فرزندش اشاره کرد و فرمود: از نور چشمم سؤال کن! در این هنگام کودک رو به من کرده فرمود: هر چه می‌خواهی سؤال کن! ... پرسیدم: مقصود از «کهیص» [از حروف مقطعه قرآن] چیست؟ فرمود: این حروف از خبرهای غیبی است. خداوند بنده [و پیامبر] خود زکریا را از آن آگاه ساخته و سپس آن را برای محمد صلی الله علیه و آله باز گفته است. داستان از این قرار است که زکریا علیه السلام از پروردگارش خواست تا نام‌های پنج تن [آل عبا] را به او بیاموزد. خداوند متعال جبرئیل علیه السلام را بر او فرو فرستاد و آن نام‌ها را به او یاد داد. زکریا چون [نام‌های مقدس] محمد و علی و فاطمه و حسن: را بر زبان می‌آورد اندوه و گرفتاریش برطرف می‌شد و وقتی حسین را یاد می‌کرد، بغض گلویش را می‌گرفت و مبهوت می‌شد. روزی گفت: بارالها چرا وقتی آن چهار نفر را یاد می‌کنم از اندوه‌ها و نگرانی‌هایم راحت شده و دل آرام می‌شوم و چون حسین علیه السلام را به یاد می‌آورم، اشکم جاری و ناله‌ام بلند

می‌شود؟! خداوند او را از داستان حسین علیه السلام آگاه کرد و فرمود: «کهیصص» [رمز این داستان است]. «کاف» رمز کربلا و «هائ» رمز هلاکت خاندان [او] و «یاء» کنایه از نام «یزید» که جفاکننده نسبت به حسین علیه السلام است می‌باشد و «عین» اشاره به عطش و تشنگی او دارد و «صاد» نشانه صبر و استقامت امام حسین علیه السلام است....

گفتم: ای مولای من! چرا مردم از برگزیدن امام برای خود منع شده‌اند؟
فرمود: [مقصود تو برگزیدن] امام مصلح است یا امام مفسد؟ گفتم: امام مصلح [که جامعه را اصلاح کند]. فرمود: با توجه به اینکه هیچکس از درون دیگری آگاه نیست که به صلاح و درستی می‌اندیشد یا به فساد و تباهی، آیا احتمال ندارد که برگزیده مردم، مفسد (و اهل تبهکاری) باشد؟ گفتم: آری، امکان دارد. فرمود: علت، همین است.^۱

گفتنی است که در ادامه روایت، امام مهدی علیه السلام علت دیگری نیز بیان کرده‌اند و به سؤالات دیگر هم پاسخ فرموده‌اند که برای رعایت اختصار از بیان آن‌ها خودداری شد.

دریافت هدایای مادی

یکی از برنامه‌های شیعیان، فرستادن هدایای مادی و واجبات مالی برای امامان معصوم علیهم السلام بوده است و آن بزرگواران پس از پذیرفتن آن‌ها، از نیازمندان جامعه رفع نیاز می‌کردند.

۱. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۲۱، ص ۱۹۰.

۲. توضیح این سخن در فصل اول کتاب در بخش منصوب بودن امام از سوی خدا، گذشت.

ابن اسحاق یکی از وکیل های امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: اموالی از شیعیان را به محضر امام یازدهم علیه السلام بردم تا به آن حضرت تقدیم کنم. در آن حال فرزند خردسال حضرت با چهره ای که مانند ماه تمام می درخشید در کنار امام حضور داشت. امام عسکری علیه السلام رو به فرزند خود کرده فرمود: فرزندم هدایای شیعیان و دوستانت را باز کن! کودک فرمود: ای مولای من! آیا رواست دست پاک [خود] را به هدایای ناپاک و اموال پلیدی که حلال و حرام آن به یکدیگر آمیخته است دراز کنم؟!

امام عسکری علیه السلام فرمود: ای ابن اسحاق، آن چه در میان اینان است بیرون آور تا حلال و حرام آن را جدا کند! پس اولین کیسه را بیرون آوردم. کودک گفت: این کیسه از فلان شخص از فلان محله شهر قم است [و نام او و نام محله اش را فرمود] که در آن شصت و دو اشرفی است. چهل و پنج اشرفی از آن، بهای فروش زمین سنگلاخی است که صاحبش آن را از پدر خود، ارث برده است و چهارده دینار آن بهای نه جامه است که فروخته و سه دینارش وجه اجاره دکان ها است.

امام عسکری علیه السلام فرمود: فرزند عزیزم! راست گفتی. اکنون این مرد را راهنمایی کن که کدام [از این اموال] حرام است؟! کودک با دقت تمام، سکه های حرام را مشخص کرد و علت حرام بودن آن ها را به روشنی بیان کرد!

سپس کیسه دیگری بیرون آوردم. آن کودک پس از بیان نام و نشان و محل سکونت صاحب آن، فرمود: در آن کیسه پنجاه اشرفی است که دست زدن بدان برای ما روا نیست. سپس علت ناپاکی آن اموال را یک به یک بیان کرد!

آن گاه امام عسکری علیه السلام فرمود: پسر جانم راست گفتی! سپس رو به احمد بن اسحاق کرد و فرمود: همه را به صاحبانش برگردان یا سفارش کن که آنها را به صاحبانش برسانند و ما را نیازی به آن نیست....^۱

نماز بر جنازه پدر

آخرین فراز از زندگی امام مهدی علیه السلام در دوران اختفا و پیش از شروع غیبت، نماز خواندن آن حضرت بر جنازه پاک پدر بزرگوارش است.
ابوالآذیان خدمتکار امام یازدهم علیه السلام در این باره می گوید:

امام حسن عسکری علیه السلام در آخرین روزهای عمر شریف خود، نامه هایی را به من داد و فرمود: اینها را به شهر مدائن برسان؛ پس از پانزده روز به سامراء بازخواهی گشت و از خانه من ناله و افغان خواهی شنید و [بدن] مرا در محل غسل خواهی دید. گفتم: ای سرور من! چون چنین روی دهد، امام و جانشین شما که خواهد بود؟ فرمود: هر کس پاسخ نامه های مرا از تو بخواهد، امام پس از من خواهد بود. گفتم: نشانه دیگری بفرماید! فرمود: کسی که بر من نماز بخواند، امام پس از من خواهد بود. گفتم: نشانه دیگری بفرمائید! فرمود: کسی که از آن چه در کیسه است خبر دهد، امام پس از من خواهد بود. [ولی] هیت و شکوه امام مانع از آن شد که به رسم در آن کیسه چیست!

نامه ها را به مدائن بردم و جواب آنها را گرفتم و همان گونه که فرموده بود روز

پانزدهم وارد سامراء شدم و در آن حال فریاد ناله و افغان از سرای آن حضرت شنیدم و [بدن] امام عسکری علیه السلام را در محل غسل یافتیم. در آن حال جعفر، برادر آن حضرت را دیدم که بر در خانه امام ایستاده است و جمعی از شیعیان، وی را [در مرگ برادر] تسلیت و [بر امامتش] تبریک می گفتند!! با خود گفتم: اگر این [جعفر] امام است که امامت، تباه می شود؛ زیرا او را می شناختم که اهل شراب و قماربازی و تارزنی است! [ولی چون در پی نشانه ها بودم] پیش رفتم و [مانند دیگران] تبریک و تسلیت گفتم ولی او درباره هیچ چیز [از جمله جواب نامه ها] از من سؤالی نکرد. در آن حال عقید [یکی از خدمتکاران از خانه] بیرون آمد و [خطاب به جعفر] گفت: ای سرور من، برادرت [امام عسکری علیه السلام] کفن شده است، برخیز و بر او نماز گزار! من به همراه جعفر و جمعی از شیعیان داخل خانه شدم و امام یازدهم علیه السلام را کفن شده بر تابوت دیدم. جعفر پیش رفت تا بر برادرش نماز گزارد ولی چون خواست تکبیر بگوید کودکی گندم گون باگیسوئی مجعد و دندان های پیوسته بیرون آمد و لباس جعفر را گرفت و گفت: ای عمو! عقب برو که من به نماز گزاردن بر پدرم سزاوارترم! پس جعفر با چهره ای رنگ پریده و زرد، عقب رفت! آن کودک پیش آمد و بر بدن امام علیه السلام نماز گزارد. پس از آن [به من] فرمود: جواب نامه هایی را که به همراه داری به من بده! نامه ها را به او دادم. و با خود گفتم این دو نشانه [از نشانه های امامت این کودک است]. و جریان کیسه، باقی مانده است. نزد جعفر رفتم و او را دیدم که آه می کشید! یکی از شیعیان از او پرسید این کودک کیست؟

جعفر گفت: به خدا سوگند هرگز او را ندیده و نمی شناسم.

ابوالادیان ادامه می‌دهد: ما نشسته بودیم که گروهی از اهل قم آمدند و از امام حسن عسکری علیه السلام سراغ گرفتند و چون از شهادت آن حضرت باخبر شدند گفتند: به چه کسی تسلیت بگوئیم؟ مردم به جعفر اشاره کردند. آن‌ها بر او سلام کردند و تبریک و تسلیت گفتند. سپس خطاب به جعفر گفتند: همراه ما نامه‌ها و اموالی است. بگو نامه‌ها از کیست؟ و اموال چقدر است؟!

جعفر برآشفته و از جا برخاست و گفت: آیا از ما علم غیب می‌خواهید؟! در این حال خدمتکار [از اندرون] بیرون آمد و گفت: نامه‌های فلانی و فلانی همراه شماست [و نام و نشانی صاحبان نامه‌ها را گفت] و نیز کیسه‌ای با شماست که در آن هزار دینار است که نقش ده دینار آن محو شده است! آن‌ها نامه‌ها و اموال را به او دادند و گفتند: آن‌که تو را برای گرفتن این‌ها فرستاده همو امام است...^۱

بخش سوم:

امام مهدی علیه السلام در آینه قرآن و روایات

الف: قرآن

قرآن کریم، چشمه زلال ناب‌ترین معارف الهی و ماندگارترین حکمت‌ها و دانش‌های مورد نیاز بشر است. کتابی است سراسر راستی و درستی که خبرهای گذشته و آینده جهان را بیان کرده است و هیچ حقیقتی را فروگذار نکرده است. البته روشن است که حجم بسیار گسترده حقایق عالم در ژرفای آیات الهی نهفته است و تنها آن‌ها که به عمق معانی آن دست یابند به آن واقعیات پی خواهند برد و آنان اهل قرآن و مفسران حقیقی آن یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او هستند.

قیام و انقلاب آخرین سفیر الهی از بزرگترین حقایق جهان است که در آیات فراوانی از قرآن کریم به آن اشاره شده و روایات بسیاری در تفسیر آن آیات نقل گردیده است که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ آمده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ﴾

همانا در زبور پس از ذکر [تورات] نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما
به ارث خواهند برد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

مقصود از بندگان شایسته‌ای که زمین را به ارث می‌برند، امام مهدی و یاران او هستند.^۱

و نیز در سوره قصص آیه ۵ می‌فرماید:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

و ما اراده کردیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] و وارثان زمین قرار دهیم.

امام علی علیه السلام فرمود:

مقصود [از مستضعفان] خاندان پیامبرند. خداوند پس از تلاش و رنجشان، «مهدی» این دودمان را برمی‌انگیزد و آنان را به اوج شکوه و عزت و اقتدار می‌رساند و دشمنانشان را به سختی ذلیل می‌سازد.^۲

همچنین در بخشی از آیه ۸۶ از سوره هود آمده است:

﴿... بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

بقیة‌الله برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید.

امام باقر علیه السلام فرمود:

وقتی [امام مهدی علیه السلام] ظهور کند بر دیوار کعبه تکیه زند و اولین سخنی که بر زبان جاری کند این آیه است. سپس می‌فرماید: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۲.

۲. غیبت طوسی، ج ۱۴۳، ص ۱۸۴.

خَلِيفَتِهِ وَ حُجَّتِهِ عَلَيْكُمْ» من «بقية الله» در زمین و جانشین او و حجت او بر شما هستم. پس هر کسی بخواهد بر او سلام کند گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».^۱

و در سوره حدید آیه ۱۷ فرموده است:

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا. قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

بدانید خداوند زمین را پس از مرگ آن زنده می‌کند. ما آیات [خود] را برای شما بیان کردیم، باشد که بیندیشید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مراد این است که خداوند زمین را به واسطه عدالت حضرت مهدی علیه السلام در دوران ظهورش زنده خواهد کرد پس از آن که به سبب ستم سردمداران گمراهی مرده باشد».^۲

ب: روایات

موضوع امام مهدی علیه السلام از موضوعاتی است که روایات بسیاری درباره آن در اختیار ماست به گونه‌ای که درباره مراحل مختلف زندگی آن حضرت همچون ولادت، دوران کودکی، غیبت صغری و کبری، علائم ظهور و روزگار ظهور و حکومت جهانی، به طور جداگانه احادیثی از پیشوایان دینی موجود است. چنانکه درباره

۱. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۲.

خصوصیات ظاهری و اخلاقی آن بزرگوار، ویژگی‌های دوران غیبت او و فضیلت و پاداش منتظران ظهورش مجموعه ارزشمندی از روایات داریم و جالب اینکه بسیاری از این روایات هم در کتاب‌های شیعه و هم در کتاب اهل سنت نقل شده است و تعداد زیادی از احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام «متواتر» است.

گفتنی است که یکی از ویژگی‌های قابل توجه امام مهدی علیه السلام آن است که همه معصومان علیهم السلام درباره آن حضرت سخنان نغزی ایراد فرموده‌اند که مجموعه‌ای از معارف آگاهی‌بخش را فراهم کرده است و از اهمیت فوق‌العاده قیام و انقلاب آن پرچمدار عدالت حکایت می‌کند. مناسب است در اینجا از هر یک از آن پیشوایان بزرگ روایتی را نقل کنیم:

● پیامبر گرامی اسلام فرمود:

خوشا به حال آن که مهدی علیه السلام را ببیند و خوشا حال آن که او را دوست بدارد
و خوشا حال کسی که امامت او را باور داشته باشد.^۱

● امام علی علیه السلام فرمود:

«منتظر فرج [آل محمد] باشید و از رحمت خدا ناامید نگردید به راستی که
محبوبترین کارها نزد خداوند بزرگ، انتظار فرج است.^۲

● در لوح فاطمه زهرا علیها السلام آمده است:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

۲. همان، ص ۱۲۳.

۳. در روایت مذکور آمده که جابر انصاری گوید: در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تهنیت ولادت امام حسین علیه السلام نزد حضرت فاطمه علیها السلام رفتم. در دست ایشان لوح (صفحه) سبز رنگی دیدم و در آن نوشته‌ای نورانی مانند

«... سپس به خاطر رحمت بر جهانیان سلسله اوصیاء را به وجود فرزند امام حسن عسکری علیه السلام تکمیل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی و شکوه عیسی و صبر ایوب را داراست...»^۱

● امام حسن مجتبی علیه السلام در ضمن روایتی، پس از بیان برخی از مشکلات زمان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

خداوند در آخر الزمان مردی را برمی انگیزد... و او را به وسیله فرشتگان خود پشتیبانی می کند و یارانش را حفظ می کند... و او را بر تمامی ساکنان زمین چیره می سازد... او زمین را از عدالت و روشنایی و دلیل آشکار پر می سازد... خوشا حال آن که روزگار او را ببیند و سخن او را بشنود.^۲

● امام حسین علیه السلام فرمود:

«... خداوند به وسیله او [امام مهدی علیه السلام] زمین را زنده می کند پس از آن که مرده باشد و به وسیله او آئین حق را بر تمامی دین ها پیروز گرداند هر چند مشرکان را خوش نیاید. برای او غیبتی است که گروهی در آن از دین باز می گردند و گروهی دیگر بر دین استوار می مانند... همانا آن که در غیبت او بر اذیت ها و تکذیب ها شکیبایی کند؛ مانند کسی است که پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با شمشیر جهاد کرده باشد.^۳

۵ آفتاب دیدم. گفتم، این لوح چیست؟ فرمود: این لوح را خداوند به رسولش هدیه کرده و در آن اسم پدر و شوهر و دو فرزندم و نامهای جانشینان فرزندانم ثبت شده. رسول خدا آن را به من عطا فرموده تا بدان مسرور گردم.

۱. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۸، ح ۱، ص ۵۶۹.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۷۰.

۳. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۰، ح ۳، ص ۵۸۴.

● امام سجاده علیه السلام فرمود:

کسی که در دوران غیبت قائم ما بر دوستی ما ثابت قدم باشد خداوند پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد به او عنایت فرماید.^۱

● امام باقر علیه السلام فرمود:

زمانی بر مردم می آید که امامشان غایب شود پس خوشا حال آنها که در آن زمان بر امر [ولایت] ما ثابت بمانند...^۲

● امام صادق علیه السلام فرمود:

برای قائم علیه السلام دو غیبت است یکی از آنها کوتاه مدت و دیگری بلند مدت است.^۳

● امام کاظم علیه السلام فرمود:

امام [مهدی علیه السلام] از دیدگان مردم پنهان می شود ولی یاد او از دل های مؤمنان فراموش نمی شود.^۴

● امام رضا علیه السلام فرمود:

وقتی [امام مهدی] قیام کند زمین به نور [وجود] او روشن گردد و آن بزرگوار، ترازوی عدالت را در میان مردم قرار دهد؛ پس کسی به دیگری ستم نخواهد کرد.^۵

۱. همان، ج ۱، باب ۳۱، ص ۵۹۲.

۲. همان، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۵، ص ۶۰۲.

۳. غیبت نعمانی، باب ۱۰، فصل ۴، ح ۵، ص ۱۷۶.

۴. همان، باب ۳۴، ح ۶، ص ۵۷.

۵. همان، باب ۳۵، ح ۵، ص ۶۰.

● امام جواد علیه السلام فرمود:

قائم ما آن کسی است که [مردم] باید در زمان غیبت، انتظار ظهور او را داشته باشند و چون قیام کرد به فرمان او گردن نهند.^۱

● امام هادی علیه السلام فرمود:

امام پس از من فرزندی حسن و پس از او فرزندش «قائم» است آن که زمین را پر از عدل و داد کند چنان که پر از ستم و جور شده باشد.^۲

● امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

سپاس خدای را که مرا از دنیا نبرد تا آن که جانشین مرا به من نشان داد. او از نظر آفرینش و اخلاق، شبیه ترین مردم به رسول خداست....^۳

۱. همان، باب ۳۶، ح ۱، ص ۷۰.

۲. همان، باب ۳۷، ح ۱۰، ص ۷۹.

۳. همان، باب ۳۷، ح ۷، ص ۱۱۸.

بخش چهارم:

امام مهدی علیه السلام در نگاه دیگران

خوشر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

موضوع امام مهدی علیه السلام و قیام و انقلاب جهانی او نه تنها در کتاب‌های شیعه بلکه در فرهنگ اعتقادی سایر فرقه‌های اسلامی نیز بیان گردیده و درباره آن به طور گسترده گفتگو شده است. آنان نیز به وجود و ظهور مهدی علیه السلام که از دودمان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام^۱ است معتقدند برای آشکار شدن میزان باور اهل سنت به مهدی موعود علیه السلام باید به آثار دانشمندان بزرگ ایشان مراجعه کرد. بسیاری از مفسران سنی در کتاب‌های تفسیری خود تصریح کرده‌اند که بعضی از آیات قرآن به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان اشاره دارد مانند فخر رازی^۲ و قرطبی^۳.

همچنین اکثر محدثان ایشان، احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را در کتاب‌های خود آورده‌اند که در میان آنها، معتبرترین کتاب‌های اهل سنت وجود دارد مانند

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷.

۲. التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۴۰.

۳. تفسیر القرطبی، ج ۸، ص ۱۲۱.

«صحاح سته»^۱ و مُسند احمد حنبل پیشوای مذهب حنفی.

بعضی دیگر از دانشمندان اهل سنت در گذشته و حال، کتاب‌هایی مستقل در موضوع امام مهدی علیه السلام نوشته‌اند مثل ابونعیم اصفهانی در مجموعه الأربعین (چهل حدیث) و سیوطی در کتاب «العرف الوردی فی اخبار المهدی علیه السلام».

نکته قابل توجه اینکه، بعضی از علمای اهل سنت در مقام دفاع از عقیده مهدویت و ردّ منکران این عقیده، کتاب و مقاله نوشته‌اند و با بیانات علمی و شواهد روائی، جریان امام مهدی را از امور قطعی و غیرقابل انکار دانسته‌اند همچون «محمد صدیق مغربی» که در ردّ گفتار «ابن خلدون» کتابی نگاشته و به سختی از او انتقاد کرده است.^۲ اینها نمونه‌هایی از موضع اهل سنت در برابر مسئله مهدویت است.

در پایان این بخش از میان صدها روایت، تنها دو روایت نقل می‌کنیم که در کتاب‌های مشهور و مورد اعتماد اهل سنت آمده است:

۱. یعنی صحیح‌های شش گانه. صحاح سته، عنوان عمومی شش مجموعه بزرگ، از کتب حدیث است که در نزد اهل سنت، موثق‌ترین کتابهای حدیث هستند و عبارتند از: «صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابوداود، سنن ابن ماجه، سنن نسائی، جامع ترمذی». اهل سنت، احادیث نقل شده در این کتابها را، «صحیح» دانسته و سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانند و پس از قرآن کریم، آنها را معتبرترین کتاب می‌خوانند.

۲. «ابن خلدون» جامعه شناس بزرگ اهل سنت است و به پاره‌ای از روایات امام مهدی علیه السلام اشکال کرده و آنها را ضعیف شمرده است و با وجود اینکه بعضی از روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را صحیح دانسته در مسئله مهدویت تشکیک کرده است. «محمد صدیق مغربی» در کتابی با عنوان «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» سخنان او را رد کرده است.

همچنین «عبدالمحسن بن حمد العباد» در مقاله‌ای تحت عنوان «الردّ علی من کذب بالاحادیث الصحیحه الوارده فی المهدی» به شبهات ابن خلدون پاسخ گفته است.

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

اگر از [عمر] دنیا تنها یک روز مانده باشد حتماً خداوند آن روز را طولانی کند تا آنکه مردی از خاندان مرا در آن برانگیزد که هم نام من است.^۱

و نیز آن حضرت فرمود:

مردی از خاندان من قیام می کند که در نام و سیرت شبیه من است. او [جهان را]

بر از عدل و داد خواهد کرد همانگونه که از ظلم و ستم لبریز گشته باشد.^۲

گفتنی است که اعتقاد به ظهور مصلح و منجی که در پایان دنیا ظهور کرده و جهان را بر از عدل و داد خواهد کرد یک اعتقاد جهانی و همگانی است و پیروان راستین همه ادیان آسمانی بر اساس تعالیم کتاب های دینی خود منتظر قیام آن موعود بزرگ هستند. در کتاب های مقدس زبور، تورات، انجیل و نیز کتاب های هندوها و زرتشتیان و برهمنیان به ظهور منجی بزرگ جهان اشاره شده است. البته هر ملتی برای او لقبی مخصوص گفته اند. زرتشتیان او را به نام «سوشیانس» یعنی نجات دهنده جهان و مسیحیان به نام «مسیح موعود» و یهود به نام «سرور میکائیلی» می شناسند. بخشی از عبارات «جاماسب نامه» از کتاب های مقدس زرتشت چنین است:

«پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوه های مکه پیدا شود... و با بندگان خود چیز خورد و به روش بندگان نشیند... و دین او اشرف ادیان باشد و کتاب او باطل کند همه کتاب ها را... و از فرزندان دختر پیغمبر که خورشید جهان و شاه زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان، که جانشین آخر آن پیغمبر باشد... و دولت او تا به قیامت متصل باشد...»^۳

۱. سنن ابوداود، ج ۲، ح ۴۲۸۲، ص ۱۰۶.

۲. معجم کبیر، ج ۱۰، ح ۱۰۲۲۹، ص ۸۳.

۳. ادیان و مهدویت، ص ۲۱.

فصل سوم

در انتظار امام غایب

بخش اول:

غیبت

پس از اینکه با شخصیت منجی بزرگ عالم و تحقق بخش آرمان آدم علیه السلام تا خاتم صلوات الله علیه و آخرین ذخیره الهی حضرت حجة بن الحسن علیه السلام آشنا شدیم، اکنون درباره غیبت آن یگانه دوران که بخش مهمی از زندگی آن حضرت است سخن می‌گوییم.

مفهوم غیبت

اولین نکته قابل طرح آن است که غیبت به معنی «پوشیده بودن از دیدگان» است نه حاضر نبودن. بنابراین در این بخش، سخن از دوره‌ای است که امام مهدی علیه السلام از چشمان مردمان غایب است و آنها او را نمی‌بینند و این در حالی است که آن بزرگوار در بین مردم حضور دارد و در کنار ایشان زندگی می‌کند. این حقیقت در روایات امامان معصوم به عبارات گوناگون بیان گردیده است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

سوگند به خدای علی، حجت خدا در میان مردم هست و در راهها (کوچه و بازار) گام برمی‌دارد؛ به خانه‌های آنها سر می‌زند؛ در شرق و غرب زمین رفت و آمد می‌کند؛ گفتار مردم را می‌شنود و برایشان سلام می‌کند؛ می‌بیند و دیده

نمی‌شود تا وقت [معین] او وعده [الهی]^۱.

البته نوع دیگری از غیبت نیز برای آن حضرت بیان شده است.

دومین نائب خاص امام عصر علیه السلام می‌گوید:

امام مهدی علیه السلام هر سال در موسم حج، حضور می‌یابد. مردم را می‌بیند و آنها

را می‌شناسد و مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند.^۲

بنابراین درباره حضرت مهدی علیه السلام غیبت به دو گونه روی می‌دهد: آن بزرگوار در

مواردی از دیدگان پنهان است و در مواردی دیگر دیده می‌شود ولی شناخته نمی‌گردد

اما در هر حال در میان مردم حضور دارد.

پیشینه غیبت

غیبت و نهان زیستی، پدیده‌ای نیست که برای اولین بار و تنها درباره آخرین حجت پروردگار روی داده باشد بلکه از روایات فراوان استفاده می‌شود که تعدادی از پیامبران بزرگ الهی، بخشی از زندگی خود را در پنهانی و غیبت بوده‌اند و این امر به جهت حکمت و مصلحت خدایی بوده و نه یک خواسته شخصی و یا مصلحت خانوادگی. بنابراین غیبت یکی از سنت‌های^۳ الهی است که در زندگی پیامبرانی همچون

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۰، ح ۳، ص ۱۴۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۳، ص ۱۵۲.

۳. قرآن کریم در آیاتی متعدد از جمله غافر، ۵۸؛ فتح، ۲۳ و اسراء، ۷۷ سخن از سنت الهی مطرح کرده است و از مجموع اینها استفاده می‌شود که مقصود از سنت الهی قوانین ثابت و اساسی الهی است که هرگز دگرگونی در آن روی نمی‌دهد. این قوانین هم بر اقوام گذشته حاکم بوده است و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهد کرد. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۵، با تلخیص)

ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، شعیب، الیاس، سلیمان، دانیال و عیسی علیهم السلام جریان یافته است و هر یک از آن سفیران الهی به تناسب شرایط سالهایی را در غیبت بسر برده‌اند.^۱

به همین دلیل است که در روایات از غیبت حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یکی از سنت‌های پیامبران یاد شده است و یکی از دلایل غیبت آن حضرت، اجرا شدن سنت انبیاء علیهم السلام در زندگی حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده است. امام صادق علیه السلام فرموده است:

به راستی که برای [امام] قائم از ما غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد بود. راوی گوید: دلیل این غیبت چیست ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله؟
حضرت می‌فرماید: خداوند می‌خواهد سنت‌های انبیاء در غیبت‌هایشان درباره آن حضرت روی دهد.^۲

از سخن فوق این نکته نیز آشکار می‌شود که سخن از غیبت امام مهدی علیه السلام سال‌ها پیش از ولادت آن بزرگوار، مطرح بوده است و پیشوایان اسلامی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا امام عسکری علیه السلام از غیبت آن حضرت و بعضی از خصوصیات آن و آنچه در زمان غیبت اتفاق خواهد افتاد، خبر داده‌اند و نیز وظایفی را برای مردم مؤمن در آن زمان بیان داشته‌اند.^۳

۱. کمال‌الدین، ج ۱، باب اول تا هفتم، ص ۲۵۴ تا ۳۰۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۳، ص ۹۰.

۳. ر. ک به منتخب الاثر، فصل دوم، باب‌های ۲۶ تا ۲۹، صص ۳۱۲ تا ۳۴۰.

پیامبر اسلام ﷺ فرموده‌اند:

مهدی علیه السلام از فرزندان من است... برای او غیبتی است و حیرتی [پیشانی] تا
آنگاه که مردمان از دین‌های خود گمراه شوند پس در آن زمان می‌آید مانند
شهاب ثاقب [ستاره‌ای روشن و تابان]؛ پس زمین را از عدل و داد پر می‌کند
همانگونه که از ظلم و ستم آکنده باشد.^۱

فلسفه غیبت

به راستی چرا امام و حجت خدا در پس پرده غیبت قرار گرفته است و کدام علت
سبب گردید تا مردم از برکات ظهور او محروم گردند؟
درباره این موضوع سخنان فراوانی گفته شده و روایات فراوانی نیز در دست است
ولی پیش از پاسخ گفتن به سؤال فوق لازم است به نکته‌ای اساسی اشاره کنیم:
ما ایمان داریم که خداوند عالم هیچ کار کوچک و بزرگی را جز بر اساس حکمت و
مصلحت انجام نمی‌دهد خواه این مصلحت‌ها را بشناسیم یا خیر. و نیز همه
رویدادهای خرد و کلان جهان با تدبیر پروردگار و به اراده او انجام می‌پذیرد که یکی
از مهمترین آنها، حادثه غیبت امام مهدی علیه السلام است. بنابراین غیبت آن سرور نیز مطابق
حکمت و مصلحت است اگرچه ما فلسفه آن را ندانیم.
امام صادق علیه السلام فرمود:

بی‌تردید برای صاحب الامر علیه السلام غیبتی است که هر اهل باطلی در آن به شک
می‌افتد.

۱. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۴، ص ۵۳۶.

راوی از علت غیبت سؤال کرد. حضرت فرمود:

غیبت به سبب امری است که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم... غیبت، سری از اسرار الهی است ولی چون می‌دانیم که خداوند بزرگ حکیم است می‌پذیریم که همه کارهای او [بر اساس] حکمت است و اگرچه علت آن کارها برای ما معلوم نباشد.^۱

البته چه بسا انسانی که همه افعال خداوند را حکیمانه می‌داند و در برابر آنها سر تسلیم فرود می‌آورد، به دنبال دانستن راز و رمز بعضی از رویدادهای عالم باشد تا به سبب علم به فلسفه یک پدیده، آرامش نفس و اطمینان قلبی بیشتری یابد. بنابراین به بحث و بررسی پیرامون حکمت‌ها و آثار غیبت حضرت مهدی علیه السلام می‌پردازیم و به روایات مربوط به آن اشاره می‌کنیم:

تأدیب مردم

وقتی امت نسبت به پیامبر و امام قدر شناسند و وظایف خود را در برابر او انجام ندهند بلکه اوامر او را نافرمانی کنند، رواست که خداوند، پیشوای ایشان را از آنها جدا کند تا به خود آیند و در روزگار غیبت او، ارزش و برکت وجود او را دریابند و در این صورت، غیبت امام به مصلحت امت است گرچه آنها ندانند و درک نکنند.

از امام باقر علیه السلام روایت شده:

وقتی خداوند همراهی و همنشینی ما را برای قومی خوش ندارد ما را از میان

آنها برگیرد.^۲

۱. همان، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱، ص ۲۰۴.

۲. علل الشرایع، ص ۲۴۴، باب ۱۷۹.

استقلال و نبودن تحت پیمان دیگران

آنها که به دنبال ایجاد یک تحول و انقلاب هستند به ناچار در ابتدای قیام با بعضی از مخالفان، عهد و پیمانی می‌بندند تا بتوانند اهداف خود را دنبال کنند، ولی مهدی موعود علیه السلام آن مصلح بزرگی است که در راه برپایی انقلاب و حکومت عدل جهانی با هیچ قدرت ستمگری سازش نخواهد کرد زیرا که مطابق روایات فراوان او مأمور به مبارزه قاطع و آشکار با همه ظالمان است. به همین جهت تا آماده شدن شرایط انقلاب، در غیبت می‌رود تا مجبور نباشد که با دشمنان خدا عهد و پیمانی ببندد.

در روایتی از امام رضا علیه السلام علت غیبت اینگونه بیان گردیده است:

برای اینکه آن زمان که با شمشیر قیام می‌کند، کسی بر عهده او [امام

مهدی علیه السلام] بیعتی نداشته باشد.^۱

آزمایش مردم

امتحان کردن مردم یکی از سنت‌های خداوند است. او بندگان خود را به اسباب گوناگون می‌آزماید تا میزان استواریشان در مسیر حق روشن شود. البته نتیجه امتحان برای خداوند معلوم است ولی در کورهٔ آزمایشها این بندگان هستند که ساخته می‌شوند و به جوهر وجود خود پی می‌برند.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید تا کسی شما را

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۴، ص ۲۳۲.

از آن بیرون نکند برای صاحب این امر (= امام مهدی علیه السلام) غیبتی خواهد بود که گروهی از پیروان او از اعتقاد خود دست برمی دارند و این غیبت، آزمونی است که خداوند با آن بندگان را امتحان می کند.^۱

حفظ جان امام

یکی از عواملی که سبب کناره گیری پیامبران از قوم خود می شد، حفظ جان خویش بود. آنها برای اینکه بتوانند در فرصتی دیگر رسالت خود را به انجام رسانند در شرایطی که مورد تهدید قرار می گرفتند مخفی می شدند همانگونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مکه بیرون رفت و در غار پنهان شد. البته همه اینها به دستور و اراده خداوند است. درباره حضرت مهدی علیه السلام و علت غیبت او نیز در روایات متعدد چنین امری بیان شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

امام منتظر، پیش از قیام خود، مدتی از چشم‌ها غایب خواهد شد. از علت آن سؤال شد. حضرت فرمود: بر جان خویش بیمناک است.^۲

هر چند شهادت آرزوی مردان خداست ولی شهادتی مطلوب است که در میدان انجام وظیفه الهی و به صلاح جامعه و دین خدا باشد. اما آنگاه که کشته شدن فرد به معنی به هدر رفتن و از دست رفتن اهداف باشد، ترس از قتل، امری عقلی و پسندیده است. کشته شدن امام دوازدهم که آخرین ذخیره الهی است به معنی فرو ریختن کعبه

۱. غیبت طوسی، فصل ۵، ح ۲۸۴، ص ۲۳۷.

۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۷، ص ۲۳۳.

آمال و آرزوی تمام انبیاء و اولیاء علیهم السلام و تحقق نیافتن وعده پروردگار در تشکیل حکومت عدل جهانی است.

گفتنی است که در روایات نکته‌های دیگری نیز درباره علت غیبت امام دوازدهم علیه السلام بیان گردیده است که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود ولی آنچه مهم است اینکه همانگونه که پیش از این گذشت؛ «غیبت»، سری از اسرار الهی است و علت اصلی و اساسی آن پس از ظهور آشکار خواهد شد و آنچه بیان شد عواملی است که در غیبت امام عصر علیه السلام تأثیر گذار بوده است.

بخش دوم:

انواع غیبت

با توجه به مطالب گذشته، غیبت امام مهدی علیه السلام امری لازم و ضروری بود ولی از آنجا که همه حرکت‌ها و اقدام‌های پیشوایان بزرگ ما، در راستای تقویت پایه‌های ایمان و اعتقاد مردم بود و بیم آن بود که غیبت آخرین حجت الهی، آسیب‌های جدی و غیر قابل جبران به دیانت مسلمین وارد آورد، دوران غیبت با روندی حساب شده و برنامه ریزی دقیق آغاز گردیده و ادامه پیدا کرد.

سال‌ها پیش از ولادت امام دوازدهم، سخن از غیبت آن بزرگوار و ضرورت آن بر سر زبان‌ها افتاد و نقل محافل ائمه معصومین علیهم السلام و اصحاب ایشان شد. همچنین روش ارتباط امام هادی و امام عسکری علیه السلام با شیعیان در قالبی جدید و به شکل محدودتری انجام گرفت و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام رفته رفته آموختند که در بسیاری از نیازهای مادی و معنوی، مجبور به شرفیابی به محضر امام حاضر نیستند بلکه می‌توانند با مراجعه به کسانی که از سوی امامان به عنوان وکیل و فرد مورد اعتماد معرفی شده‌اند، به وظایف خود عمل کنند. با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و آغاز دوره غیبت حضرت حجة بن الحسن علیه السلام باز هم رابطه امام و امت به کلی قطع نشد بلکه مردم به وسیله نایبان خاص امام زمان علیه السلام با مولا و مقتدای خویش در ارتباط بودند و در همین دوره بود که شیعیان به رفت و آمد و ارتباط گسترده‌تر با عالمان

دینی، خو گرفتند و دانستند که در شرایط غیبت امام نیز راه شناخت وظایف دینی به روی آن‌ها بسته نیست. در این بستر مناسب بود که غیبت طولانی حضرت بقیه الله علیه و آله اتفاق افتاد و ارتباطی که بین امام و شیعیان در زمان‌های گذشته معمول و رایج بود، قطع گردید.

اینک درباره ویژگی‌های دو دوره کوتاه و بلند غیبت، مطالبی را خواهیم آورد.

غیبت کوتاه مدّت

با شهادت امام حسن عسکری علیه و آله در سال ۲۶۰ هجری قمری، دوران امامت امام دوازدهم علیه و آله آغاز شد و از همین زمان، غیبت کوتاه مدّت آن گرامی که به «غیبت صغری» معروف است شروع شد و تا سال ۳۲۹ هجری قمری - نزدیک به ۷۰ سال - ادامه یافت.

مهم‌ترین ویژگی دوره غیبت صغری آن است که مردم از طریق نایبان خاصّ با امام مهدی علیه و آله در ارتباط بودند و به وسیله آنها پیام‌های آن حضرت را دریافت می‌کردند و پاسخ سؤالات خود را می‌گرفتند.^۱ گاهی نیز به واسطه نائبان امام، توفیق شرفیابی به حضور امام خویش را می‌یافتند.

نائبان خاصّ امام که همگی از علما و بزرگان شیعه و برگزیدگان امام عصر علیه و آله بودند، چهار تن هستند که به ترتیب زمان نیابت خود عبارتند از:

۱- عثمان بن سعید عمّری؛ وی از آغاز غیبت امام، عهده دار نیابت آن حضرت شد

۱. متن نامه‌ها - که به توقیعات مشهور است - در کتاب‌های علمای شیعه موجود است (برای نمونه بحارالانوار، ج ۵۳ باب ۳۱، ص ۱۵۰ - ۱۹۷).

و در سال ۲۶۵ هجری قمری در گذشت. او وکیل امام هادی و امام عسکری علیه السلام نیز بوده است.

۲- محمد بن عثمان عمری؛ او فرزند نایب اول است که پس از درگذشت پدر به مقام نیابت رسید و در سال ۳۰۵ هجری قمری وفات کرد.

۳- حسین بن روح نوبختی؛ او پس از ۲۱ سال نیابت، در سال ۳۲۶ هجری قمری بدرود حیات گفت.

۴- علی بن محمد سمّری؛ وی در سال ۳۲۹ هجری قمری از دنیا رفت و بامرگ او دوران غیبت صغری پایان گرفت.

نائبان خاص همگی توسط امام عسکری علیه السلام و امام مهدی علیه السلام انتخاب گردیده و به مردم معرفی می شدند. شیخ طوسی (ره) در کتاب الغیبه خود روایت کرده است که روزی چهل نفر از شیعیان به همراه عثمان بن سعید (نائب اول) به حضور امام عسکری علیه السلام رسیدند. امام علیه السلام، فرزند خود را به آنها نشان داد و فرمود:

پس از من، این (کودک) امام شماست. از او اطاعت کنید... بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید تا عمر او به کمال برسد. پس (در غیبت او) آنچه عثمان [بن سعید] می گوید بپذیرید و از او فرمان برید که او جانشین امام شماست و کارها به دست اوست.^۱

در روایتی دیگر امام عسکری علیه السلام به نیابت محمد بن عثمان (نائب دوم) از امام مهدی علیه السلام نیز تصریح فرموده است.

۱. غیبت طوسی، فصل ۶، ح ۳۱۹، ص ۳۵۲.

شیخ طوسی می نویسد:

«عثمان بن سعید» به دستور حضرت عسکری علیه السلام، اموالی را که جمعی از شیعیان یمن آورده بودند، تحویل گرفت. گروهی که شاهد ماجرا بودند به امام گفتند، به خدا قسم عثمان از بهترین شیعیان شماست ولی با این کار، جایگاه او نزد شما، برای ما روشن تر شد.

امام عسکری علیه السلام فرمود: بله، گواه باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است و پسرش «محمد» نیز وکیل پسر «مهدی» خواهد بود.^۱

اینها مربوط به دوران قبل از غیبت امام مهدی علیه السلام بود و در طول غیبت صغری نیز هر یک از نائبان، پیش از مرگ خود، نائب بعدی را که از سوی امام مهدی علیه السلام انتخاب شده بود به مردم معرفی می کردند.

این مردان بزرگ به سبب برخورداری از صفات و ویژگی هایی، برای نیابت خاص ولی عصر علیه السلام شایستگی یافتند. امانتداری، پاکدامنی، عدالت در گفتار و رفتار، رازداری و پنهان کاری و پوشاندن اسرار اهل بیت علیهم السلام در شرایط ویژه دوره امام مهدی علیه السلام از خصوصیات مهم آنها بود. ایشان مورد اعتماد و اطمینان امام علیه السلام و پرورش یافتگان مکتب خاندان پاک پیامبر بودند. بعضی از آنان از سن یازده سالگی تحت تربیت امامان علیهم السلام قرار گرفتند و علم را در کنار ایمانی قوی در وجود خویش به کمال رسانیدند. نام نیک آنها بر سر زبان ها بود و صبر و بردباری و تحمل مشکلات و مقاومت در برابر سختی ها چنان با وجودشان عجین شده بود که در سخت ترین

۱. غیبت طوسی، فصل ۶، ح ۳۱۷، ص ۳۵۵.

شرایط نیز از امام خود اطاعت کامل داشتند و در کنار همه این صفات زیبا، از توان مدیریت و رهبری شیعیان برخوردار بودند و با فهم و آگاهی کامل و درک حساسیت زمان و بهره گیری از امکانات موجود، جامعه شیعه را در صراط مستقیم الهی هدایت کردند و آنان را از گذرگاه غیبت صغری به سلامت عبور دادند.

مطالعه دقیق دوره غیبت صغری و نقش مهم نواب اربعه در ایجاد ارتباط بین امت و امام به خوبی اهمیت این دوره از حیات امام عصر علیه السلام را نشان می دهد. وجود این ارتباط ها و نیز راه یافتن برخی از شیعیان به محضر امام خویش در طول دوران غیبت صغری تأثیر فراوانی در اثبات ولادت امام دوازدهم و آخرین حجت پروردگار داشت و این دستاورد مهم درست در زمانی بود که دشمنان می کوشیدند تا شیعیان را نسبت به تولد فرزندی برای امام عسکری علیه السلام دچار شک و تردید نمایند. به علاوه این دوره، زمینه و بستر مناسبی برای شروع غیبت کبری بود که در آن دوران مردم از داشتن هر گونه ارتباط با امام خود توسط افرادی معین، محروم می شدند ولی با آرامش خاطر و اطمینان به وجود و حضور امام و بهره مندی از برکات او، به روزگار غیبت کامل حضرت، پا نهادند.

غیبت بلند مدت

در آخرین روزهای عمر نائب چهارم در نامه ای از امام مهدی علیه السلام خطاب به او چنین آمده بود:

بسم الله الرحمن الرحيم ای علی بن محمد سمری، خداوند در مصیبت وفات تو، به برادران دینی ات، پاداش بزرگ کرامت فرماید؛ چرا که تو تا شش روز دیگر

به سرای باقی خواهی رفت. از این رو به کارهایت رسیدگی کن و درباره جانشین پس از خود به کسی وصیت مکن! زیرا که دوره غیبت کامل [و طولانی] فرا رسیده است و از این پس ظهوری [برای من] نخواهد بود مگر پس از فرمان الهی و آن پس از گذشت مدتی دراز خواهد بود که دلها را سختی و قساوت فراگیرد و زمین از ظلم و ستم پرگردد...^۱

بنابراین با وفات آخرین نائب خاص امام دوازدهم در سال ۳۲۹ هجری قمری، دوره غیبت طولانی که به «غیبت کبری» معروف است، آغاز شد و این دوران همچنان ادامه دارد تا روزی که به خواست خداوند ابرهای غیبت، کنار رود و جهان از پرتو مستقیم خورشید فروزان ولایت، بهره‌مند گردد.

همانگونه که گذشت در دوره غیبت صغری، شیعیان به وسیله نائبان خاص با امام خود رابطه داشتند و با تکالیف الهی خود آشنا می‌شدند ولی در دوران غیبت کبری این نوع ارتباط قطع گردیده و مردم مؤمن برای شناخت وظایف دینی خود تنها به نائبان عام آن حضرت که همان عالمان دینی وارسته و مراجع بزرگ تقلید هستند مراجعه می‌کنند و این جریان، مسیر روشنی است که امام مهدی علیه السلام خود در نامه‌ای به یکی از چهره‌های مورد اعتماد شیعه، ترسیم فرمود. در فرازی از این نامه که توسط دومین نائب خاص امام ابلاغ شد چنین آمده است:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ...^۲ و اما در مورد رویدادهایی که

۱. همان، فصل ۶، ح ۳۶۵، ص ۳۹۵.

۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۳، ص ۲۳۶.

[در آینده] رخ خواهد داد [و برای شناخت وظیفه الهی خود در شرایط گوناگون] به راویان حدیث ما [= فقها] رجوع کنید. زیرا آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان هستم...

این راهکار جدید برای پاسخ گویی به پرسشهای دینی و مهم تر از آن شناخت وظیفه فردی و اجتماعی شیعیان در دوره غیبت کامل امام زمان علیه السلام گویای این واقعیت است که نظام مترقی امامت و رهبری در فرهنگ شیعه، نظامی پویا و زنده است که در شرایط مختلف، امر هدایت و رهبری مردم را به استوارترین روش، انجام داده است و در هیچ دوره‌ای پیروان مکتب را بدون یک سرچشمه هدایتگر رها نکرده است بلکه سر رشته امور آنها را در زوایای مختلف زندگی فردی و جمعی به دست با کفایت عالمان دین شناس و پرهیزگار که امانتدار دین و دنیای مردم هستند، سپرده است تا کشتی جامعه اسلامی را در دریای پر تلاطم و طوفانی جهان و سیاست‌های سیاست بازان استعمار از افتادن در گرداب حوادث حفظ کرده و مرزهای اعتقادی شیعیان را پاسداری کنند.

امام هادی علیه السلام در بیان نقش علمای دینی در زمان غیبت فرموده‌اند:

اگر نبودند علمایی که پس از غیبت امام مهدی علیه السلام، مردم را به سوی آن حضرت بخوانند و آنها را به سوی امامشان هدایت کنند و با حجت‌ها و دلیل‌های محکم الهی از دین او [که دین خداست] حمایت کنند و اگر نبودند آن عالمان هوشیار که بندگان خدا را از دام‌های شیطان و شیطان صفتان و از [دشمنی‌های] دشمنان اهل بیت علیهم السلام نجات می‌دهند، هیچ کس نمی‌ماند مگر اینکه از دین خدا بیرون می‌رفت!! ولی ایشان هستند که سر رشته دل‌ها و افکار

و عقاید شیعیان را با استواری در دست دارند آنچنان که کشتی بان، سگهان
کشتی را به دست می‌گیرد. آن عالمان، برترین [بندگان] نزد خداوند متعال
هستند.^۱

نکته‌ای که قابل توجه است شرایط و خصوصیات است که رهبری جامعه باید دارا
باشد. زیرا که سپردن اختیار امور مردم در دین و دنیا به فرد یا افرادی که عهده دار این
مسئولیت بزرگ می‌شوند باید همراه با دقت نظر و تشخیص صحیح و دقیق باشد. به
همین جهت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، ویژگیهای فوق العاده‌ای را برای مرجع دینی و
بالا تر از آن، مقام ولایت امر مسلمین که به «ولی فقیه» معروف است، بیان کرده‌اند.
امام صادق علیه‌السلام فرمود:

از میان فقها و عالمان دین آنکس که [در برابر هر گناه کوچک یا بزرگ] خود
نگهدار بوده و نگهبان دین و آیین [و اعتقادات خود و مردم] باشد و با
خواسته‌ها و تمایلات شخصی خود مخالفت کرده و از دستورات مولا [و امام
عصر] خود اطاعت کند، بر مردم است که از او پیروی کنند. و بعضی از فقهای
شیعه چنین هستند نه همه آنان.^۲

۱. احتجاج، ج ۱، ح ۱۱، ص ۱۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۱۱.

بخش سوّم:

فوائد امام غایب

صدها سال است که جامعه بشری از فیض ظهور حجّت خدا محروم گردیده و امت اسلامی از درک محضر رهبری آسمانی و پیشوایی معصوم، بی بهره مانده است. به راستی وجود او در غیبت و زندگی او در پنهانی و دور از دسترس همگان چه آثاری برای جهان و جهانیان دارد؟ آیا نمی شد در نزدیکی های دوران ظهور متولد شود و شاهد روزگار سخت غیبت خویش از شیعیان نباشد؟ این سؤال و مانند آن از نبود شناخت نسبت به جایگاه امام و حجّت الهی سرچشمه می گیرد.

به راستی جایگاه امام در مجموعه هستی چگونه است؟ آیا همه آثار وجودی او به آشکار بودن او وابسته است؟ آیا او تنها برای رهبری و پیشوایی مردمان است یا وجود او برای همه موجودات دارای اثر و برکت است؟

امام محور هستی

از نظر شیعه و براساس تعالیم دینی، امام، واسطه فیض رسانی پروردگار به همه پدیده های جهان آفرینش است. او در نظام هستی محور و مدار است و بی وجود او عالم و آدم، جن و ملک و حیوان و جمادی نمی ماند.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود:

اگر زمین بدون امام بماند هر آینه فرو می‌رود.^۱

اینکه او در رساندن پیام‌های خدا به مردم و راهنمایی آنها به سوی کمال انسانی، واسطه است و هر فیض و لطفی در این بخش به سبب وجود او به همگان می‌رسد، امری روشن و بدیهی است. زیرا از ابتدا خداوند متعال از طریق پیامبران و سپس جانشینان آنها قافله بشری را هدایت کرده است. ولی از کلمات معصومین علیهم‌السلام استفاده می‌شود که وجود امامان در گستره عالم به عنوان واسطه‌ای برای رسیدن هر نعمت و فیضی از ناحیه پروردگار به هر موجود کوچک و بزرگی است. به بیان آشکارتر همه موجودات، آنچه از فیوضات و عطایای الهی دریافت می‌کنند از کانال امام می‌گیرند. هم اصل وجودشان به واسطه امام است و هم نعمت‌ها و بهره‌های دیگری که در طول حیات خود دارا هستند.

در فرازی از زیارت جامعه کبیره که یک دوره امام‌شناسی است اینگونه آمده است:

بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ وَبِكُمْ يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ يُمَسِّكُ
السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ^۲

[ای امامان بزرگ] خداوند به سبب شما [عالم را] آغاز کرد و به سبب شما [نیز آن را] پایان می‌دهد و به [سبب وجود] شما باران را فرو می‌فرستد و به [برکت وجود] شما آسمان را نگهداشته است از اینکه بر زمین فرود آید، جز به اراده او.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره. توضیح اینکه این زیارت از امام هادی علیه‌السلام نقل شده است و از نظر سند و عبارات، عالی است و پیوسته مورد عنایت خاص عالمان شیعه بوده است.

بنابراین آثار وجودی امام تنها به ظهور و آشکاری او خلاصه نمی‌شود بلکه وجود او در عالم - حتی در غیبت و نهان زیستی - سرچشمه حیات همه موجودات و مخلوقات الهی است و خدا خود اینگونه خواسته است که او که موجود برتر و کاملتر است واسطه دریافت و رساندن فیوضات و داده‌های الهی به سایر پدیده‌ها باشد و در این عرصه فرقی بین غیبت و ظهور او نیست. آری همگان از آثار وجود امام بهره می‌گیرند و غیبت امام مهدی علیه السلام در این جهت خللی ایجاد نمی‌کند. جالب اینکه وقتی از امام مهدی علیه السلام درباره نحوه بهره‌مندی از آن حضرت در دوره غیبت، سؤال می‌شود می‌فرماید:

وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَلِإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غُيِّبَتْهَا
عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ.^۱

بهره‌مندی از من در روزگار غیبت، مانند سود بردن از خورشید است آن گاه که به وسیله ابرها از چشم‌ها پوشیده است.

تشبیه امام به آفتاب و تشبیه غیبت او به قرار گرفتن خورشید در پس ابر، نکته‌های فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

خورشید در منظومه شمسی مرکزیت دارد و کرات و سیارات به دور او حرکت می‌کنند چنان که وجود گرامی امام عصر مرکز نظام هستی است.

بِبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَبِئْمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَبِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ
وَالسَّمَاءُ.^۲

۱. احتجاج، ج ۲، ش ۳۴۴، ص ۵۴۲.

۲. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

به سبب بودن او دنیا باقی است و به برکت وجود او، عالم روزی می‌خورند و به خاطر وجود او زمین و آسمان، استوار مانده است.

آفتاب، لحظه‌ای از نورافشانی دریغ نمی‌کند و هر کس به اندازه ارتباطی که با خورشید دارد از نور آن بهره می‌گیرد. چنان که وجود ولی عصر واسطه دریافت همه نعمت‌های مادی و معنوی است که از ناحیه پروردگار جهان به بندگان می‌رسد ولی هر کس به اندازه رابطه خود با آن منبع کمالات، بهره‌مند می‌گردد.

اگر این آفتاب پشت ابر هم نباشد، شدت سرما و تاریکی، زمین را غیر قابل سکونت خواهد کرد. چنانکه اگر عالم از وجود امام - گرچه در پشت پرده غیبت - محروم بماند سختی‌ها و نابسامانی‌ها و هجوم انواع بلاها ادامه زندگی را غیر ممکن می‌سازد.

آن حضرت در نامه‌ای به شیخ مفید خطاب به شیعیان خود می‌فرماید:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ.^۱

ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده‌ایم و هرگز شما را از یاد نبرده‌ایم و اگر نبود (عنايات پیوسته ما) حتماً سختی‌ها و بلاهای فراوانی به شما می‌رسید و دشمنان شما را نابود می‌کردند.

بنابراین آفتاب وجود امام بر عالم وجود می‌تابد و به همه هستی فیض می‌رساند و در این میان برای بشریت و به ویژه جامعه مسلمین و امت شیعه و معتقد به او برکات و خیرات بیشتری دارد که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

امید بخشی

از سرمایه‌های مهم زندگی، امید است. امید مایه حیات و نشاط و پویایی است. امید عامل حرکت و اقدام است. وجود امام در عالم، موجب امید به آینده‌ای روشن و سراسر شور و اشتیاق است. شیعه، پیوسته و در طول تاریخ هزار و چهارصدساله، به انواع بلاها و سختی‌ها گرفتار شده است و آن چه به عنوان نیروئی بزرگ و پشتوانه‌ای استوار، او را به ایستادگی و تسلیم نشدن و حرکت و تلاش، واداشته است؛ امید به آینده سبز مؤمنین و دین باوران بوده است. آینده‌ای که خیالی و افسانه‌ای نیست؛ آینده‌ای که نزدیک است و می‌تواند نزدیک‌تر باشد. زیرا آن که باید رهبری قیام را به عهده گیرد زنده است و هر لحظه پا به رکاب؛ و این من و تو و مائیم که باید آماده باشیم.

پایداری مکتب

هر جامعه‌ای برای حفظ تشکیلات خود و ادامه راه تا رسیدن به مقصد مورد نظر، نیاز به وجود رهبری آگاه دارد تا اجتماع، تحت نظر و فرماندهی او در مسیر صحیح، حرکت کند. وجود رهبر، پشتوانه بزرگی برای افراد است تا در یک سازماندهی منظم، دستاوردهای قبلی را حفظ کنند و به تقویت برنامه‌های آینده، همت گمارند. رهبر زنده و فعال، گرچه در میان جمعیت و افراد خود نباشد از ترسیم خطوط اصلی و ارائه راهکارهای کلی، کوتاهی نمی‌کند و به واسطه‌های گوناگون، نسبت به راههای انحرافی، هشدار می‌دهد.

امام عصر علیه السلام گرچه در غیبت است ولی وجود او عامل جدی برای حفظ مکتب شیعه است. او با آگاهی کامل از توطئه‌های دشمنان، به شیوه‌های مختلف، مرزهای

فکری شیعیان را پاسداری می‌کند و آن‌گاه که دشمن فریبکار با وسیله‌ها و ابزارهای گوناگون، اصول مکتب و اعتقادات مردم را نشانه می‌گیرد، با هدایت و ارشاد عالمان و برگزیدگان، راههای نفوذ او را می‌بندد.

برای نمونه، عنایت حضرت مهدی علیه السلام به شیعیان بحرین را از زبان علامه مجلسی می‌شنویم:

در روزگار گذشته، فرمانروایی ناصبی بر بحرین حکومت می‌کرد، که وزیرش در دشمنی با شیعیان آن‌جا، گوی سبقت را از او ربوده بود. روزی وزیر بر فرمانروا وارد شد و اناری را به دست او داد، که به صورت طبیعی این واژه‌ها بر پوست آن نقش بسته بود: «لا اله الا الله، محمد رسول الله و ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله». فرمانروا از دیدن آن بسیار در شگفت شد و به وزیر گفت: این، نشانه‌ای آشکار و دلیلی نیرومند بر بطلان مذهب تشیع است. نظر تو درباره‌ی شیعیان بحرین چیست؟ وزیر پاسخ داد: به باور من، باید آنان را حاضر کنیم و این نشانه را به ایشان ارایه دهیم. اگر آن را پذیرفتند که از مذهب خود دست می‌کشند و گرنه آنان را میان گزینش سه چیز مخیر می‌کنیم؛ پاسخی قانع‌کننده بیاورند یا جزیه^۱ بدهند و یا این که مردان‌شان را می‌کشیم زنان و فرزندان‌شان را اسیر می‌کنیم و اموال‌شان را به غنیمت می‌بریم.

فرمانروا، رأی او را پذیرفت و دانشمندان شیعه را نزد خود فراخواند. آن‌گاه انار را به ایشان نشان داد و گفت: اگر در این باره دلیلی روشن نیاورید، شما را

۱. پولی که غیر مسلمانانی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، در برابر تأمین امنیت و برخورداری از امکانات به دولت اسلامی می‌پردازند.

می کشم و زنان و فرزندان تان را اسیر می کنم یا این که باید جزیه بدهید. دانشمندان شیعه، سه روز از او مهلت خواستند. آنان پس از گفت و گوی فراوان به این نتیجه رسیدند که از میان خود، ده نفر از صالحان و پرهیزگاران بحرین را برگزینند. آن گاه از میان این ده نفر نیز سه نفر را برگزیدند و به یکی از آن سه نفر گفتند: تو امشب به سوی صحرا برو و به امام زمان علیه السلام استغاثه کن و از او، راه رهایی از این مصیبت را پیرس، زیرا او، امام و صاحب ماست.

آن مرد چنین کرد، ولی موفق به زیارت حضرت نشد. شب دوم نیز نفر دوم را فرستادند. او نیز پاسخی دریافت نکرد. شب آخر، نفر سوم را که محمد بن عیسی نام داشت فرستادند. او به صحرا رفت و با گریه و زاری از حضرت، درخواست کمک کرد. چون آخر شب شد، شنید مردی خطاب به او می گوید: ای محمد بن عیسی! چرا تو را به این حال می بینم و چرا به سوی بیابان بیرون آمده ای؟ محمد بن عیسی از آن مرد خواست که او را به حال خود واگذارد. او فرمود: ای محمد بن عیسی! منم صاحب الزمان. حاجت خود را بازگو! محمد بن عیسی گفت: اگر تو صاحب الزمانی، داستان مرا می دانی و به گفتن من نیاز نیست. فرمود: راست می گویی. تو به دلیل آن مصیبتی که بر شما وارد شده است، به این جا آمده ای. عرض کرد: آری، شما می دانید چه بر ما رسیده است و شما امام و پناه ما هستید. پس آن حضرت فرمود: ای محمد بن عیسی! در خانه ی آن وزیر - لعنة الله علیه - درخت اناری است. هنگامی که درخت تازه انار آورده بود، او از گِل، قالبی به شکل انار ساخت. آن را نصف کرد و در میان آن، این جملات را نوشت. سپس قالب را بر روی انار که کوچک بود، گذاشت و آن را بست. چون انار در میان آن

قالب بزرگ شد، آن واژه‌ها بر روی آن نقش بست! فردا نزد فرمانروا می‌روی و به او می‌گویی که من پاسخ تو را در خانه‌ی وزیر می‌دهم. چون به خانه‌ی وزیر رفتید، پیش از وزیر به فلان اتاق برو! کیسه‌ی سفیدی خواهی یافت که قالب گلی در آن است. آن را به فرمانروا نشان ده. نشانه‌ی دیگر این‌که به فرمانروا بگو: که معجزه‌ی دیگر ما این است که چون انار را دو نیم کنید، جز دود و خاکستر چیزی در آن نیست!

محمد بن عیسی از این سخنان بسیار شادمان شد و به نزد شیعیان بازگشت. روز دیگر، آنان پیش فرمانروا رفتند و هر آن‌چه امام زمان علیه السلام فرموده بود، آشکار گشت.

فرمانروای بحرین با دیدن این معجزه به تشیع گروید و دستور داد وزیر حيله گر را به قتل رساندند.^۱

خودسازی

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَقُلْ إِعْمَلُوا فَمَا يَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»^۲

[ای پیامبر به مردم] بگو عمل کنید [ولی بدانید] که خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان، کارهای شما را می‌بینند.

در روایات آمده است که مراد از «مؤمنون» در این آیه شریفه، امامان معصوم علیهم السلام

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۸.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

هستند.^۱ بنابراین، اعمال مردم به نظر امام زمان علیه السلام می‌رسد. و آن بزرگوار از پس پرده غیبت، شاهد و ناظر کارها است. این حقیقت اثر تربیتی بزرگی دارد و شیعیان را به اصلاح کارهای خود وامی‌دارد و از این که در برابر حجت خدا و امام خوبی‌ها به زشتی‌ها و گناهان آلوده شوند باز می‌دارد. البته به هر اندازه توجه انسان به آن معدن صفا و پاکی، بیشتر باشد، آئینه دل و جاننش، صفای بیشتری می‌یابد و این روشنی و زلالی در گفتار و رفتار او آشکارتر می‌گردد.

پناهگاه علمی و فکری

پیشوایان معصوم علیهم السلام، معلمان و مربیان اصلی جامعه هستند و مردم، همواره از سرچشمه زلال معارف ناب آن بزرگواران بهره‌ها برده‌اند. در زمان غیبت نیز، اگرچه دسترسی مستقیم و استفاده همه جانبه از محضر امام عصر علیه السلام ممکن نیست ولی آن معدن علوم الهی به راههای مختلف، گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می‌کند. در دوره غیبت صغری، بسیاری از سؤالات مردم و علما، از طریق نامه‌های امام که به توقیعات مشهور است پاسخ داده می‌شد.^۲

امام عصر علیه السلام در جواب نامه اسحاق بن یعقوب و سؤال‌های او، نوشته است:

خداوند تو را هدایت کند و ثابت قدم بدارد؛ اما اینکه درباره منکران از خاندان و عموزادگان ما سؤال کردی، بدان که بین خدا و هیچ کس خویشاوندی نیست و کسی که مرا انکار کند از من نیست و عاقبت او همانند سرانجام پسر نوح

۱. کافی، ج ۱، باب عرض الاعمال، ص ۱۷۱.

۲. ر.ک: کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، صص ۲۳۵ - ۲۸۶.

است... و اما اموال تان را تا پاکیزه نکنید قبول نمی‌کنیم...

و اما اموالی که برای ما فرستادی از آن رو می‌پذیریم که پاکیزه و طاهر است... و کسی که اموال ما را حلال شمرده و آن را بخورد همانا آتش خورده است... و چگونگی استفاده از من، مانند بهره‌مندی از خورشید پشت ابر است و من امان مردم روی زمین هستم همانطوری که ستارگان امان اهل آسمانها هستند. و از اموری که سودی برایتان ندارد پرسش نکنید و خود را در آموختن آنچه از شما نخواسته‌اند به زحمت نیفکنید و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که همان، فرج شماست، سلام بر تو ای اسحاق بن یعقوب و سلام بر هر کسی که پیرو هدایت است.^۱

پس از غیبت صغری هم بارها علمای شیعه، مشکلات علمی و فکری خود را با امام خویش مطرح کرده و پاسخ آن را دریافت نموده‌اند.

میر علاّم یکی از شاگردان مقدس اردبیلی چنین می‌گوید:

نیمه شبی در نجف اشرف در صحن مطهر حضرت علی علیه السلام بودم ناگاه شخصی را دیدم که به سمت حرم می‌رود، به سوی او رفتم چون نزدیک شدم، دیدم که شیخ و استادم ملا احمد مقدس اردبیلی رحمته الله است. خود را از او پنهان کردم.

نزدیک حرم مطهر شد در حالی که در بسته بود، ناگاه دیدم درگشوده شد و داخل حرم گردید! و پس از مدتی کوتاه از حرم خارج شد، و به سمت کوفه

متوجه گردید.

به دنبال او روانه شدم به طوری که مرا نمی‌دید تا آن که داخل مسجد کوفه گردید و در نزد محرابی که امیرالمؤمنین علیه السلام را در آن ضربت زده‌اند قرار گرفت و مدتی در آنجا درنگ کرد. سپس برگشت و از مسجد بیرون رفت و به سمت نجف متوجه گردید من همچنان دنبال او بودم تا آنکه به مسجد حنانه رسید؛ ناگاه بدون اختیار سرفه‌ام گرفت چون صدای مرا شنید برگشت نگاهی به من کرد و مرا شناخت. فرمود: میر علام هستی؟ گفتم: آری! گفت: اینجا چه می‌کنی؟ گفتم: از آن زمان که داخل حرم حضرت علی علیه السلام شدم تا حال با شما هستم. شما را به حق این قبر قسم می‌دهم که سزاین واقعه را که امشب از شما مشاهده کردم به من خبر دهید!

فرمود: به شرط آن که تا من زنده هستم آن را به کسی نگویی! چون به او اطمینان دادم فرمود: گاهی که برخی مسائل بر من مشکل می‌شود برای حل آن به امیرالمؤمنین علیه السلام متوسل می‌شوم. امشب نیز مسئله‌ای برای من مشکل شد و در آن فکر می‌کردم؛ ناگاه به دلم افتاد که باز به خدمت آن حضرت روم و سؤال کنم.

چون به حرم مطهر رسیدم چنان که دیدی در بسته بر روی من گشوده شد. پس داخل شده به خدا نالیدم که جواب آن را از آن حضرت دریابم ناگاه از قبر مطهر ندایی شنیدم که فرمود: به مسجد کوفه برو و از قائم علیه السلام سؤال کن زیرا که او امام زمان توست. پس به نزد محراب [مسجد کوفه] آمدم و از آن بزرگوار سؤال کرده

جواب شنیدم و اکنون به منزل خود می‌روم.^۱

هدایت باطنی و نفوذ روحانی

امام و حجت خدا وظیفه رهبری و هدایت مردم را به عهده دارد و در تلاش است افرادی را که آماده دریافت نور هدایت او هستند، راهنمایی کند. برای انجام این مأموریت الهی، گاهی آشکارا و بی‌پرده، با انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کند و با گفتار و کردار زندگی‌ساز خود، راه سعادت و بهروزی آن‌ها را نشان می‌دهد و زمانی دیگر با استفاده از قدرت ولایت خود که نیروی غیبی و الهی است در درون قلب‌ها اثر می‌گذارد و با توجهی ویژه و عنایتی خاص، دل‌های آماده را، مایل به خوبی‌ها و زیبایی‌ها می‌کند و راه رشد و کمال آن‌ها را هموار می‌سازد. در این بخش، نیازی به حضور ظاهری امام و ارتباط مستقیم با او نیست بلکه هدایت‌ها از راه‌های درونی و ارتباطات قلبی انجام می‌گیرد. امام علی علیه السلام در بیان این بخش از فعالیت‌های امام می‌فرماید:

خداوند، جز این نیست که باید حجتی از سوی تو در زمین باشد تا خلق را به سوی آئین تو رهنمون گردد... و اگر وجود ظاهری او از مردم پنهان باشد ولی بی‌شک تعالیم و آداب او در دل‌های مؤمنین پراکنده است و آن‌ها براساس آن عمل می‌کنند.^۲

امام غایب از طریق همین هدایت‌ها به کار نیروسازی برای قیام و انقلاب جهانی،

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۴.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ح ۱۱۲، ص ۴۶۳.

همّت می‌گمارد. و آن‌ها که شایستگی‌های لازم را دارا باشند تحت تربیت ویژه امام، برای حضور در رکاب آن حضرت آماده می‌شوند و این یکی از برنامه‌های امام غایب است که به برکت وجود او انجام می‌شود.

ایمنی از بلاها

بدون تردید، امنیت از اصلی‌ترین سرمایه‌های زندگی است. پدید آمدن حوادث گوناگون در عالم، همواره زندگی و حیات طبیعی موجودات را در معرض نابودی قرار داده است و کنترل آفت‌ها و بلاها اگرچه با فراهم آوردن وسائل مادی ممکن است ولی عوامل معنوی نیز در آن تأثیر فراوانی دارد. در روایات پیشوایان ما، وجود امام و حجت الهی، در مجموعه جهان آفرینش، به عنوان عامل امنیت زمین و اهل آن شمرده شده است.

امام مهدی علیه السلام خود فرموده است:

وَ إِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أ...؛

من موجب ایمنی (از بلاها) برای ساکنان زمین هستم.

وجود امام، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفاسدی که انجام می‌دهند به عذاب‌های سخت الهی گرفتار آیند و طومار حیات زمین و اهل آن در هم پیچیده شود.

قرآن کریم در این باره، خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...﴾^۲

۱. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹.

۲. سوره انفال، آیه ۳۳.

(ای رسول ما) تا زمانی که تو در میان ایشان (مسلمانان) هستی، خداوند هرگز آن‌ها را به عذاب (عمومی) گرفتار نخواهد کرد.

حضرت ولی عصر که مظهر رحمت و مهر پروردگار است نیز به عنایت خاص خود بلاهای بزرگ را به ویژه از جامعه شیعیان و فرد فرد آن‌ها دور می‌کند؛ گرچه در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه نداشته باشند و دست یاری‌گر او را در بالای سر خود شناسند!

آن گرامی در مقام معرفی خود فرموده است:

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ مِنْ أَهْلِي وَ
شِيعَتِي

من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خدای تعالی به [سبب وجود] من
بلاها را از خاندان و شیعیانم دور می‌کند.^۱

در جریان شکل‌گیری انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و سال‌های پراشتاب دفاع مقدس، بارها لطف و محبت آن امام بزرگوار بر سر ملت و مملکت سایه افکند و نظام اسلامی و ملت مسلمان و مهدوی را از گردنه توطئه‌های سنگین دشمن، عبور داد! شکسته شدن حکومت نظامی شاه در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی (ره)، حادثه سقوط هلی‌کوپترهای نظامی آمریکا در سال ۱۳۵۹ در صحرای طبس، کشف کودتای نافرجام نوژه در ۲۱ تیرماه ۱۳۶۱ و ناکامی دشمنان در جنگ هشت ساله و دهها نمونه دیگر شواهد گویایی است.

۱. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۱۲، ص ۱۷۱.

باران رحمت

موعود بزرگ جهانیان و قبله آمال مسلمانان و محبوب دل‌های شیعیان، همواره بر حال مردم نظر دارد و غیبت آن خورشید مهربانی، مانع از آن نیست که پرتو زندگی بخش و نشاط آفرین خود را بر جان‌های مشتاق بتاباند و آن‌ها را بر خوان کرم و بزرگواری خویش، مهمان کند. آن ماه منیر دوستی و مهرورزی، پیوسته غمخوار شیعیان و دستگیر مددجویان آستان حضرتش بوده است. گاهی بر بالین بیماران حاضر گردیده و دست شفا بخش خویش را مرهم زخم‌های آن‌ها قرار داده است و زمانی دیگر، به گم‌شدگان در بیابان‌ها عنایت فرموده و واماندگان در وادی تنهایی و بی‌کسی را یار و یاور و راهنما گشته است و در لحظه‌های سرد ناامیدی، دل‌های منتظر را گرمی امید، بخشیده است. او که باران رحمت الهی است، در همه حال، بر کویر تفتیده جان‌ها باریده و با دعای خود برای شیعیان، سبزی و خرمی را برای آن‌ها به ارمغان آورده است. آن سجاده‌نشین آستان حضرت دوست، دست‌های خواهش را گشوده و برای من و تو این چنین خواسته است:

يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي وَلِشِيعَتِي مِنَ الضِّيقِ فَرَجًا وَمِنْ أَلْهِمَّ
مَخْرَجًا وَأَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ وَأَطْلُقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يُفَرِّجُ وَافْعَلْ بِنَا
مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيم.^۱

ای روشنایی نور، ای تدبیر کننده کارها، ای زنده کننده مردگان، بر محمد و

۱. منتخب الاثر، فصل ۱۰، باب ۷، ش ۶، ص ۶۵۸.

خاندان او درود فرست و برای من و شیعیانم در تنگناها گشایشی قرار ده و
از غم و اندوه راه چاره‌ای باز کن و راه [هدایت] را بر ما وسعت بخش و راهی
که در آن گشایش ما است به روی ما بگشا و آنچنان که تو شایسته آن
هستی با ما رفتار کن ای کریم.

آنچه گفته شد بیانگر آن است که از آثار وجود امام - گرچه در غیبت به سر برد -
امکان ارتباط و اتصال به اوست و آنها که لیاقت و شایستگی داشته‌اند لذت همنشینی
و همنوایی آن یار بی‌همتا را چشیده‌اند.

بخش چهارم:

دیدار یار

از سختی‌ها و تلخی‌ها دوره غیبت، دوری شیعیان از مولای خود و محروم ماندن از دیدار جمال آن یوسف بی همتاست. با شروع روزگار غیبت، منتظران ظهور، پیوسته در حسرت تماشای آن سرو بلند فضیلت سوخته‌اند و آه فراق از دل کشیده‌اند! البته در دوران غیبت صغری، شیعیان به وسیله نایبان خاص با امام عصر علیه السلام ارتباط داشتند و بعضی از آنها به فیض حضور آن بزرگوار رسیدند چنان که در این باره روایات فراوانی وجود دارد ولی در دوره غیبت کبری که روزگار غیبت کامل امام است، رابطه یاد شده قطع گردید و امکان شرفیابی به محضر آن حضرت به شکل معمول و از طریق افرادی خاص، منتفی شد.

با این حال بسیاری از علما معتقدند که در این زمان نیز، ملاقات با آن ماه منیر امکان دارد و بارها اتفاق افتاده است. حکایت شرفیابی بزرگانی چون علامه بحر العلوم، مقدس اردبیلی، سید بن طاووس و مانند آنها معروف و مشهور است و در کتاب‌های بزرگان علما نقل گردیده است.^۱

اما لازم است که درباره بحث ملاقات با امام زمان علیه السلام به نکات زیر توجه شود:
نکته اول اینکه، ملاقات با امام مهدی علیه السلام گاهی در حالت اضطرار و درماندگی افراد

۱. ر.ک: جنة المأوی والنجم الثاقب، محدث نوری.

روی می‌دهد و گاهی در حالت عادی و به دور از اضطرار، به بیان روشن‌تر گاهی ملاقات‌ها برای دستگیری امام علیه السلام از اشخاصی است که در وضعیتی گرفتار شده‌اند و احساس تنهایی و بی‌کسی به آنها دست داده است مثل جریان ملاقات بسیاری از افراد که در مکان‌های مختلف مانند سفر خانه خدا، راه را گم کرده‌اند و امام علیه السلام و یا یکی از اصحاب آن حضرت، آنها را از سرگردانی نجات داده است و اکثر ملاقات‌ها از همین قبیل است.

ولی در مواردی ملاقات‌ها در غیر حالت اضطرار بوده است و ملاقات‌کننده به جهت مقام معنوی ویژه‌ای که داشته به حضور امام علیه السلام شرفیاب شده است. با توجه به نکته فوق باید توجه داشت که ادعای ملاقات و دیدار آن حضرت از هر کسی پذیرفته نیست.

نکته دوم اینکه، در طول مدت غیبت کبری و به ویژه در زمان ما، افرادی با ادعای ملاقات امام زمان علیه السلام در پی جمع کردن مردم و کسب نام و نانی برای خود بوده‌اند و از این راه بسیاری را به گمراهی و انحراف در عقیده و عمل کشانیده‌اند؛ با توصیه خواندن بعضی دعاها و انجام برخی اعمال که بسیاری از آنها هیچ اصل و اساسی ندارد و با دعوت از مشتاقان دیدار، برای شرکت در جلسه‌هایی که محتوای قابل قبولی ندارد، وعده دیدار حجت خدا را می‌دهند و بدینگونه امر ملاقات با آن امام غایب را کاری سهل و در دسترس همگان جلوه می‌دهند در حالی که بدون تردید آن حضرت بر طبق اراده پروردگار در غیبت کامل قرار گرفته است و جز برای افرادی انگشت شمار که تنها راه نجات آنها عنایت مستقیم آن مظهر لطف الهی است رخ نمی‌نماید.

و نکته سوم اینکه جریان ملاقات تنها در صورتی ممکن است که امام عصر علیه السلام، مصلحت را در وقوع آن ببیند. بنابراین هرگاه با وجود همه شور و اشتیاق یک عاشق و تلاش او برای شرفیابی به محضر امام، ملاقاتی دست ندهد نباید گرفتار یأس و ناامیدی گردد و این را نشانه نبود لطف و عنایت امام بداند همانگونه که آن کس که به فیض ملاقات با آن بزرگوار نائل شد، این دیدار نشانه آن نیست که در تقوا و فضیلت به کمال رسیده است.

جان سخن اینکه اگر چه دیدن جمال نورانی امام عصر و سخن گفتن با آن محبوب دلها سعادت بزرگ است اما امامان ما و به ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام از شیعیان نخواسته‌اند که در پی دیدار امام زمان خود باشند و برای رسیدن به این مقصود، چله‌نشینی کرده و یا بیابان گردی پیشه کنند؛ بلکه در کلمات پیشوایان معصوم علیهم السلام سفارش فراوان شده است که شیعیان پیوسته به یاد حضرت بوده و برای فرج او دعا کنند و در جلب رضای او در گفتار و کردار بکوشند و در راستای اهداف بزرگ او قدم بر دارند تا هر چه زودتر زمینه ظهور آن امید بشریت فراهم گردد و عالم از فیض مستقیم او بهره‌مند شود.

امام مهدی علیه السلام خود می‌فرماید:

«أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ^۱

برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که همان فرج شماست».

در اینجا مناسب است جریان شیرین ملاقات مرحوم حاج علی بغدادی را که از

۱. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹.

خوبان روزگار خویش بوده است نقل کنیم ولی به جهت رعایت اختصار به بیان نکات مهم آن اکتفا می‌کنیم:

آن مرد شایسته و باتقوا، همیشه از بغداد به کاظمین می‌رفت و دو امام بزرگوار حضرت جواد و حضرت کاظم علیهما السلام را زیارت می‌کرد. او می‌گوید: مقداری خمس و حقوق مالی برعهده‌ام بود. به همین جهت به نجف اشرف رفتم و بیست تومان از آن را به عالم فقیه و پارسا شیخ انصاری «ره» و بیست تومان آن را هم به عالم فقیه شیخ محمد حسین کاظمی «ره» و بیست تومان هم به آیت الله شیخ محمد حسن شروقی «ره» دادم و تصمیم گرفتم که بیست تومان دیگر بدهی خود را پس از بازگشت به بغداد به آیه الله آل یاسین «ره» بپردازم. روز پنج‌شنبه به بغداد بازگشتم. نخست به سوی کاظمین رفتم و دو امام بزرگوار را زیارت کردم. پس از آن به منزل آیه الله آل یاسین رفتم و بخشی از باقی مانده بدهی شرعی خود را به او تقدیم کردم و از او اجازه گرفتم که باقی مانده آن را به تدریج به او یا کسی که او را مستحق بدانم بپردازم. ایشان اصرار کرد که نزد او بمانم اما به خاطر کارهای ضروری، عذر خواهی کرده و خداحافظی کردم و به سوی بغداد حرکت کردم. وقتی یک سوم راه را رفته بودم با سید بزرگوار و با وقاری روبرو شدم. او عمامه‌ای سبز بر سر داشت و برگونه‌اش خالی مشکی آشکار بود و برای زیارت به سوی کاظمین می‌رفت. نزدیک من آمد و سلام کرد و به گرمی با من دست داد و مرا در آغوش کشید و به سینه چسباند و به من خوش آمد گفت و فرمود: خیر است، کجا می‌روی؟

گفتم: زیارت کرده و اینک عازم بغداد هستم. گفت، شب جمعه است برگرد

به کاظمین (و امشب را در آنجا بمان) ! گفتم: نمی توانم! گفت، می توانی، برگرد تا گواهی دهم که از دوستان جدم امیرالمؤمنین علیه السلام و از دوستان ما هستی و شیخ نیز گواهی می دهد. خداوند می فرماید: «وَأَشْتَشْهَدُوا شَهِيدَيْن»^۱ [= دو نفر را شاهد بگیرید.]

حاج علی بغدادی می گوید: من پیش از این از آیه الله آل یاسین خواسته بودم که برای من سندی بنویسد و در آن گواهی کند که من از شیعیان و دوستداران اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستم تا آن نامه را در کفن خویش قرار دهم. از سید پرسیدم: از کجا مرا شناختی و چگونه این گواهی را می دهی؟! فرمود: چگونه انسان کسی را که حق او را به طور کامل می دهد نمی شناسد؟! گفتم: کدام حق؟! فرمود: همان حقوقی که به وکیل من دادی. گفتم: وکیل شما کیست؟ فرمود: شیخ محمد حسن! گفتم: آیا او وکیل شماست؟ فرمود: آری.

از گفتار او شگفت زده شدم. فکر کردم میان من و او، دوستی دیرینه ای است که من فراموش کرده ام زیرا در برخورد اول مرا به نام صدا زدا و گمان کردم از من توقع دارد که مبلغی از آن خمس که بر عهده دارم بدان جهت که از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است به او تقدیم کنم. بنابراین گفتم: از حقوق شما فرزندان پیامبر مقداری نزد من هست و اجازه گرفته ام که آن را مصرف کنم. تبسم کرد و گفت: آری! مقداری از حقوق ما را به وکلای ما در نجف پرداختی. پرسیدم: آیا این کارم پذیرفته درگاه خداست؟ فرمود: آری!

به خود آمدم که چگونه این سید، بزرگترین علمای عصر را، وکیل خود می خواند. اما بار دیگر دچار غفلت شدم و موضوع را فراموش کردم!

گفتم: سرورم! آیا درست است که می گویند: هر کس در شب جمعه امام حسین علیه السلام را زیارت کند [از عذاب خدا] در امان خواهد بود. گفت: آری! و در همان حال دیدگانش پر از اشک شد و گریست. چیزی نگذشت که دیدم در حرم مطهر کاظمین علیه السلام هستیم بی آنکه از خیابان ها و راههایی که به حرم می رسد، عبور کرده باشیم. کنار در ورودی ایستادیم. گفت: زیارت بخوان! گفتم: سرورم من نمی توانم خوب بخوانم. گفت: آیا من بخوانم تا با من زیارت کنی؟ گفتم: آری!

او شروع کرد و بر پیامبر و یک یک امامان سلام گفت و پس از نام مبارک امام عسکری علیه السلام رو به من کرد و گفت: آیا امام زمانت را می شناسی؟ گفتم: چگونه نمی شناسم؟! فرمود: پس بر او سلام کن! گفتم، **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ**
يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بَنِي الْحَسَنِ تبسم کرد و فرمود: **عَلَيْكَ السَّلَامُ**
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

پس وارد حرم شدیم و ضریح را بوسیدیم. فرمود: زیارت بخوان. گفتم: سرورم، نمی توانم خوب بخوانم. فرمود: آیا برایت بخوانم؟ گفتم: آری! او زیارت مشهور به «امین الله» را خواند و آنگاه فرمود: آیا جدم حسین علیه السلام را زیارت می کنی؟ گفتم: آری امشب شب جمعه و شب زیارتی امام حسین علیه السلام است. او زیارت مشهور امام حسین علیه السلام را خواند. هنگام نماز مغرب شد به من فرمود تا نماز را به جماعت بخوانم. پس از نماز آن بزرگوار از نظرم ناپدید شد و

هر چه جستجو کردم او را ندیدم!!

تازه به خود آمدم و به یاد آوردم که سید مرا با نام و نشان صدا زد. خواست که به کاظمین برگردم و با اینکه نمی‌خواستم بازگشتم. فقهای بزرگ را وکیل خود خواند و سرانجام نیز به صورت ناگهانی پنهان شد. پس از این اندیشه دریافتم که آن حضرت امام عصر علیه السلام بوده است و دریغاکه دیر او را شناختم.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۵ والنجم الثاقب، داستان ۳۱.

بخش پنجم:

طول عمر

از مباحث مربوط به زندگی امام مهدی علیه السلام طول عمر آن بزرگوار است. برای بعضی این سؤال مطرح است که چگونه ممکن است انسانی، عمری چنین طولانی داشته باشد؟!^۱

سرچشمه این سؤال و علت طرح آن این است که آنچه در جهان امروز، معمول و متداول است عمرهای محدودی است که حداکثر بین ۸۰ تا ۱۰۰ سال طول می کشد^۲ و بعضی با دیدن و شنیدن اینگونه عمرها، نمی توانند یک عمر طولانی را باور کنند یا آن را دور می شمارند. و گرنه عمر طولانی از نظر عقل و دانش بشری امری غیر ممکن نیست و دانشمندان با مطالعه اجزاء بدن به این حقیقت رسیده اند که ممکن است انسان، سال های بسیار طولانی زنده بماند و حتی گرفتار پیری و فرسودگی هم نشود. برنارد شاو می گوید:

از اصول علمی مورد پذیرش همه دانشمندان بیولوژیست، این است که برای عمر بشر نمی توان حدی تعیین کرد و حتی دیرزیستی نیز مسئله مرزناپذیری است.^۳

۱. اکنون در سال ۱۴۲۵ هجری قمری هستیم و با توجه به اینکه تولد امام مهدی در سال ۲۵۵ هجری قمری واقع شده است، پیشوای ما هم اکنون ۱۱۷۰ سال دارد.

۲. البته هم اکنون عمرهای بالای صد سال هم یافت می شود که به نسبت بسیار کم است.

۳. راز طول عمر امام زمان علیه السلام؛ علی اکبر مهدی پور، ص ۱۳.

پروفسور «اتینگر» می‌نویسد:

به نظر من با پیشرفت تکنیک‌ها و کاری که ما شروع کرده‌ایم بشر قرن بیست و

یکم خواهد توانست هزاران سال عمر کند.^۱

بنابراین تلاش دانشمندان برای دست یافتن به راههای غلبه بر پیری و رسیدن به دراز عمری نشانگر امکان چنین پدیده‌ای است چنانکه در این مسیر گام‌های موفقیت‌آمیزی برداشته شده است و هم اکنون در گوشه و کنار جهان کم نیستند افرادی که بر اثر شرایط مناسب آب و هوایی و تغذیه مناسب و فعالیت مناسب بدنی و فکری و عوامل دیگر، عمری نزدیک به صد و پنجاه سال و گاهی بیشتر از آن دارند مهم‌تر اینکه عمر طولانی در گذشته تاریخ انسان‌ها بارها تجربه شده است و در کتاب‌های آسمانی و تاریخی، انسان‌های زیادی با نام و نشان و شرح حال یاد شده‌اند که مدت عمر آن‌ها بسیار درازتر از عمر بشر امروز بوده است.

در این زمینه کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است که برای نمونه چند مورد را بیان می‌کنیم:

۱. در قرآن آیه‌ای هست که نه تنها از عمر طولانی بلکه از امکان عمر جاویدان خبر می‌دهد و آن آیه درباره حضرت یونس علیه السلام است که می‌فرماید:

اگر او (یونس علیه السلام) در شکم ماهی تسبیح نمی‌گفت، تا روز رستاخیز در شکم ماهی می‌ماند.^۲

بنابراین آیه شریفه عمری بسیار طولانی (از عصر یونس علیه السلام تا روز رستاخیز) که

۱. مجله دانشمند، سال ۶، ش ۶، ص ۱۴۷.

۲. سوره الصافات، آیه ۱۴۴.

در اصطلاح زیست‌شناسان عمر جاویدان نامیده می‌شود برای انسان و ماهی از نظر قرآن کریم امکان‌پذیر است.^۱

۲. قرآن کریم در مورد حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید:

به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس ۹۵۰ سال در میان آنها درنگ نمود.^۲

آنچه در آیه شریفه آمده است مدت پیامبری آن حضرت است و براساس برخی روایات، مدت عمر آن بزرگوار ۲۴۵۰ سال طول کشیده است!^۳

جالب اینکه در روایتی از امام سجاده علیه السلام نقل شده است که فرمود:

در امام مهدی علیه السلام سنت و شیوه‌ای از زندگی حضرت نوح علیه السلام است و آن طول عمر است.^۴

۳. و نیز درباره حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید:

... و هرگز او را نکشتند و به دار نیاویختند بلکه امر به آنها مشتبه شد... به یقین او را نکشتند بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد که خداوند توانا و فرزانه است.^۵

همه مسلمانان به استناد قرآن و احادیث فراوان معتقدند که عیسی علیه السلام زنده است و

۱. خوشبختانه کشف ماهی / ۴۰۰ میلیون ساله در سواحل ماداگاسکار امکان چنین عمری را برای ماهی، عینی کرد (کیهان، ش ۶۴۱۳ - ۴۳/۸/۲۲).

۲. سوره عنکبوت، آیه ۱۴.

۳. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۴۶، ح ۳، ص ۳۰۹.

۴. کمال‌الدین، ج ۱، باب ۲۱، ح ۴، ص ۵۹۱.

۵. سوره نساء، آیه ۱۵۷.

در آسمان هاست و به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرود آمده و او را یاری خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

در صاحب این امر (مهدی علیه السلام) چهار سنت از چهارتن از پیامبران است... و از عیسی علیه السلام سنتی دارد و آن اینکه: (درباره مهدی نیز) می گویند: او در گذشته است در حالی که او زنده می باشد.^۱

علاوه بر قرآن در تورات و انجیل نیز سخن از دراز عمران مطرح گردیده است. در تورات آمده است که:

... تمام ایام آدم که زیست نهصد و سی سال بود که مُرد... جمله ی ایام «انوش»

نهصد و پنج سال بود که مُرد... و تمامی ایام «قینان» نهصد و ده سال بود که

مُرد... پس جمله ی ایام «متوشالاح» نهصد و شصت و نه سال بود که مُرد...^۲

بنابراین تورات صریحاً به وجود افرادی با داشتن عمرهای طولانی (بیش از نهصد سال) اعتراف می کند.

در انجیل نیز عباراتی موجود است که نشانگر آن است که عیسی علیه السلام پس از به دار کشیده شدن زنده گردیده و به آسمان بالا رفته است.^۳ و در روزگاری فرود خواهد آمد و مسلم است که عمر آن بزرگوار از دو هزار سال بیشتر است.

با این بیان روشن می شود که پیروان دو آئین یهود و مسیحیت باید به علت اعتقاد به

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۲. زنده روزگاران، ص ۱۳۲ (به نقل از تورات - ترجمه فاضل خانی - سفر پیدایش باب پنجم، آیات ۵ - ۳۲).

۳. زنده روزگاران، ص ۱۳۴ (به نقل از عهد جدید، کتاب اعمال رسولان، باب اول، آیات ۱ - ۱۲).

کتاب مقدس به عمرهای طولانی نیز معتقد باشند.

گذشته از اینکه طول عمر از نظر علمی و عقلی پذیرفتنی است و در گذشته تاریخ، موارد بسیار دارد، در مقیاس قدرت بی نهایت خداوند نیز قابل اثبات است. به اعتقاد همه پیروان ادیان آسمانی تمام ذرات عالم در اختیار خداوند است و تأثیر همه سبب‌ها و علّت‌ها به اراده او بستگی دارد و اگر او نخواهد سبب‌ها از تأثیر باز می‌ماند و نیز بدون سبب و علّت طبیعی، ایجاد می‌کند و می‌آفریند.

او خدایی است که از دل کوه، شتری بیرون می‌آورد و آتش سوزنده را بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت می‌سازد و دریا را برای موسی و پیروانش خشک می‌کند و آنها را از میان دو دیوار آبی عبور می‌دهد! ^۱ آیا از اینکه به عصا انبیاء و اولیاء و آخرین ذخیره الهی و نهایت آمال و آرزوی همه نیکان و تحقق بخش وعده بزرگ قرآن را عمری طولانی بدهد، ناتوان خواهد بود؟!

امام حسن مجتبی علیه السلام فرموده است:

... خداوند عمر او را (مهدی علیه السلام) در دوران غیبتش طولانی می‌گرداند، سپس

به قدرت خدایی‌اش او را در سیمای جوانی زیر چهل سال آشکار می‌سازد تا

مردمان دریابند که خداوند بر هر کاری تواناست. ^۲

بنابراین جریان طول عمر امام دوازدهم علیه السلام، از ابعاد مختلف عقلی و علمی و تاریخی امری ممکن و پذیرفتنی است و پیش از همه اینها از جلوه‌های اراده خداوند بزرگ و تواناست.

۱. آنها حقایقی است که در قرآن کریم آمده است: سوره انبیاء، آیه ۶۹ و سوره شعراء، آیه ۶۳.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

بخش ششم:

انتظار سبز

وقتی ابرهای تیره، چهره خورشید را پوشانده و دشت و دَمَن از دست بوسی آفتاب محروم گردیده و سبزه و گل از دوری مهر عالم تاب پژمرده است چاره چیست؟ زمانی که عصارة آفرینش و خلاصه خوبی‌ها و آینه زیبایی‌ها رخ در نقاب غیبت کشیده و جهانیان از فیض حضور او بی نصیب مانده‌اند چه می‌توان کرد؟

گل‌های باغ چشم به راهند تا سایه باغبان مهربان را بر سر خود ببینند و از دستان پر مهر او آب حیات بنوشند و دل‌های مشتاق، بی تاب چشم‌های اویند تا عنایت شور آفرین او را لمس کنند و اینجاست که «انتظار» شکل می‌گیرد. آری، همه منتظرند تا او بیاید و سبزی و نشاط را به ارمغان آورد.

به راستی «انتظار» چه زیبا و شیرین است اگر زیبایی آن در نظر آید و شیرینی آن در کام دل، چشیده شود.

حقیقت انتظار و جایگاه آن

برای «انتظار» معانی گوناگونی گفته‌اند و لی با دقت و تأمل در این کلمه می‌توان به حقیقت معنی آن پی برد. انتظار، چشم به راه بودن است و این چشم به راهی به تناسب بستر و زمینه آن ارزش پیدا می‌کند و آثار و پیامدهایی دارد. انتظار تنها یک حالت

روحی و درونی نیست بلکه از درون به بیرون سرایت می‌کند و حرکت و اقدام را می‌آفریند. به همین دلیل است که در روایات، انتظار به عنوان یک عمل و بلکه بهترین اعمال، معرفی شده است. انتظار به «منتظر» شکل می‌دهد و برای کارها و تلاش‌های او جهت خاصی را ایجاد می‌کند و آن جهت، راهی است که به تحقق آنچه به انتظار آنست، منتهی می‌گردد.

بنابراین «انتظار» با نشستن و دست روی دست گذاشتن، نمی‌سازد. انتظار با چشم به در دوختن و حسرت خوردن، تمام نمی‌شود؛ بلکه در حقیقت انتظار، حرکت و نشاط و شور آفرینی نهفته است.

آنکه در انتظار مهمان عزیزی است، سر از پانمی‌شناسد و در تلاش است تا خود و محیط اطراف خود را برای آمدن مهمان، آماده کند و موانع حضور او را بر طرف سازد. سخن درباره انتظار رویدادی بی نظیر است که در زیبایی و کمال، نهایت ندارد. انتظار روزگاری است که در سبزی و خرمی در تمامی روزگاران گذشته مثالی نداشته است و جهان چنان دوران زیبایی را هرگز تجربه نکرده است. این همان انتظار حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام است که در روایات، از آن به «انتظار فرج» یاد شده است و آن را از بهترین اعمال و عبادات، بلکه پشتوانه قبولی همه اعمال، شمرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

بهترین اعمال امت من، انتظار فرج است.^۱

امام صادق علیه السلام به یاران خود فرمود:

آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که خداوند بدون آن هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد؟ گفتند: بفرمایید. فرمود: گواهی به یگانگی خدا و نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اقرار به آنچه خدا امر فرموده و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما - یعنی ما امامان بخصوص - و تسلیم شدن در برابر ایشان (=امامان) و برهیزکاری و کوشش و خویشنداری و انتظار قائم علیه السلام.^۱

بنابراین «انتظار فرج» انتظاری است که ویژگیهای خاص و منحصر به فرد دارد که لازم است به خوبی دانسته شود تا رمز و راز آن همه فضیلت و آثار که برای آن خواهیم شمرد آشکار گردد.

ویژگی‌های انتظار مهدی علیه السلام

گفتیم که «انتظار» امری فطری است و برای همگان در هر قوم و آیینی که باشند وجود دارد اما انتظارهای معمولی که در جریان زندگی افراد و حتی جامعه‌ها وجود دارد هر اندازه بزرگ و با اهمیت باشد در مقایسه با انتظار موعود جهانی، کوچک و بی مقدار است زیرا که انتظار ظهور او ویژگی‌های خاص خود را دارد:

انتظار مهدی علیه السلام انتظاری است که از ابتدای عالم آغاز شده است یعنی از زمان‌های بسیار دور، انبیاء و اولیاء نوید ظهور او را داده‌اند و در زمان‌های نزدیک‌تر، همه امامان ما، آرزوی روزگار دولت او را داشته‌اند.

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۱، ج ۱۶، ص ۲۰۷.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر او را درک می‌کردم، تمام عمر به او خدمت می‌کردم.^۱

انتظار مهدی علیه السلام، انتظار مصلح جهانی است. انتظار حکومت عدل جهانی است و انتظار تحقق همه خوبی‌ها است. در این انتظار، بشریت چشم به راه است تا آنچه را بر اساس فطرت پاک خدایی، در آرزوی آن بوده و هیچگاه به صورت کامل به آن دست نیافته است، ببیند و مهدی علیه السلام همان است که عدالت و معنویت، برادری و برابری، عمران و آبادی زمین و امنیت و صلح و عصر شکوفایی عقل و دانش بشری را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد و برچیدن بساط استعمار و بردگی انسان‌ها و نفی هر گونه ستم و ستمگری و رهایی اجتماع از انواع فسادهای اخلاقی، ره آورد حاکمیت اوست.

انتظار مهدی علیه السلام انتظاری است که تنها با فراهم شدن زمینه‌های شکوفایی آن، خواهد شکفت و آن زمانی است که همه انسان‌ها در طلب منجی و مصلح آخر الزمان باشند. او می‌آید تا با همکاری و همیاری یارانش علیه بدی‌ها قیام کند نه اینکه تنها با معجزه کار جهان را سامان دهد.

انتظار مهدی علیه السلام در منتظرانش شوق یاری و همراهی او را ایجاد می‌کند و به انسان هویت و حیات می‌بخشد و او را از پوچی و بی‌هدفی نجات می‌دهد.

آنچه گفته شد بخشی از ویژگی‌های آن انتظاری است که به وسعت همه تاریخ است و ریشه در جان همه انسان‌ها دارد و هیچ انتظار دیگری به خاک پای این انتظار

۱. همان، باب ۱۳، ح ۴۶، ص ۲۵۲.

سترگ نمی‌ارزد. بنابراین جا دارد که ابعاد و آثار فراوانِ انتظار مهدی علیه السلام را بشناسیم و دربارهٔ وظایف منتظران ظهور او و پاداش بی‌نظیر آنها سخن بگوییم.

ابعاد انتظار

انسان از زوایای مختلف دارای ابعاد گوناگون است: از سویی از بُعد نظری و عملی برخوردار است و از سوی دیگر دارای بُعد فردی و اجتماعی است و از زاویه‌ای دیگر در کنار بُعد جسمی، بُعد روحی و روانی دارد. بدون تردید در همه ابعاد یاد شده نیاز به چارچوبِ مشخصی است تا در قالب آن راه صحیح زندگی باز شود و مسیرهای انحرافی به روی آدمی بسته گردد. و آن راه درست همان مسیر انتظار است. انتظار موعود جهانی در همه ابعاد زندگی منتظر تأثیر می‌گذارد. در بُعد فکری و نظری که زیر بنای اعمال و رفتار انسان است، باورهای اساسی حیات آدمی را در حصار خود حفظ می‌کند. به بیان دیگر انتظار صحیح می‌طلبد که منتظر، بنیان‌های اعتقادی و فکری خود را تقویت کند تا در دام مکتب‌های انحرافی گرفتار نشود و یا به خاطر طولانی شدن دوره غیبت امام عصر علیه السلام به چاه یأس و ناامیدی سقوط نکند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام ایشان غایب خواهد شد پس خوشا به

حال آنان که در آن زمان، بر امر (ولایت) ماثبت و استوار بمانند.^۱

یعنی در دوره غیبت که دشمنان با انواع شبهه‌ها می‌کوشند تا اعتقادات درست

۱. کمال‌الدین، ج ۱، ح ۱۵، ص ۶۰۲.

شیعیان را از بین ببرند به برکت قرار گرفتن در سنگر انتظار مرزهای عقیدتی حفظ می شود.

در بُعد عملی، انتظار به همه اعمال و رفتار انسان جهت می دهد. منتظر باید در میدان عمل بکوشد تا زمینه های ظهور دولت حق فراهم گردد. بنابراین، منتظر در این بخش هم به ساختن خود و هم به سامان دادن جامعه همت می گمارد. در بُعد فردی هم به حیات روحی و روانی خود و کسب فضیلت های اخلاقی روی می آورد و هم به تقویت جنبه جسمی و بدنی می پردازد تا نیرویی کار آمد برای جبهه نور باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

... کسی که دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد پس منتظر باشد و در حال

انتظار پرهیزگاری پیشه کند و به اخلاق نیکو آراسته گردد...^۱

ویژگی «انتظار» آن است که آدمی را از محدوده خود فراتر می برد و او را با تک تک افراد جامعه مرتبط می سازد. یعنی انتظار نه تنها در زندگی فردی منتظر مؤثر است که در حوزه رابطه فرد با جامعه نیز طرح و برنامه دارد و او را به تأثیر گذاری مثبت در جامعه وامی دارد و از آنجا که شرط ظهور دولت حق آمادگی جمعی است، هر کسی به اندازه توان خود برای اصلاح جامعه می کوشد و در برابر ناهنجاری های اجتماعی ساکت و بی تفاوت نمی ماند، چرا که منتظر مصلح جهانی در اندیشه و عمل، مسیر صلاح و راستی را طی می کند.

کوتاه سخن اینکه «انتظار» جریان مبارکی است که در تمام مویرگ های حیات فرد و

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۱، ج ۱۶، ص ۲۰۰.

اجتماع منتظر جاری است و در همه عرصه‌های زندگی، رنگ الهی به انسان و حیات او می‌بخشد و چه رنگی از رنگ الهی بهتر و ماندگارتر؟! قرآن کریم می‌فرماید:

﴿... صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً...﴾^۱

رنگ الهی (بگیرید) و چه چیز از رنگ الهی داشتن نیکوتر است؟!

با توجه به آنچه گذشت، وظایف منتظران مصلح کل، چیزی جز همان «رنگ خدایی داشتن» نیست که به برکت انتظار در جای جای زندگی فردی و جمعی آنها جلوه گر می‌شود. و با این نگاه، دیگر آن وظایف بر دوش ما - منتظران - سنگینی نخواهد داشت بلکه به عنوان جریان شیرینی که به همه زوایای زندگی ما معنی و مفهومی زیبا بخشیده است، به حساب می‌آید. به راستی اگر فرمانروای ملک مهربانی و امیر کاروان مهرورزی تو را به عنوان سربازی شایسته برای خیمه ایمان خواسته باشد و حضور تو را در سنگر حق، انتظار کشد، چگونه خواهی بود؟ آیا باید بر تو تکالیفی را تحمیل کنند که چنین و چنان باش و این کار و آن کار را انجام ده یا تو خود راه انتظار را شناخته‌ای و برای همان مقصدی که برگزیده‌ای گام خواهی زد؟!

وظایف منتظران

در روایات و بیانات پیشوایان دین وظایف فراوانی برای منتظران ظهور بیان گردیده است که در اینجا مهمترین آنها را بیان می‌کنیم.

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۸.

شناخت امام

پیمودن جاده انتظار بدون شناختن امام منتظر ممکن نیست. استقامت و پایداری در وادی انتظار وابسته به درک صحیح از پیشوای موعود است. بنابراین علاوه بر شناخت امام به اسم و نسب، لازم است نسبت به جایگاه امام و رتبه و مقام او نیز آگاهی کافی بدست آورد.

ابونصر که از خدمتگذاران امام حسن عسکری علیه السلام است، پیش از غیبت امام مهدی علیه السلام به حضور آن حضرت می‌رسد. امام مهدی علیه السلام از او می‌پرسد: آیا مرا می‌شناسی؟ پاسخ می‌دهد: آری، شما سرور من و فرزند سرور من هستید! امام علیه السلام می‌فرماید: مقصود من چنین شناختی نبود؟! ابونصر می‌گوید: (مقصود شما چیست) خودتان بفرمایید.

امام علیه السلام می‌فرماید:

من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خداوند به (برکت) من بلا را از خاندان و شیعیانم دور می‌کند.^۱

اگر معرفت امام برای منتظر حاصل شود، او از هم اکنون خود را در جبهه امام می‌بیند و احساس می‌کند که در خیمه امام و کنار او قرار گرفته است. بنابراین لحظه‌ای در تلاش برای تقویت جبهه امام خویش کوتاهی نمی‌کند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

...مَنْ مَاتَ وَهُوَ غَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ب ۴۳، ح ۱۲، ص ۱۷۱.

وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ غَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي
فُسْطَاطِهِ.^۱

کسی که بمیرد در حالی که امام خود را شناخته باشد، جلو افتادن یا تأخیر
امر (ظهور) به او زیان نمی‌رساند و کسی که بمیرد و حال آنکه امام خود را
شناخته است مانند کسی است که در خیمه امام و همراه او بوده است.
گفتنی است که این معرفت و شناخت چنان مهم است که در کلام معصومین علیهم‌السلام
آمده است که برای بدست آوردن آن، لازم است از خداوند طلب یاری شود.
امام صادق علیه‌السلام فرمود:

... در زمان غیبت طولانی امام مهدی علیه‌السلام باطل‌گرایان (در اعتقاد و دین خود)
به شک و تردید گرفتار می‌شوند. زواره، از یاران خاص امام گفت: اگر آن زمان
را شاهد بودم چه عملی انجام دهم؟

امام صادق علیه‌السلام فرمود: ... این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِفْ
نَبِيَّكَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ لَمْ
اَعْرِفْ حُجَّتَكَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ
ضَلَلْتُ عَنْ دِيْنِيْ.^۲

آنچه تا کنون مطرح شد معرفت نسبت به جایگاه امام در مجموعه نظام هستی

۱. اصول کافی ۱/ باب ۸۴، ح ۵، ص ۴۳۳.

۲. غیبت نعمانی، باب ۱۰، فصل ۳، ح ۶، ص ۱۷۰.

است.^۱ او حجت پروردگار و جانشین به حق پیامبر و پیشوای همه مردم است که اطاعت از او بر همگان واجب است چرا که اطاعت از او همان اطاعت از خداست. یکی دیگر از ابعاد معرفت امام، شناختن سیره و صفات امام است^۲ و این بُعد از شناخت، تأثیر عملی گسترده‌ای در رفتار و خُلق و خوی منتظر می‌گذارد و بدیهی است که هر اندازه معرفت انسان به زوایای گوناگون زندگی امام و حجت الهی بیشتر و عمیق‌تر باشد، آثار آن در بخش‌های گوناگون زندگی او بیشتر خواهد بود.

الگوپذیری

وقتی معرفت به امام و جلوه‌های زیبای رفتاری آن بزرگوار به دست آمد، سخن از پیروی و الگوگرفتن از آن مظهر کمالات به میان می‌آید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خوشحال آنکه قائم خاندان مرا درک کند در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان، اعلام بیزاری کرده باشد. آنان دوستان و همراهان من و گرامی‌ترین امت من، در نزد من هستند.^۳

به راستی آن کس که در تقوا، عبادت، ساده زیستی، سخاوت، صبر و همه فضائل اخلاقی دنباله رو امام و مراد خویش است چه رتبه بلندی نزد آن رهبر الهی خواهد داشت و آنگاه که به حضور مقدسش بار یابد چه سربلند و سرافراز خواهد بود؟!

۱. درباره این موضوع در فصل اول کتاب، مباحثی بیان گردید.

۲. درباره سیره و صفات امام مهدی عج در فصل آینده سخن خواهیم گفت.

۳. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۳، ص ۵۳۵.

آیا جز این است که منتظری که در طلب زیباترین پدیده عالم است خود را به خوبی‌ها می‌آراید و از زشتی‌ها و ردائیل اخلاقی دوری می‌کند و در مسیر انتظار همواره مراقب افکار و اعمال خویش است؟! و گر نه افتادن به دام بدیها رفته رفته فاصله او و معشوق خوبان را زیاده‌تر خواهد کرد و این حقیقتی است که در بیان هشدار دهنده آن امام موعود آمده است:

فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نُكْرِهُهُ وَلَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ^۱

هیچ چیز ما را از شیعیان جدا نکرده است مگر آنچه از کارهای ایشان که

به ما می‌رسد. اعمالی که خوشایند ما نیست و از شیعیان انتظار نداریم!

نهایت آرزوی منتظران آن است که در برپایی دولت مهدوی و حکومت عدل جهانی سهمی داشته باشند و افتخار یآوری و همراهی آخرین حجت حق را بدست آورند ولی مگر نیل به چنین سعادت بزرگی جز با خودسازی و آراستگی اخلاقی میسر است؟!

امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ
وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ^۲

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد باید منتظر باشد و در

حال انتظار به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید.

و روشن است که در مسیر تحقق چنین خواسته‌ای هیچ الگو و نمونه‌ای برتر از آن

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۲. غیبت نعمانی، باب ۱۱، ج ۱۶، ص ۲۰۷.

امام بزرگوار که آینه تمام زیبایی هاست یافت نمی شود.

یادِ امام

آنچه منتظران را در کسب معرفتِ امام و پیروی از آن بزرگوار یاری می دهد و پایداری در راه انتظار را به دنبال دارد؛ پیوستگی و ارتباط مداوم با آن طیب جانها است.

به راستی وقتی آن امام مهربان امت، همیشه و همه جا به حال شیعیان خود نظر دارد و لحظه ای آنها را از یاد نمی برد آیا رواست که دلدادگان روی او به دنیا و تعلقات آن سرگرم شوند و از آن عزیز، غافل و بی خبر بمانند؟ یا راه و رسم دوستی و محبت آن است که در همه حال او را بر خود و دیگران مقدم بدارند. وقتی بر سجاده دعا می نشینند از او آغاز نمایند و برای سلامتی و فرج آن حضرت دعا کنند که آن بزرگوار خود فرمود:

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما در همان است.^۱ و همواره باید زمزمه کنند:

اَللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ اٰبائِهِ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ
دَلِيلاً وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً.^۲

خدایا برای ولی خود، حجة بن الحسن که درود تو بر او و خاندانش باد در

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۷.

۲. مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان.

این ساعت و در همه ساعات سرپرست و نگهبان و رهبر و یاور و راهنما و دیده بان باش تا [آن زمان که] او را در زمین خود با میل و رغبت جای دهی و برای مدتی طولانی او را در زمین بهره‌مند سازی.

منتظر حقیقی، در هنگام صدقه دادن، ابتدا سلامتی وجود شریف امام خود را در نظر می‌گیرد و به هر بهانه دست توصل به دامن پر مهر او می‌زند و به اشتیاق ظهور مبارک او و دیدن جمال بی مثالش ناله سر می‌دهد.

عَزِيزٌ عَلٰی اَنْ اَرٰی الْخَلْقَ وَلَا تُرٰى^۱

سخت است بر من که همه را ببینم و تو دیده نشوی!!

رهرو راه انتظار در مجالسی که به نام آن محبوب دل‌ها تشکیل می‌شود حضور می‌یابد تا ریشه‌های محبت او را در دل خود محکم‌تر کند و به مکان‌هایی مانند مسجد سهله و مسجد جمکران و سرداب مقدس که منسوب به امام عصر علیه السلام است رفت و آمد می‌کند.

و از زیباترین جلوه‌های یاد امام مهدی علیه السلام در زندگی منتظران ظهورش آن است که هر روز با او تجدید عهد کرده و پیمان وفاداری ببندند و استواری خود را بر آن عهد اعلام کنند.

در فرازی از دعای عهد چنین می‌خوانیم:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَجَدُّ لَهُ فِیْ صَبِيْحَةِ یَوْمِیْ هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ اَیَّامِیْ
عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَیْعَةً لَهُ فِیْ عُنُقِیْ لَا اَحُولَ عَنْهَا وَلَا اَزُوْلَ اَبَدًا اَللّٰهُمَّ

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي
قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُتَتِّلِينَ لِأَمْرِهِ وَالْمُحَامِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى
إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.^۱

بار خدایا من در بامداد این روز و تمام دوران زندگیم، عهد و پیمان و بیعتی
را که از آن حضرت بر گردن دارم با او تجدید می‌کنم، که هرگز از آن عهد و
بیعت برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا مرا از یاران و کمک کاران آن
حضرت و مدافعان از حریم مقدس او و شتاب کنندگان به سوی او برای
انجام خواسته‌هایش و اطاعت کنندگان از دستوراتش و حمایت کنندگان از
وجود شریفش و سبقت جوین به سوی خواسته‌اش و شهیدان در رکاب
حضرتش قرار ده.

اگر کسی پیوسته این عهد را بخواند و از عمق جان به مضامین آن پای بند باشد
هرگز به سستی گرفتار نمی‌شود و در تحقق آرمان‌های امام خود و زمینه سازی برای
ظهور آن بزرگوار لحظه‌ای از پای نمی‌نشیند. و به راستی که شایسته حضور در میدان
یاری آن ذخیره الهی خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس چهل بامداد خدا را با این عهد بخواند از یاوران قائم ما خواهد بود. و
اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون آورد [و
قائم علیه السلام را یاری دهد]....

وحدت و همدلی

از وظایف تک تک افراد قبیله انتظار که بگذریم، جمعیت منتظران نیز باید طرح و برنامه‌ای داشته باشند که در راستای اهداف امام و حجت الهی باشد. به بیان دیگر اجتماع منتظر لازم است که تلاش و حرکت خود را در مسیر رضایت رهبر موعود قرار دهد.

بنابراین جامعه منتظر بر آن است که عهد و پیمان خود با امام را به انجام رساند تا زمینه مناسب برای ظهور دولت مهدوی فراهم شود.

امام عصر علیه السلام در یکی از بیانات خود به چنین جمعیتی اینگونه بشارت داده است:

اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را در راه اطاعتش یاری دهد - در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده، یکدل و مصمم باشند؛ البته نعمت دیدار، از آنان به تأخیر نمی‌افتد و سعادت ملاقات ما برای آنها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما، تعجیل می‌گردد.^۱

و آن عهد و پیمان همان است که در کتاب خدا و سخنان نمایندگان خدا آمده است که مهمترین آنها را بیان می‌کنیم:

۱- تلاش در جهت پیروی از امامان و دوستی با دوستان ائمه و یزاری جستن از دشمنان آنها.

امام باقر علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

خوشا حال آنکه قائم خاندان مرا درک کند در حالی که پیش از قیام، از او

پیروی کرده باشند. با دوستان او دوستی و با دشمنان او دشمنی نموده باشد.

آنها رفیقان من و اهل دوستی و محبت من و گرمی‌ترین امت من نزد من در روز قیامت هستند!!^۱

۲- جمعیت منتظران در مقابل بدعت‌ها و انحراف‌ها در دین و رواج منکرات و زشتی‌ها در سطح جامعه بی تفاوت نیستند و نیز در برابر فراموش شدن سنت‌های نیکو و ارزش‌های اخلاقی از خود واکنش نشان می‌دهند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

البتّه در پایان این امت (دوره‌ی آخر الزّمان) گروهی خواهند بود که پاداش آنها همانند اجرامت اول اسلامی خواهد بود. آنها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و با اهل فتنه (و فساد) می‌جنگند.^۲

۳- جامعه منتظر در برخورد با دیگران وظیفه دارد که تعاون و همکاری را سر فصل برنامه‌های خود قرار دهد. و افراد این جامعه به دور از تنگ نظری و خود مسحوری، پیوسته حال فقراء و نیازمندان جامعه را پی‌گیری می‌کنند و از آنان بی‌خبر نمی‌مانند. گروهی از شیعیان از امام باقر علیه السلام درخواست نصیحت کردند؛ حضرت فرمود:

از میان شما آنکه نیرومند است، ضعیف را یاری کند و آنکه بی‌نیاز است با نیازمندان مهربانی ورزد و هر یک از شما نسبت به دیگری خیرخواهی کند.^۳

گفتنی است که دایره این همکاری و همیاری محدود به محیطی که در آن زندگی

۱. کمال‌الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵.

۲. دلائل النبوة، ج ۶، ص ۵۱۳.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ح ۵، ص ۱۲۳.

می‌کنند نیست بلکه خیر و نیکی منتظران به محیط‌های دورتر و نیازمندان شهرهای دیگر نیز می‌رسد زیرا که در پرتو روح انتظار هیچ جدایی و دوگانگی بین افراد احساس نمی‌شود.

۴- افرادی که عضو جامعه منتظر هستند می‌باید جامعه را رنگ و بوی مهدوی بخشید و نام و یاد امام را در همه عرصه‌ها بلند کنند و گفتار و کردار امام را به عنوان سرآمد همه سخنان و شیوه‌ها به نمایش عمومی بگذارند و در این راه با همه وجود بکوشند که بدون تردید مورد عنایت و لطف ویژه امامان خواهند بود.

عبدالحمید واسطی از یاران امام باقر علیه السلام به آن حضرت می‌گوید:

ما در انتظار امر فرج همه زندگی خود را وقف کردیم به گونه‌ای که برای بعضی

از ما مشکلاتی را به همراه داشته است!

امام در پاسخ او می‌فرماید:

ای عبدالحمید، آیا گمان می‌کنی که خداوند راه‌هایی (از مشکلات) را

برای آن بنده‌ای که خود را وقف خداوند کرده باشد قرار نداده است؟! آری به

خدا قسم خداوند برای او راه چاره‌ای قرار خواهد داد. خداوند رحمت کند

بنده‌ای را که امر (ولایت) ما را زنده دارد!

سخن آخر اینکه جامعه منتظر باید بکوشند که در همه ابعاد زندگی اجتماعی،

الگوی سایر اجتماعات باشند و همه زمینه‌های لازم برای ظهور منجی موعود را فراهم کنند.

آثار انتظار

بعضی گمان کرده‌اند که انتظار مصلح جهانی، افراد را در حالت سکون و بی تفاوتی قرار می‌دهد و آنها که منتظرند تا اصلاحگری جهانی قیام کند و فساد و تباهی را بردارد، خود در مقابل بدیها و پلیدی‌ها واکنشی نخواهند داشت بلکه ساکت و بی تفاوت، دست روی دست خواهند گذاشت و تماشاگر جنایت‌ها خواهند بود!!

ولی این نگاه، یک نگاه سطحی و به دور از اندیشه و دقت است. زیرا با توجه به آنچه در حقیقت انتظار امام موعود و ویژگی‌های آن و نیز ابعاد انتظار و ویژگی‌های منتظران مطرح شد، روشن است که روحیه انتظار، آن هم با ویژگی‌های منحصر به فرد و جایگاه بی نظیر امام مهدی علیه السلام نه تنها سکون و سردی را به دنبال ندارد بلکه بهترین عامل حرکت و پویایی است.

انتظار، در منتظر غوغایی مبارک و حرکتی هدف دار پدید می‌آورد و هر چه منتظر، به حقیقت انتظار، نزدیک تر شود سرعت حرکت او به سوی مقصد بیشتر خواهد شد. در پرتو انتظار، آدمی از خود محوری رهایی می‌یابد و خود را جزئی از جامعه اسلامی می‌بیند؛ بنابراین می‌کوشد تا جامعه را در حد توان خود به صلاح و درستی نزدیک کند و وقتی جامعه‌ای از عناصری این چنین با هویت تشکیل یابد، اجتماعی در جهت ترویج فضیلت‌ها پدید می‌آید و حرکت عمومی به سوی اقامه خوبی‌ها، شکل می‌گیرد و در چنین محیطی که محیط صلاح و سازندگی و فضای امیدبخشی و نشاط و عرصه تلاش و همیاری و همکاری است، زمینه رشد باورهای دینی و پیش عمیق مهدوی در افراد جامعه پدید می‌آید و منتظران، که به برکت انتظار، در فساد

محیط حل نشده‌اند بلکه هویت دینی و مرزهای اعتقادی خود را حفظ کرده‌اند، در برابر سختی‌ها و مشکلات دوران انتظار بردباری می‌کنند و به امید تحقق وعده حتمی الهی بلاها را به جان می‌خرند و لحظه‌ای گرفتار سستی و یا ناامیدی نمی‌شوند. راستی کدام مکتب و مذهبی را می‌شناسید که برای پیروان خود چنین مسیر روشنی را ترسیم کرده باشد؟! مسیری که با انگیزه‌ای الهی پیموده می‌شود و در نهایت پاداشی بس بزرگ را به ارمغان می‌آورد.

پاداش منتظران

خوشحال آنانکه چشم به راه خوبی‌ها نشسته‌اند! چه بزرگ است پاداش آنان که به انتظار موعود جهانی روزگار می‌گذرانند و چه شکوهمند است رتبه و مقام آنان که منتظر حقیقی قائم آل محمد علیه السلام هستند!

بجاست که در بخش پایانی از فصل انتظار، از فضیلت و رتبه بی‌ظیر جرعه نوشان جام انتظار سخن بگوییم و نمونه‌هایی از کلمات پیشوایان دین را بیاوریم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

خوشا به حال شیعیان قائم ما (اهل بیت)، آنها که در دوران غیبت او، ظهورش را انتظار دارند و در ایام ظهورش سر به فرمان او می‌آورند. آنها دوستان خدایند که هیچ ترس و اندوهی برای ایشان نخواهد بود.^۱

و چه افتخاری از این برتر که مدال دوستی پروردگار را بر سینه دارند. و چرا باید

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۵۴، ص ۳۹.

گرفتار غم و اندوه شوند و حال آنکه زندگی و مرگ آنها ارزشی گران پیدا کرده است.
امام سجاده علیه السلام فرمود:

کسی که در زمان غیبت قائم ما بر ولایت ما استوار باشد خداوند پاداش هزار شهید از شهدای جنگ بدر و احد را به او خواهد داد.^۱

آری آنان که در دوران غیبت بر ولایت امام زمان خود باقی بمانند و عهد و پیمان خود با آن بزرگوار را استوار دارند مانند رزمندگانی هستند که در رکاب پیامبر به نبرد با دشمنان خدا پرداخته و در آن صحنه به خون خود غلطیده‌اند!

منتظرانی که جان بر کف به انتظار یاری فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاده‌اند از هم اکنون در خیمه جنگ و در کنار امیر جبهه حق هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر کسی از شما (شیعیان) بمیرد در حالی که منتظر امر (فرج امام مهدی علیه السلام) باشد همانند کسی است که در کنار قائم علیه السلام و در خیمه‌اش بوده است! سپس اندکی درنگ کرد و فرمود: نه بلکه مانند کسی است که در کنار حضرت جنگیده و شمشیر زده است! سپس فرمود: نه به خدا قسم؛ بلکه مثل کسی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله به شهادت رسیده باشد.^۲

این گروه همان جماعتی هستند که قرن‌ها پیش، پیامبر بزرگ خدا آنها را برادران و رفقاء خود خوانده است و دوستی و مودت قلبی خود را نسبت به ایشان اعلام کرده است.

۱. همان، باب ۳۱، ج ۶، ص ۵۹۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

امام باقر علیه السلام فرمود:

روزی پیامبر در حضور گروهی از اصحاب خود فرمود: خدایا برادران مرا به من نشان ده! و این جمله را دو بار فرمود: اصحاب حضرت گفتند: ای رسول خدا آیا ما برادران تو نیستیم؟!^۱

فرمود: خیر، شما اصحاب من هستید و برادران من قومی هستند در آخر الزمان؛ که به من ایمان می آورند و حال آنکه هرگز مرا ندیده اند! خداوند آنها را به اسم خود و پدرانشان به من معرفی کرده است... استواری هر یک از ایشان در دین خود از کندن خارهای گون در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته، سخت تر است. آنها مشعل های هدایت هستند که خداوند آنها را از فتنه های تیره و تاریک نجات می بخشد.^۱

و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

خوشا حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و حال آنکه پیش از قیامش به او اقتدا کرده باشد. با دوستان او دوستی و از دشمنان او بیزاری جسته باشد و امامان پیش از او را نیز دوست داشته باشد. آنها رفقای من و صاحبان دوستی و مودت من و گرامی ترین امت من نزد من هستند.^۲

و اینان که به چنین مقام و رتبه ای نزد پیامبر دست یافته اند به شرف خطاب حضرت دوست مشرف می شوند! آن هم ندایی که مملو از محبت و عشق است و حکایت از نهایت تقرب و نزدیکی آنها به محضر حضرت حق دارد.

۱. همان، ص ۱۲۳.

۲. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۲، ص ۵۳۵.

امام باقر علیه السلام فرمود:

روزگاری بر مردم می آید که امامشان غایب خواهد بود پس خوشا حال آنان که در آن زمان بر امر (ولایت) ما استوار بمانند. به راستی که کمترین پاداش آنها این است که حضرت پروردگار آنها را ندا می دهد که: ای بندگان من، به سر من (و امام غایب) ایمان آوردید و او را تصدیق کردید پس شما را بشارت باد به پاداش نیکوی من، شما به حقیقت بندگان من هستید. اعمال شما را می پذیرم و از خطاهای شما می گذرم و به (برکت) شما باران را بر بندگانم نازل می کنم و بلا را از ایشان می گردانم و اگر شما (در میان مردم) نبودید حتماً عذاب خود را بر مردم گنهکار می فرستادم.^۱

ولی به راستی چه چیز منتظران را آرام می کند و انتظار آنها را پایان می دهد؟ چه چیز روشنی چشم ایشان است و دل بی قرار آنها را قرار و آرام می بخشد؟ آیا آنان که عمری به جاده انتظار چشم دوخته اند و در همین مسیر با همه سختی هایش راه پیموده اند تا به دشت سرسبز موعود منتظر پای گذارند به پاداشی کمتر از هم نشینی با محبوب و معشوق خود راضی می شوند؟! و چه فرجامی از این زیباتر و چه لحظه ای از این باشکوه تر!

امام کاظم علیه السلام فرمود:

خوشا حال شیعیان ما، آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان دوستی ما، چنگ زنند و بر دوستی، و بیزاری از دشمنانمان استوار بمانند. آنها از ما هستند

و ما از آنها. آنها به پیشوایی ما راضی شدند (و امامت ما را پذیرفتند) و ما نیز به شیعه بودن آنها راضی و خشنود شدیم. خوشا حال ایشان!! به خدا قسم اینان در قیامت با ما و در رتبه و درجه ما خواهند بود.^۱

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵، ص ۴۳.

فصل چہارم

دورانِ ظہور

بخش اول:

جهان در آستانه ظهور

در بخش‌های گذشته درباره غیبت امام دوازدهم و فلسفه آن سخن گفتیم. آن آخرین حجت پروردگار غایب شد تا پس از فراهم شدن زمینه‌ها ظاهر شود و جهان را از پرتو هدایت‌های مستقیم خود بهره‌مند سازد. بشریت می‌توانست در دوران غیبت، به گونه‌ای عمل کند که هر چه زودتر شرایط حضور امام را آماده سازد ولی به خاطر پیروی از شیطان و هوای نفس و دور ماندن از تربیت صحیح قرآنی و نپذیرفتن ولایت و راهبری معصوم علیه السلام به بیراهه رفت و هر روز بنای ستمی را در دنیا قرار داد و ظلم و تباهی را گسترده کرد. با انتخاب این مسیر، به سرانجام بسیار بدی رسید. جهانی پر از ظلم و جور، فساد و تباهی، روزگاری تهی از امنیت اخلاقی و روانی، حیاتی به دور از معنویت و پاکی و اجتماعی پر از تجاوزها و پایمال کردن حقوق زیردستان، محصول عملکرد انسان‌های دوران غیبت شد. واقعیتی که در کلام معصومین از قرن‌ها قبل، پیش بینی شده و تصویر سیاه آن، ترسیم گشته بود.

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود:

هنگامی که بینی ظلم و ستم فراگیر شده، قرآن فراموش گشته و از روی هوا و هوس تفسیر گردیده، اهل باطل بر اهل حق پیشی گرفته، افراد با ایمان سکوت اختیار کرده، پیوند خویشاوندی بریده شده، چاپلوسی فراوان گشته، راههای

خیر بدون رهرو و راههای شر مورد توجه قرار گرفته، حلال، حرام شده و حرام مجاز شمرده شده. سرمایه‌های عظیم در راه خشم خدا (و فساد و ابتذال) صرف گردیده، رشوه خواری در میان کارکنان دولت رایج شده، سرگرمی‌های ناسالم چنان رواج پیدا کرده که هیچ کس جرأت جلوگیری آن را ندارد، شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران آید اما شنیدن باطل سهل و آسان باشد، برای غیر خدا به حج خانه خدا بشتابند، مردم سنگدل شوند (و عواطف بمیرد)، اگر کسی اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند به او توصیه می‌کنند که این کار وظیفه تو نیست، هر سال فساد و بدعتی نو پیدا شود. (هرگاه دیدی اوضاع مردم اینگونه شده) مراقب خویش باش و از خدا نجات و رهایی از این وضع ناهنجار را بخواه (که فرج نزدیک است).^۱

البته این تصویر سیاه از دوران پیش از ظهور، چهره غالب آن دوره است چرا که در همین روزگار هستند دین باوران حقیقی که بر عهد خود با خداوند استوار می‌مانند و مرزهای اعتقاد خود را پاس می‌دارند و در فساد محیط حل نمی‌شوند و سرنوشت خود را به فرجام زشت دیگران پیوند نمی‌زنند. و اینها از بهترین بندگان خدا و شیعیان امامان نور هستند که در روایات فراوان مورد تمجید و ستایش قرار گرفته‌اند. اینان هم خود پاک زیستند و هم دیگران را به پاکی دعوت می‌کنند چون نیک می‌دانند که می‌توان از راه ترویج خوبی‌ها و ساختن محیطی معطر به عطر ایمان، ظهور امام خوبی‌ها را پیش انداخت و مقدمات قیام و حکومت او را فراهم کرد زیرا که زمانی

قیام علیه بدی‌ها ممکن است که مصلح موعود یا ورانی داشته باشد. و این تفکر نقطه مقابل ایده باطل و مردود ترویج فساد برای تعجیل ظهور است. به راستی آیا پذیرفته است که اهل ایمان در برابر زشتی‌ها و بدی‌ها سکوت کنند تا فساد فراگیر شود و از این راه زمینه ظهور فراهم گردد؟ آیا ترویج خوبی‌ها و فضیلت‌ها نمی‌تواند ظهور امام خوبان را نزدیک کند؟

فریضه امر به معروف و نهی از منکر از تکالیف قطعی هر مسلمان است که در هیچ زمان و مکانی قابل چشم پوشی نیست پس چگونه است که به خاطر تعجیل ظهور بتوان مروج ظلم و تباهی شد؟! چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

در پایان این امت (مسلمان) قومی خواهند بود که مانند مسلمانان صدر اسلام اجر خواهند داشت آنها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و با اهل فتنه (و فساد) می‌جنگند.^۱

گذشته از این آنچه در روایات فراوان به آن تصریح شده است، پر شدن جهان از ظلم و ستم است و این به معنی ظالم شدن همه انسان‌ها نیست بلکه همچنان راه خدا، رهروان خود را خواهد داشت و عطر فضیلت‌ها در محیط‌های گوناگون به مشام خواهد رسید.

بنابراین، جهان پیش از ظهور اگرچه دوران تلخی است ولی به دوره شیرین ظهور پایان می‌گیرد و اگر چه روزگار فساد و ستمگری است اما پاک بودن و دیگران را به

۱. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۹.

خوبی‌ها دعوت کردن از وظایف حتمی منتظران است و در تعجیل فرج آل محمد علیهم‌السلام تأثیر مستقیم دارد.

این بخش را با سخنی از امام مهدی علیه‌السلام به پایان می‌بریم که فرمودند:

ما را از شیعیان باز نمی‌دارد مگر آنچه از کردارهای آنان که به ما می‌رسد و ما را ناخوشایند است و از آنان روانمی‌دانیم.^۱

بخش دوم:

زمینه‌های ظهور و علائم آن

ظهور امام مهدی علیه السلام شرایط و نشانه‌هایی دارد که از آنها به عنوان زمینه‌های ظهور و علائم آن یاد می‌شود تفاوت این دو آن است که زمینه‌ها در تحقق ظهور تأثیر واقعی دارند به گونه‌ای که با فراهم شدن آنها ظهور امام اتفاق می‌افتد و بدون آن ظهور نخواهد بود. ولی علائم در ظهور نقشی ندارند بلکه تنها نشانه‌هایی هستند که به وسیله آنها می‌توان به اصل ظهور و یا نزدیک شدن آن پی برد.

با توجه به تفاوت یاد شده به خوبی می‌توان دریافت که زمینه‌ها و شرایط نسبت به علائم و نشانه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردارند بنابراین لازم است که بیش از آنکه به دنبال علائم باشیم به زمینه‌ها توجه کنیم و در حد توان خود در تحقق آنها بکوشیم. به همین جهت ما ابتدا زمینه‌ها و شرایط ظهور را توضیح می‌دهیم و در پایان به اختصار برخی از علائم ظهور را برخواهیم شمرد.

زمینه‌های ظهور

هر پدیده‌ای در جهان با فراهم آمدن شرائط و زمینه‌های آن به وجود می‌آید و بدون تحقق زمینه‌ها امکان وجود برای هیچ موجودی نخواهد بود. هر زمینی قابلیت پرورش دانه را ندارد و هر آب و هوایی مناسب بارش هر گیاه و نباتی نیست. وقتی

کشاورز می‌تواند انتظار برداشت خوب از زمین داشته باشد که شرایط لازم برای به دست آمدن محصول را تهیه کرده باشد.

بر این اساس هر انقلاب و رویداد اجتماعی نیز به زمینه‌ها و شرایط آن بستگی دارد؛ همانگونه که انقلاب اسلامی ایران نیز با فراهم آمدن مقدمات آن به پیروزی رسید. قیام و انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام که بزرگترین حرکت جهانی است نیز پیرو همین اصل است و بدون تحقق زمینه‌ها و شرایط آن به وقوع نخواهد پیوست.

مقصود از این سخن آن است که تصور نشود امر قیام و حکومت امام مهدی علیه السلام از روابط حاکم بر جهان آفرینش مستثنی است و حرکت اصلاحی آن بزرگوار از راه معجزه و بدون اسباب و عوامل عادی به سرانجام می‌رسد. بلکه بر اساس تعالیم قرآن و پیشوایان معصوم علیهم السلام، سنت الهی بر این قرار گرفته که امور عالم از مجرای طبیعی و علل و اسباب عادی انجام گیرد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند امتناع دارد از اینکه امور را جز از راه اسباب (آن) فراهم آورد.^۱

و در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که شخصی به ایشان عرض کرد:

می‌گویند زمانی که امام مهدی علیه السلام قیام کند همه امور بر وفق مراد او

خواهد بود.

حضرت فرمود: هرگز چنین نیست. قسم به آنکس که جانم در دست اوست اگر

بنا بود برای کسی کارها خود به خود درست شود همانا برای رسول خدا صلی الله علیه و آله

چنین می‌شد.^۲

۱. میزان الحکمة، ج ۵، ح ۸۱۶۶.

۲. غیبت نعمانی، باب ۱۵، ح ۲.

البته سخن فوق بدین معنی نیست که در قیام بزرگ مهدوی، امدادهای غیبی و آسمانی وجود نخواهد داشت بلکه مقصود آن است که در کنار امدادهای الهی، زمینه‌ها و عوامل و شرایط عادی نیز باید فراهم شود.

با این مقدمه ابتدا باید زمینه‌های ظهور را بشناسیم و سپس در راه تحقق آنها گام برداریم.

مهمترین زمینه‌های قیام و انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام چهار چیز است که هر یک را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف. طرح و برنامه

روشن است که هر قیام و حرکت اصلاحی به دو برنامه نیاز دارد:

۱. برنامه‌ای جامع برای مبارزه با ناهنجاری‌های موجود از طریق سازماندهی بهتر نیروها.
۲. قانونی کامل و متناسب با همه نیازهای جامعه که ضامن تمام حقوق فردی و اجتماعی در یک نظام عادلانه حکومتی باشد و حرکت رو به رشد اجتماع را برای رسیدن به وضعیت آرمانی، ترسیم کند.

تعالیم قرآن کریم و سنت معصومین علیهم السلام که همان اسلام ناب است به عنوان بهترین قانون و برنامه در اختیار امام عصر علیه السلام است و آن حضرت بر اساس این منشور جاوید الهی عمل خواهد کرد^۱ کتابی که مجموعه آیات آن توسط خداوند بزرگ که آگاه به تمام زوایای حیات آدمی و نیازهای مادی و معنوی اوست نازل گشته است. بنابراین

۱. امام باقر علیه السلام در توصیف امام مهدی علیه السلام فرمود: *يعمل بكتاب الله، لا يرى نكرا الا انكره* بر اساس کتاب خدا (قرآن) عمل خواهد کرد و هیچ زشتی را نمی‌بیند مگر اینکه آن را انکار می‌کند. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۱.

انقلاب جهانی او از نظر برنامه و قانون حکومتی، دارای پشتوانه‌ای بی نظیر است و با هیچ حرکت و جنبش اصلاحی دیگری قابل مقایسه نیست. شاهد این ادعا آن است که جهان امروز پس از تجربه قوانین بشری به ضعف و سستی آنها اقرار و اعتراف کرده است و به تدریج آماده پذیرش قوانین آسمانی می‌گردد.

«آلویس تافلر»، مشاور سیاستمداران آمریکا برای حل این بحران و اصلاح جامعه جهانی، نظریه «موج سوم»^۱ را ارائه کرده است؛ ولی در عین حال اعترافات شگفت‌آوری در این زمینه دارد:

«فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است، تمامی ندارد. با دیدن فروپاشی پی‌پی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع به درون غرقاب بی‌کفایتی و فساد، بوی انحطاط اخلاقی آن نیز مشام را می‌آزارد. در نتیجه موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است. در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح ارائه می‌شود که همگی ادعا دارند اساسی و بنیادی یا حتی انقلابی‌اند؛ اما بارها و بارها، مقررات و قوانین، طرح‌ها و دستورالعمل‌های جدید - که همگی به منظور حل مشکلات ما تهیه و تدوین شده‌اند - کمانه می‌کنند و بروخامت مشکلات ما می‌افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می‌زنند که هیچ فایده‌ای ندارد و مؤثر نیست. این احساس برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیاز شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل‌ها را هر چه بیشتر دامن می‌زند».^۲

۱. ایشان معتقد است تا به حال دو انقلاب کشاورزی و صنعتی تحول عظیمی در جهان ایجاد کرده و موج سوم که انقلاب الکترونیکی و فراصنعتی است در راه است.

۲. فصلنامه انتظار، سال دوم، ش ۳، ص ۹۸ (به نقل از به سوی تمدن جدید، تافلر، محمد رضا جعفری).

ب: رهبری

در همه قیام‌ها، نیاز به رهبر از ابتدایی‌ترین ضرورت‌های قیام شمرده می‌شود و هر چه قیام وسیع‌تر و دارای اهداف بلندتری باشد، نیاز به رهبری توانا و متناسب با آن اهداف بیشتر احساس می‌شود.

در مسیر مبارزه جهانی با ظلم و ستم و حاکمیت عدالت و مساوات در کره زمین وجود رهبری آگاه و توانا و دلسوز که از مدیریتی صحیح و قاطع برخوردار باشد رکن اصلی و اساسی انقلاب است. حضرت مهدی علیه السلام که عصاره انبیاء و اولیاء است به عنوان رهبر قیام بزرگ زنده و حاضر است او تنها رهبری است که به دلیل ارتباط با عالم غیب، به همه هستی و روابط موجود در آن آگاهی کامل دارد و داناترین انسانهای زمان خویش است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

آگاه باشید که مهدی علیه السلام وارث تمام علوم است و بر تمام دانش‌ها احاطه دارد.^۱

او یگانه رهبری است که از همه قید و بندها آزاد بوده و تنها دل در گرو رضایت آفریدگار عالم دارد.

بنابراین قیام و حکومت جهانی از نظر رهبر و پیشوانیز در بهترین شرایط قرار دارد.

ج. یاران

یکی دیگر از زمینه‌ها و شرایط لازم برای تحقق ظهور، وجود یاورانی شایسته و

۱. نجم الثاقب، ص ۱۹۳.

لایق برای پشتیبانی از قیام و انجام کارهای حکومت جهانی است بدیهی است وقتی انقلابی جهانی به وسیله رهبری آسمانی روی می دهد یاورانی متناسب با آن می خواهد و اینگونه نیست که هر کس ادعای یاوری کند بتواند در آن میدان، حضور یابد. در این باره به جریان زیر توجه کنید:

یکی از شیعیان امام صادق علیه السلام به نام سهل بن حسن خراسانی به آن حضرت می گوید:

چه چیز شما را بازداشته است از اینکه حق مسلم خود (حکومت) را به دست بگیرید در حالی که صد هزار شیعه ی پا در رکاب و شمشیر زن در اختیار شماست؟ امام دستور می دهند تا تنور آتشی فراهم شود و چون شعله های آتش بالا می گیرد به سهل می فرمایند: ای خراسانی برخیز و در تنور بنشین سهل که گمان کرده است امام از او خشمگین شده، شروع به عذر خواهی می کند و می گوید: آقا مرا ببخشید و به آتش شکنجه ام نکنید!! امام می فرماید: از تو گذشتم.

در این حال هارون مکی از شیعیان راستین حضرت وارد می شود و سلام می کند. امام صادق علیه السلام به او پاسخ می دهد و بدون هیچ مقدمه ای به او می فرماید: در درون تنور بنشین!

هارون مکی بی درنگ و بدون هیچ پرسشی، این کار را انجام می دهد! امام صادق علیه السلام در همان حال با مرد خراسانی گفتگو می کند و درباره خراسان خبرهایی می دهد چنانکه گویی خود شاهد آن بوده است و پس از مدتی به سهل می فرماید: برخیز ای خراسانی و داخل تنور را نگاه کن! سهل برخاسته و داخل

تنور را نگاه می‌کند و هارون را می‌بیند که در میان شعله‌های آتش چهار زانو نشسته است!

آنگاه امام علیه السلام از او می‌پرسد: در خراسان، چند نفر مثل هارون می‌شناسی؟! خراسانی می‌گوید: به خدا قسم، یک نفر هم اینگونه سراغ ندارم حضرت می‌فرماید: آگاه باش! ما در زمانی که پنج نفر یاور و پشتیبان پیدا نکنیم قیام نمی‌کنیم. ما بهتر می‌دانیم که کدام زمان، زمان قیام است!^۱

بنابراین جا دارد صفات و ویژگی‌های یاوران امام مهدی علیه السلام را در آئینه روایات پیشوایان دینی مرور کنیم تا بدین وسیله جایگاه خود را شناخته و در پی رفع کمبودهای خود باشیم.

۱- معرفت و اطاعت

یاران مهدی علیه السلام از شناخت عمیق نسبت به خداوند و امام خود برخوردارند و با آگاهی کامل در میدان حق حضور یافته‌اند. امام علی علیه السلام درباره آنها فرموده است:

مردانی که خدا را چنان که شایسته است شناخته‌اند.^۲

شناخت و اعتقاد آنان نسبت به امام نیز در ژرفای وجودشان ریشه دوانیده و سراسر وجودشان را فرا گرفته است این شناختی فراتر از دانستن نام و نشان و نسب امام است. معرفت به حق ولایت امام و جایگاه بلند او در مجموعه هستی است و این

۱. سفینه البحار، ج ۸، ص ۶۸۱.

۲. منتخب الاثر، فصل ۸، باب ۱، ح ۲، ص ۶۱۱.

همان معرفتی است که آنها را سرشار از محبت او کرده و مطیع و گوش به فرمان او قرار داده است؛ زیرا که می‌دانند سخن امام سخن خدا و اطاعت از او اطاعت از خداست. پیامبر ﷺ در توصیف آنها فرموده است:

آنها در اطاعت از امام خویش می‌کوشند.^۱

۲. عبادت و صلابت

یاوران مهدی در عبادت از پیشوای خود الگو گرفته‌اند و روزها و شب‌ها را با ذکر شیرین حق سپری می‌کنند امام صادق علیه السلام درباره آنها فرمود:

شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند^۲ و در سخنی دیگر فرمود: بر فراز اسب‌ها، خدا را تسبیح می‌گویند.^۳

و همین ذکر خداست که از آنان مردانی آهنین ساخته است که هیچ چیز صلابت و استواری آنها را در هم نمی‌کشد امام صادق علیه السلام فرمود:

آنان مردانی هستند که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است.^۴

۳. جان نثاری و شهادت طلبی

معرفت عمیق یاران، نسبت به امام مهدی، دل‌های آنها را مملوّ از عشق به امام می‌کند بنابراین در میدان رزم او را چون نگینی در میان می‌گیرند و جان خود را سپر بلای او می‌کنند.

۱. یوم الخلاص، ص ۲۲۳.

۲. یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۴. همان.

امام صادق علیه السلام فرمود:

(یاران مهدی) در میدان رزم در اطراف او می چرخند و با جان خود از او محافظت می کنند.^۱

و نیز فرمود: آنها آرزو می کنند که در راه خدا به شهادت برسند.^۲

۴. شجاعت و دلیری

یاران مهدی علیه السلام مانند مولایشان افرادی شجاع و مردانی پولادین هستند امام علی علیه السلام در وصف آنها فرمود:

همه آنها شیرانی هستند که از بیشه ها بیرون شده اند و اگر اراده کنند کوهها را از جا می کنند.^۳

۵. صبر و بردباری

بدیهی است که مبارزه علیه ظلم جهانی و برقراری حکومت عدل جهانی بارنج و مشقت های فراوان همراه است و یاوران امام در راه تحقق آرمان های جهانی امام مهدی علیه السلام مشکلات و ناگواریها را به جان می خرند ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را ناچیز می شمارند.

امام علی علیه السلام می فرماید:

آنها گروهی هستند که به خاطر صبر و بردباری در راه خدا، بر خداوند منت

۱. همان.

۲. همان.

۳. یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

نمی‌گذارند. و از این که جان خویش را تقدیم آستان حضرت حق می‌کنند، به خود نمی‌بالند و آن را بزرگ نمی‌شمارند.^۱

۶. اتحاد و همدلی

امام علی علیه السلام در توصیف همدلی و اتحاد یاران امام چنین می‌فرماید:
ایشان یکدل و هماهنگ هستند.^۲

این یکدلی به سبب آن است که خودخواهی‌ها و خواسته‌های شخصی در وجود آنان نیست آنها با اعتقادی صحیح در زیر یک پرچم و برای یک هدف، قیام می‌کنند و این خود یکی از عوامل پیروزی آنها بر جبههٔ مقابل می‌باشد.

۷. زهد و پارسایی

امام علی علیه السلام در وصف یاران مهدی علیه السلام فرموده است:

او از یارانش بیعت می‌گیرد که طلا و نقره‌ای نیندوزند و گندم و جوی ذخیره نکنند.^۳

آنان اهداف بلندی دارند و برای آرمانی بزرگ برخاسته‌اند و مادیات دنیا نباید آنها را از اهداف و آرمان‌ها باز دارد. بنابراین آنها که با دیدن زرق و برق دنیا، چشمهایشان خیره می‌شود و دلهایشان می‌لرزد در میان یاوران ویژه امام مهدی علیه السلام جایی ندارند. آنچه گذشت بخشی از ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام بود و به جهت

۱. همان، ص ۲۲۴.

۲. همان، ص ۲۲۳.

۳. منتخب‌الاثار، فصل ۶، باب ۱۱، ح ۴، ص ۵۸۱.

برخورداری از این خصوصیات، در روایات از آنان به بزرگی یاد شده است و پیشوایان معصوم علیهم السلام زبان به ستایش و بزرگداشت آنان گشوده‌اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف آنان فرموده است:

أُولَئِكَ هُم خِيَارُ الْأُمَّةِ.

آنان بهترین امت (من) هستند.^۱

و در سخنی دیگر امام علی علیه السلام فرموده است:

فَبَابِي وَأُمِّي مِنْ عِدَّةٍ قَلِيلَةٍ أَسْمَائُهُمْ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ.^۲

پدر و مادرم فدای گروه اندکی باد که در زمین ناشناخته‌اند.

البته یاوران مهدی علیه السلام بر طبق لیاقت و شایستگی‌ها در رده‌های مختلف قرار می‌گیرند و در روایات آمده است که آن حضرت علاوه بر ۳۱۳ نفر یار ویژه که کادر اصلی قیام را تشکیل می‌دهند، از لشکری ۱۰ هزار نفری نیز برخوردار است و به علاوه خیل عظیم مؤمنان منتظر به یاری او خواهند شتافت.

د: آمادگی عمومی

در مقاطع مختلف تاریخ امامان معصوم علیهم السلام، این حقیقت مشاهده می‌شود که مردم آمادگی لازم برای استفاده بهتر از حضور امام را نداشتند. آنان در زمان‌های گوناگون فیض محضر معصوم را قدر ندانستند و از زمزم جاری هدایت‌های او آنچنان که بایسته بود بهره نبردند. خداوند متعال آخرین حجت حق را پنهان کرد تا هر زمان که آمادگی

۱. یوم الخلاص، ص ۲۲۴.

۲. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۱۰۱.

عمومی برای پذیرش او فراهم شد ظاهر شود و همگان را از سرچشمه معارف الهی سیراب سازد.

بنابراین وجود آمادگی از شرایط بسیار مهم برای ظهور مصلح موعود است چرا که با وجود آمادگی است که حرکت اصلاحی آن حضرت به نتیجه مطلوب خواهد رسید.

در قرآن کریم درباره گروهی از بنی اسرائیل که از ظلم و ستم جالوت که فرمانروایی ستمگر بود به ستوه آمده بودند آمده است که از پیامبر زمان خود خواستند که برای آنها فرماندهی را برگزیند تا تحت فرمان او به نبرد با جالوت پردازند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ
لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ
عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَ مَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَدْ
أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَانِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا
مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ^۱

آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم. (پیامبر آنها) گفت: شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود (سریچی کنید و) در راه خدا جهاد و پیکار نکنید. گفتند: چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم در حالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده

شده‌ایم (و شهرهای ما به وسیله دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده‌اند)؟
اما هنگامی که دستور پیکار به آنها داده شد، جز عده کمی از آنان، همه
سریچی کردند. و خداوند از ستمکاران آگاه است.

خواستن فرمانده برای جنگ، نوعی آمادگی را در آنها نشان می‌داد اگر چه تعداد
فراوانی در بین راه سست شدند و عده کمی تا پایان مبارزه ماندند.

پس امر ظهور زمانی است که همه از عمق جان خواهان عدالت اجتماعی، امنیت
اخلاقی و روانی و رشد و شکوفایی معنوی باشند؛ وقتی مردم از بی عدالتی‌ها و
تبعیض‌ها خسته شوند و ببینند که آشکارا حقوق ضعیفان به وسیله صاحبان قدرت و
ثروت پایمال می‌گردد و امکانات مادی در انحصار عده‌ای محدود است و درست در
همان زمان که بسیاری از افراد اجتماع نیازمند نان شب هستند گروهی دیگر برای
خود کاخ‌های سازند و در محافل خود، هزینه‌هایی سرسام‌آور غذایی و رفاهی به بار
می‌آورند، در چنین محیطی عطش عدالت خواهی به اوج می‌رسد.

زمانی که فساد اخلاقی در انواع مختلف رواج پیدا کند و افراد در انجام کارهای ضد
اخلاقی بر یکدیگر سبقت بگیرند بلکه به اعمال زشت خود افتخار کنند و یا چنان از
اصول الهی و انسانی فاصله بگیرند که بعضی از اعمال منافی عفت را قانونی کرده و در
نتیجه نظام اصیل خانواده را سست کنند و فرزندان بی سرپرست را به دامن اجتماع
بریزند، اشتیاق به ظهور پیشوایی که حاکمیت او، امنیت و سلامتی اخلاقی و روانی را
به بشریت هدیه خواهد کرد، فراوان می‌شود. و آنگاه که مردم همه لذت‌های مادی را
تجربه کنند ولی از زندگی و حیات خود راضی نباشند و در پی جهانی برخوردار از

معنویت باشند، تشنهٔ آبشارِ لطفِ امام علیه السلام می‌شوند.

بدیهی است که شوق درک حضور امام، زمانی به اوج می‌رسد که بشریت با تجربه کردن دولت‌ها و نظام‌های مختلف بشری به این حقیقت برسد که تنها نجات‌دهنده عالم از فساد و تباهی، خلیفه و جانشین خدا در زمین حضرت مهدی علیه السلام است و یگانه برنامه‌ای که حیات پاک و طیبه را برای انسان‌ها به ارمغان می‌آورد قوانین الهی است. بنابراین با همه وجود نیاز به امام را درک کنند و به دنبال این درک، برای فراهم شدن زمینه‌های ظهور او تلاش کنند و موانع را از سر راه او بردارند. و در این زمان است که فرج و گشایش فرا می‌رسد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در توصیف آخر الزمان و دوران پیش از ظهور فرمود:

[زمانی می‌رسد] که انسان مؤمن هیچ پناهگاهی نمی‌یابد که از شر ظلم و تباهی به آن پناه برد پس [در آن زمان] خداوند عزوجل مردی از خاندان مرا بر می‌انگیزد.^۱

علائم ظهور

قیام و انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام نشانه‌هایی دارد. دانستن این علائم، آثار مهمی در پی خواهد داشت. از آنجا که این نشانه‌ها نوید بخش فرج مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است، وقوع هر یک از آنها نور امید را در دل‌های منتظران، پر فروغ‌تر خواهد کرد و برای معاندان و منحرفان مایهٔ تذکر و هشدار خواهد بود تا از بدی و تباهی دست

بردارند همچنان که منتظران را برای درک ظهور و کسب قابلیت همراهی و حضور در کنار معصوم علیه السلام مهیّاتر خواهد کرد. علاوه بر اینکه آگاهی از اتفاقاتی که در آینده رخ خواهد داد می تواند ما را در برنامه ریزی مناسب برای مواجهه بهتر با آنها یاری دهد، همانگونه که این علائم معیار خوبی برای تشخیص مدعیان دروغین مهدویت است بنابراین اگر کسی ادعای مهدویت کرد ولی قیام او همراه با این علائم نبود به سادگی می توان به دروغگو بودن او پی برد.

در روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام علائم فراوانی برای ظهور ذکر شده است که بعضی از آنها پدیده های طبیعی و عادی و بعضی غیر عادی و معجزه آسا هستند. ما از میان این علائم ابتدا آنهایی را که در منابع معتبر و روایات بیشتر به صورت برجسته ذکر شده را بیان می کنیم و در پایان تعدادی از علائم دیگر را به اختصار برخواهیم شمرد.

امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده اند:

«[قیام] قائم علیه السلام پنج نشانه دارد: خروج سفیانی، یمانی، ندای آسمانی، کشته

شدن نفس زکیّه و خسف بیداء.»^۱

اکنون با توجه به روایات، علائم پنجگانه یاد شده را که در روایات متعدد تکرار شده است توضیح می دهیم گرچه تمام جزئیات حوادث مربوط به آنها برای ما قطعی نیست.

الف. خروج سفیانی

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۹، ص ۲۶۱.

خروج سفیانی از علائمی است که در روایات فراوانی به آن اشاره شده است. سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که اندکی پیش از ظهور از سرزمین شام قیام می‌کند. او جنایت کاری است که از قتل و کشتار هیچ پروایی ندارد و با دشمنان خود به شکل فجیعی رفتار می‌کند.

امام صادق علیه السلام در توصیف او می‌فرماید:

«اگر سفیانی را ببینی پلیدترین مردم را مشاهده کرده‌ای»^۱

آغاز قیام او ماه رجب است. وی پس از تصرف شام و مناطق اطراف آن به عراق حمله کرده و در آنجا به کشتار گسترده‌ای دست می‌زند.

بر اساس بعضی از روایات از خروج تا کشته شدن او پانزده ماه به طول می‌انجامد.^۲

ب. خسف بیداء

خسف به معنای فرو رفتن است و بیداء منطقه‌ای میان مکه و مدینه است.

مقصود از خسف بیداء این است که سفیانی، لشگری را برای مقابله با امام مهدی علیه السلام به سمت مکه گسیل می‌دارد. هنگامی که لشگر او به منطقه بیداء رسید به صورتی معجزه آسا در زمین فرو می‌رود.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

«به فرمانده سپاه سفیانی خبر می‌رسد که مهدی علیه السلام به سوی مکه رفته است،

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۷، ح ۱۰، ص ۵۵۷.

۲. غیبت نعمانی، باب ۱۸، ح ۱، ص ۳۱۰.

پس لشگری را در پی او روانه می‌کند ولی او را نمی‌یابد... چون لشکر سفیانی به سرزمین بیداء رسید ندا دهنده‌ای از آسمان آواز می‌دهد: «ای سرزمین بیداء آنان را نابود کن» پس آن سرزمین لشکر را در خود فرو می‌برد.^۱

ج. خروج یمانی

قیام سرداری از سرزمین یمن یکی دیگر از علائم است که اندکی پیش از ظهور رخ خواهد داد. وی که مردی صالح و مؤمن است علیه بدی‌ها و انحرافات قیام می‌کند و با تمام توان با بدی‌ها و تباهی‌ها مبارزه می‌کند. البته جزئیات حرکت و اقدامات او برای ما چندان روشن نیست.

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

«...در میان بیرق‌هایی که قبل از قیام مهدی علیه السلام بلند می‌شود [پرچمی هدایت‌کننده‌تر از پرچم یمانی وجود ندارد که آن پرچم هدایت است چون به سوی صاحب شما (امام مهدی علیه السلام) دعوت می‌کند.^۲»

د. صیحه آسمانی

یکی دیگر از علائمی که پیش از ظهور اتفاق می‌افتد صیحه آسمانی است. این ندای آسمانی که بر اساس بعضی از روایات ندای جبرئیل علیه السلام است در ماه رمضان شنیده می‌شود^۳ و از آنجا که قیام مصلح کل، انقلابی جهانی است و همگان منتظر وقوع

۱. همان، باب ۱۴، ج ۶۷، ص ۲۸۹.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۶۴.

۳. همان، ص ۲۶۲.

آن هستند؛ یکی از راه‌های آگاهی مردم جهان از این رویداد همین ندای آسمانی خواهد بود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«قیام قائم علیه السلام تحقق نمی‌یابد مگر اینکه ندا دهنده‌ای از آسمان ندایی دهد که اهل مشرق و مغرب آن را بشنوند».^۱

این صیحه همچنانکه مایه شادمانی مؤمنان است هشدار برای بدکاران است تا از کردار زشت خود دست کشیده و به حلقه یاوران مصلح جهانی پیوندند. در باره محتوای این ندای آسمانی روایات مختلفی رسیده است از جمله امام صادق علیه السلام فرمود:

«ندا دهنده‌ای از آسمان به نام قائم علیه السلام و نام پدرش آواز می‌دهد».^۲

ه. قتل نفس زکیه

نفس زکیه به معنای شخص به رشد و کمال رسیده و یا انسان پاک و بی‌گناهی است که قتلش انجام نداده است و مقصود از قتل نفس زکیه این است که اندکی پیش از قیام امام مهدی علیه السلام شخصیت برجسته و یا بی‌گناهی بدست مخالفان حضرت کشته می‌شود.

زمان این رخداد بر اساس بعضی از روایات ۱۵ شب پیش از قیام امام مهدی علیه السلام است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

۱. همان، ج ۱۴، ص ۲۶۵.

۲. همان، باب ۱۰، ج ۲۹، ص ۱۸۷.

بین قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و کشته شدن نفس زکیه تنها ۱۵ شب فاصله است.^۱

علائم فراوان دیگری نیز در روایات ذکر شده است که بعضی از آنها عبارتند از: خروج دجال (موجودی حيله گر و پلید که بسیاری از انسان‌ها را گمراه می‌کند)، خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی در ماه مبارک رمضان، آشکار شدن فتنه‌ها و قیام مردی از خراسان.

گفتنی است توضیح و تحلیل این نشانه‌ها در کتاب‌های مفصل، بیان شده است.^۲

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۷، ح ۲، ص ۵۵۴.

۲. ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۲، صص ۱۸۱ الی ۲۷۸.

بخش سوّم:

ظهور

وقتی سخن از ظهور به میان می‌آید احساس دلپذیری به آدمی دست می‌دهد. گویی در فضای باغی سبز و کنار نهری جاری نشسته است و به آواز خوش بلبلان گوش می‌دهد. آری ظهور زیبایی‌ها و انتشار خوبی‌ها جان و تن خستگان را نشاط می‌بخشد و برق شادی در چشمان امیدواران روشن می‌کند.

در این بخش درباره ظهور مهدی علیه السلام و آنچه در سایه سار حضور عینی او رخ خواهد داد سخن می‌گوییم و به تماشای جمال بی‌مثالش بی‌حجاب غیبت می‌نشینیم.

زمان ظهور

یکی از سئوالاتی که همواره ذهن بسیاری از مردم را به خود مشغول کرده این است که امام زمان علیه السلام چه زمانی ظهور می‌کند و آیا برای ظهور وقتی تعیین شده است؟ پاسخ این است که بر اساس سخنان پیشوایان دینی زمان ظهور بر مردم مخفی است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

«مانه در گذشته برای ظهور وقتی را تعیین کردیم و نه در آینده وقت تعیین می‌کنیم»^۱.

۱. غیبت طوسی، فصل ۷، ح ۴۱۲، ص ۴۲۶.

بنابراین کسانی که برای ظهور زمان مشخصی را تعیین می‌کنند فریب کار و دروغگو هستند این مطلب در روایات مورد تأکید قرار گرفته است.
امام باقر علیه السلام به یکی از اصحاب خود که از زمان ظهور سؤال کرد فرمود:

وقت گذاران دروغ می‌گویند، وقت گذاران دروغ می‌گویند وقت گذاران دروغ می‌گویند.^۱

از اینگونه روایات به خوبی می‌توان به این نکته پی برد که همواره کسانی بوده‌اند که با انگیزه‌های شیطانی برای ظهور زمان تعیین می‌کرده‌اند و چنین افرادی در آینده هم وجود خواهند داشت. به همین جهت پیشوایان معصوم علیهم السلام از شیعیان خواسته‌اند که در برابر وقت گذاران بی تفاوت نباشند بلکه آنها را تکذیب نمایند.
امام صادق علیه السلام در این زمینه به یکی از اصحاب خود فرمود:

«از تکذیب کردن کسی که برای ظهور وقت تعیین می‌کند هیچ پروایی نداشته باش چرا که ما برای کسی وقت ظهور را تعیین نکرده‌ایم.»^۲

راز نهان بودن زمان ظهور

چنانکه گفته شد بر اساس اراده خداوند حکیم زمان ظهور بر ما مخفی است و بدون تردید این مسأله به جهت حکمت‌هایی است که برخی از آنها را می‌آوریم:

۱. همان، ج ۴۱۱، ص ۴۲۵.

۲. همان، ج ۴۱۴، ص ۴۲۶.

تداوم امید

وقتی زمان ظهور پنهان باشد نور امید در دل منتظران همه عصرها باقی خواهد ماند و با این امید پیوسته و مداوم است که می‌توانند در برابر سختی‌ها و فشارهای دوران غیبت مقاومت کنند. به راستی اگر به شیعیان سده‌های گذشته گفته می‌شد که ظهور در زمان شمارخ نمی‌دهد بلکه در آینده دور اتفاق خواهد افتاد، آنها با کدام امید در برابر فتنه‌های روزگار خود مقاومت می‌کردند و چگونه می‌توانستند گذرگاه‌های تنگ و تاریک دوران غیبت را به سلامت پشت سر بگذارند؟

زمینه سازی

بدون تردید انتظار سازنده که از مهم‌ترین عوامل فعالیت و پویایی است تنها در سایه مخفی بودن زمان ظهور شکل خواهد گرفت زیرا با مشخص بودن زمان ظهور کسانی که می‌دانند ظهور را درک نمی‌کنند انگیزه‌ای برای تحرک و زمینه سازی نخواهند داشت و به سکون و رکود روی خواهند آورد.

حال آنکه با پنهان بودن زمان ظهور، انسان‌های همه عصرها و دوران‌ها به امید اینکه ظهور را در زمان خود ببینند تلاش می‌کنند تا زمینه‌های ظهور را فراهم کنند و جامعه خود را به جامعه‌ای صالح و پویا تبدیل نمایند.

به علاوه در صورت معین بودن وقت ظهور چنانچه برای مصالحی ظهور در زمان وعده داده شده رخ ندهد چه بسا افرادی در اصل اعتقاد به امام مهدی علیه السلام دچار تردید شوند.

امام باقر علیه السلام در پاسخ این سؤال که آیا ظهور وقت مشخصی دارد فرموده است:

کسانی که وقت تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند، (و این سخن را تکرار فرمود)
 زمانی که موسی علیه السلام به دعوت پروردگار به مدت سی روز از میان قوم خود
 بیرون رفت و خداوند بر آن سی روز، ده روز دیگر افزود قوم او گفتند: موسی به
 وعده خود وفا نکرد و آنچه نباید می‌کردند، کردند. [از دین برگشتند و گوساله
 پرست شدند]^۱

هنگامه قیام

همه می‌خواهند بدانند که در جریان قیام جهانی امام مهدی علیه السلام چه حوادثی روی
 می‌دهد، حرکت امام از کجا و چگونه آغاز می‌شود، شیوه برخورد امام با گروه‌های
 مخالف چگونه است و بالاخره چگونه آن حضرت بر تمامی جهان غلبه خواهد کرد
 و رشته امور جهان را به دست خواهد گرفت اینها و سؤالات دیگری مانند اینها فکر و
 اندیشه هر انسان مشتاق ظهور را به خود مشغول می‌کند. ولی واقعیت این است که
 سخن گفتن درباره حوادث مربوط به قیام آخرین امید بشریت کاری بسیار مشکل
 است؛ چون گزارش دادن از آینده و اتفاقاتی است که هنوز واقع نشده است و به طور
 طبیعی نمی‌توان اطلاع دقیقی از آن رویدادها داشت.

بنابراین آنچه در این بخش می‌آوریم حوادث و رخدادهای روزگار ظهور امام
 مهدی علیه السلام است که برابر روایات در کتاب‌های متعدد نقل گردیده است و تنها می‌تواند
 دور نمایی کلی از رویدادهای ایام ظهور را پیش روی خوانندگان ترسیم کند.

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۶، ح ۱۳، ص ۳۰۵.

چگونگی قیام

وقتی ظلم و تباهی چهرهٔ عالم را سیاه و ظلمانی کرده است و آنگاه که ستمگران گسترهٔ زمین را جولانگهٔ بدی‌ها و نامردی‌ها ساخته‌اند و مظلومان جهان، دستهای یاری خواهی را به آسمان گشوده‌اند؛ ناگهان ندایی آسمانی، سیاهی شب را می‌درد و در ماه خدا، رمضان، ظهور موعود بزرگ را بشارت می‌دهد^۱، قلب‌ها به تپش می‌افتد و چشم‌ها خیره می‌گردد! شب پرستان، مضطرب و هراسان از طلوع صبح ایمان، در پی راه چاره‌ای هستند و منتظران مهدی علیه السلام از هر کسی سراغ کوی یار می‌گیرند و برای دیدار او و حضور در زمرهٔ یاوران او سر از پانمی‌شناسند.

در آن زمان، سفیانی که بر منطقهٔ وسیعی مانند سوریه، اردن و فلسطین سلطه دارد سپاهی را تجهیز می‌کند تا با امام مقابله کند. لشکر سفیانی که در مسیر مکه به تعقیب امام پرداخته است در محلی به نام بیداء به کام زمین می‌رود و نابود می‌گردد.^۲

پس از شهادت نفس زکیه به فاصلهٔ کوتاهی، امام مهدی علیه السلام در سیمای مردی جوان در مسجد الحرام ظهور می‌کند در حالی که پیراهن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله را بر تن دارد و پرچم پیامبر را به دست گرفته است. او به دیوار کعبه تکیه می‌زند و در بین رکن و مقام سرود ظهور را زمزمه می‌کند و پس از حمد و ثنای الهی و درود و سلام بر پیامبر و خاندان او می‌فرماید:

ای مردم ما از خدای توانا یاری می‌طلبیم و نیز هر کس از جهانیان را که به ندای ما

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۱۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰.

پاسخ دهد به یآوری می خوانیم.

آنگاه خود و خاندانش را معرفی می کند و ندا می دهد:

قَالَ اللَّهُ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَانصُرُونَا يَنْصُرَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى.

درباره رعایت حقوق ما، خدا را در نظر بگیرید. ما را [در میدان عدالت گستری و ستم ستیزی] تنها نگذارید و یاریمان کنید که خدا شما را یاری خواهد کرد.

پس از پایان گرفتن سخنان امام، آسمانیان بر زمینیان سبقت می گیرند و گروه گروه فرود می آیند و با امام بیعت می کنند در حالی که پیشاپیش آنها فرشته وحی، جبرئیل با امام دست همراهی می دهد. آنگاه ۳۱۳ ستاره زمینی که از نقاط مختلف عالم به سرزمین وحی آمده اند بر گرد خورشید تابناک امامت حلقه زده و پیمان وفاداری می بندند و این جریان سبز جاری است تا آنکه ده هزار سرباز جان بر کف در اردوگاه امام علیه السلام حضور می یابند و با آن فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت می کنند.^۱

امام علیه السلام با خیل یاوران، پرچم قیام را برافراشته و به سرعت بر مکه و اطراف آن مسلط می شوند و سرزمین پیامبر را از وجود نااهلان، پاک می کنند. آنگاه راهی مدینه می شود تا سایه عدالت و مهر را بر آن بگستراند و سرکشان شهر را بر جای خود بنشانند. سپس عازم عراق گشته و شهر کوفه را به عنوان مرکز حکومت جهانی برمی گزیند و از آنجا به مدیریت قیام می پردازد و برای دعوت جهانیان به اسلام و زندگی در پرتو قوانین قرآن و در هم کوبیدن بساط ظلم و ستم، یاران و سپاهیان نور را

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۷.

به نقاط مختلف عالم گسیل می‌دارد.

امام علیه السلام یک به یک سنگ‌های کلیدی جهان را فتح می‌کند زیرا که علاوه بر یاران وفادار و مؤمن، از امداد فرشتگان الهی نیز برخوردار است و مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از لشکر رعب و وحشت مدد می‌گیرد و خداوند توانا چنان ترسی از او و یارانش در دل‌های دشمنان می‌افکند که هیچ قدرتی را توان رویارویی با آن حضرت نیست.

امام باقر علیه السلام فرمود:

قائم از ما به وسیله رعب (وحشت در دل دشمنان) یاری می‌شود.^۱

گفتنی است یکی از نقاط جهان که به وسیله سپاه امام فتح می‌شود بیت المقدس است.^۲ و پس از آن واقعه بسیار مبارکی اتفاق می‌افتد که در جریان قیام و انقلاب امام مهدی سرنوشت ساز است و جبهه آن حضرت را تقویت می‌کند و آن فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان است. حضرت مسیح علیه السلام که به فرموده قرآن زنده است و در آسمان‌ها به سر می‌برد به زمین می‌آید و پشت سر امام مهدی علیه السلام به نماز می‌ایستد و بدین وسیله فضیلت و برتری پیشوای دوازدهم شیعیان را بر خود و پیروی خود را از امام مهدی علیه السلام به همگان اعلام می‌کند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت در حالی که بشارت دهنده مردمان باشم، اگر از عمر دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را چنان طولانی می‌کند تا فرزندم مهدی علیه السلام در آن قیام کند، پس از آن عیسی بن

۱. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۵۵۴.

مریم علیها السلام فرود می‌آید و پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌خواند.^۱

به دنبال این اقدام حضرت عیسی علیه السلام بسیاری از مسیحیان که جمعیت فراوانی از جهان را تشکیل می‌دهند به آخرین ذخیره الهی و پیشوای شیعیان، ایمان می‌آورند. گویی خداوند، عیسی علیه السلام را برای چنان روزی حفظ کرده است تا چراغ هدایتی برای حق طلبان باشد.

البته ظهور معجزات به دست هدایتگر حضرت مهدی علیه السلام و طرح مباحث فکری برای راهنمایی بشریت از برنامه‌های انقلاب بزرگ مهدوی است که راه را برای هدایت مردم باز می‌کند.

در همین راستا، امام، الواح تورات تحریف نشده - کتاب مقدس یهود - را که در نقاط خاصی از دنیا دفن شده است خارج می‌کند^۲ و یهودیان که نشانه‌های امامت او را در الواح می‌بینند، به آن حضرت ایمان می‌آورند. و پیروان ادیان دیگر نیز با مشاهده این تحول بزرگ و نیز شنیدن پیام حق امام و دیدن معجزات از آن حضرت، گروه گروه به آن حضرت می‌پیوندند و اینگونه است که وعده حتمی پروردگار محقق می‌گردد و اسلام عزیز همه عالم را زیر پرچم خود می‌گیرد.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.^۳

و او خدایی است که پیامبرش را با (دلائل) هدایت و دین حق فرستاد تا

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۵۲۲.

۳. سوره توبه، آیه ۳۳.

(سرانجام) آن را بر همه دین‌ها غالب گرداند اگرچه کافران را خوش نیاید.
با توجه به تصویری که ترسیم شد تنها قلدران و ظالمان می‌مانند که حاضر به
تسلیم شدن در برابر حق و حقیقت نیستند و این عده در مقابل جریان غالب و اکثریت
مؤمنان تاب مقاومت ندارند و با شمشیر عدالت مهدی علیه السلام به کیفر اعمال ننگین خود
خواهند رسید و زمین و اهل آن برای همیشه از شرّ و فساد آنها ایمن خواهد شد.

فصل پنجم

حکومت امام مهدی (عج)

پس از کنار رفتن ابرهای تیره و تار، خورشید جهان افروز رخ می‌نماید و چشمان منتظر دشت و دمن را روشنی می‌بخشد.

آری، پس از مبارزه‌ای فراگیر با فساد و تباهی و نامردمی، نوبت به استقرار حاکمیت دادگری می‌رسد و عدالت بر کرسی حکمرانی تکیه می‌زند تا هر کس و هر چیزی را در جای خود قرار دهد و سهم هر پدیده‌ای را به مقتضای حق و داد بپردازد. و بالاخره جهان و جهانیان شاهد حکومتی خواهند بود که سراسر حق و عدل است و کمترین ستم و ستمگری در گستره آن بر کسی نمی‌رود. حکومتی که مظهر صفات جمال و زیبایی پروردگار عالم است و در ساحت آن، بشر به تمامی آرمان‌های فراموش شده خود دست می‌یابد.

ما در این فصل در چهار محور بحث خواهیم کرد:

۱. اهداف حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام
۲. راه کارها و برنامه‌های حکومت امام علیه السلام در حوزه‌های مختلف
۳. دستاوردهای حکومت الهی دادگستر
۴. ویژگی‌های حکومت

بخش اوّل:

اهداف حکومت

از آنجا که هدف از آفرینش مجموعه بزرگ هستی، کمال و نزدیکی هر چه بیشتر انسان به منبع همه کمالات یعنی حضرت حق تعالی می باشد و برای نیل به این آرمان بزرگ، باید ابزار و وسائل آن فراهم گردد، حکومت جهانی امام عصر علیه السلام در پی فراهم آوردن اسباب تقرب الی الله و برداشتن موانع از این مسیر است.

البته انسان از دو بُعد جسم و جان ترکیب یافته است و نیازهای او نیز به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می شود بنابراین برای رسیدن به کمال لازم است در هر دو جهت، حرکتی سنجیده و حساب شده داشته باشد و «عدالت» که ره آورد بزرگ حاکمیت الهی است ضامن سلامتِ رشد انسان در سیر مادی و معنوی است. بنابراین، اهداف حکومت امام دوازدهم در دو محور رشد معنوی و اجرای عدالت و گسترش آن قابل طرح است.

رشد معنوی

برای پی بردن به ارزش و والایی هدف های یاد شده، لازم است نگاهی گذرا به حیات بشر در طول دورانهای حاکمیت طاغوت ها بيفکنیم.

در طول زندگی انسان، به دور از حاکمیت حجت الهی، معنویت و ارزشهای

معنوی چه جایگاهی داشته است؟ آیا جز این است که بشریت گم گشته و راه گم کرده، پیوسته در مسیر انحطاط معنوی گام برداشته و با پیروی از تمایلات نفسانی و وسوسه‌های شیطانی یک‌یک زیبایی‌ها و خوبیهای حیات خود را به فراموشی سپرده و با دست خود آنها را در گورستان شهوات دفن کرده است؟! پاکی و پاکدامنی، صداقت و درستکاری، تعاون و همکاری، گذشت و ایثار، احسان و نیکوکاری، جای خود را به هواپرستی و شهوترانی، دروغ و دغل‌بازی، خودمحوری و موقعیت‌جویی، خیانت و جنایت و زیاده‌خواهی و افزون‌طلبی داده است. و در یک کلمه معنویت در زندگی بشر نفس‌های آخر را می‌کشد و در بسیاری از نواحی و برای بسیاری از آدم‌نماها اثری از آن باقی نمانده است!!

حکومت آخرین ذخیره الهی در راستای زنده ساختن این بخش از وجود انسان گام بر می‌دارد و برای جان بخشیدن به این مرده مردار گشته تلاش می‌کند؛ تا طعم شیرین حیات واقعی و زندگی حقیقی را به آدم‌های مسجود ملائک بچشانند و به همگان یادآوری کند که از ابتدا مقرر شده بود که آنان در چنان حیاتی تنفس کنند و عطر پاکی‌ها و خوبی‌ها را با مشام جان، استشمام کنند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...^۱

ای گروه مؤمنان آنگاه که خداوند و پیامبر، شما را به سوی آنچه شما را زنده می‌کند می‌خوانند، آنها را اجابت کنید و به ندای آنها لبیک گوئید.

بنابراین حیات معنوی که امتیاز بنی آدم از حیوانات است، بخش عمده و قسمت

اصلی وجود انسان را تشکیل می‌دهد زیرا که آدمی با برخورداری از همین حیات است که «آدم» نامیده شده است و همین حیات است که او را به خداوند حیات آفرین می‌رساند و به مقام قرب او نائل می‌سازد.

از این رو در زمان حاکمیت ولی پروردگار، این بخش از وجود آدمی سروسامان می‌گیرد و ارزش‌های انسانی در همه ابعاد زندگی رونق و طراوت می‌یابد. صفا و صمیمیت، ایثار و وفا، راستی و درستی و... همه آنچه به عنوان «خوبی» از آن یاد می‌شود، همه جا را فرا می‌گیرد.

البته رسیدن به این هدف بزرگ و نقطه درخشان، نیاز به برنامه‌ای دقیق و جامع دارد که در بخش‌های آینده بیان خواهد شد.

عدالت گستری

بزرگترین زخم پیکر جامعه بشری در طول تمامی قرون و اعصار گذشته، ظلم و ستم موجود در اجتماعات انسانی بوده است. بشریت همواره از رسیدن به حقوق خود در عرصه‌های مختلف محروم مانده است و هیچگاه مواهب مادی و معنوی، عادلانه در بین بنی آدم تقسیم نگردیده است. همیشه در کنار شکم‌های انباشته از غذا، گروهی گرسنه مانده‌اند و پیوسته در نزدیکی کاخ‌ها و ویلاهای چند هزار متری، عده‌ای در حاشیه خیابانها و بر سنگفرش پیاده‌روها خوابیده‌اند. قدرت‌های زر و زور، مردم ضعیف و بیچاره را به بردگی کشیده‌اند و نژاد سفید بر گرده سیاهپوستان - تنها به جرم پوست سیاهشان - تازیانه مرگ فرود آورده است و در یک کلام همیشه و همه جا حقوق ضعیفان و بینوایان، پایمال هواها و تمایلات زورمندان و تزویرگران

شده است و انسان همیشه در آرزوی دست یافتن به عدالت و مساوات روزشماری کرده است و رسیدن دوران شکوفایی عدالت را به انتظار نشسته است.

نهایت این انتظار، دوران سبز حکومت امام مهدی علیه السلام است. او به عنوان بزرگترین رهبر عادل و پیشوای دادگر در پی اجرای عدالت در گستره عالم و در همه زمینه‌های حیات خواهد بود و این حقیقت شیرین در بسیاری از روایات که مژده آمدن او را داده، بیان گردیده است.

امام حسین علیه السلام فرموده است:

اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند پس از آنکه از ستم و بیداد آکنده باشد. این چنین از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم.^۱

و دهها روایت دیگر داریم که خبر از عدالت جهانی و ریشه کنی ستم و ستمگری در سایه حکومت موعود آخرین داده است.

جالب است دانسته شود که عدالت و دادگری از آشکارترین ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام است به گونه‌ای که در بعضی از دعاها به آن لقب گرفته است:

«اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ»

خداوندا به ولی امر خود درود فرست همان که قیام کننده آرمانی و عدالت مورد انتظار همگان است.^۲

آری او عدالت را سر لوحه اهداف انقلاب خویش قرار داده است زیرا که عدالت،

۱. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۰، ح ۵۸۴، ۴.

۲. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

زمینه ساز حیات حقیقی در همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی است و زمین و اهل آن بدون عدالت مردگان بی روحی هستند که زنده پنداشته می شوند.

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه «إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّبُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^۱ فرمود:

مقصود این نیست که زمین را با باران زنده می کند بلکه خداوند مردانی^۲ را بر

می انگیزد که عدالت را زنده می کنند پس به سبب جان گرفتن عدل (در

جامعه)، زمین زنده می شود...

و تعبیر «زنده شدن زمین» اشاره به آنست که عدالت مهدوی، عدالتی است فراگیر و همه جایی نه در بخشی از محیط ها و برای بعضی از افراد.

۱. بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش، زنده خواهد کرد؛ سورة حدید، آیه ۱۷.

۲. با توجه به روایات دیگر که آیه را به دوران امام مهدی علیه السلام تفسیر کرده است، مقصود از «مردان» در این روایت حضرت و یاوران او هستند. برهان، ج ۷، ص ۴۴۶.

بخش دوم:

برنامه‌های حکومت

پس از آشنایی با اهداف حکومت، باید به بررسی برنامه‌های حکومت برای رسیدن به هدف‌های مذکور پردازیم تا ضمن شناخت مسیر فعالیت‌ها در دوران سبز ظهور، الگویی برای دوران پیش از ظهور ترسیم شود و آنانکه به انتظار منجی بزرگ عالم هستند با روش‌های حکومتی و برنامه‌های اجرایی امام عصر علیه السلام آشنا گردیده و خود و جامعه را برای پیمودن چنان راهی آماده کنند.

با استفاده از روایات فراوانی که دربارهٔ دوران حکومت امام مهدی علیه السلام موجود است سه محور عمده برنامه‌های آن حکومت عبارتند از: برنامه‌های فرهنگی، برنامه‌های اجتماعی و برنامه‌های اقتصادی.

به بیان دیگر جامعه بشری که به خاطر دوری از تعالیم ناب قرآن و سیره پیشوایان دینی، به انحطاط فرهنگی گرفتار شده است لازم است در پرتو یک انقلاب فرهنگی بزرگ، به دامن قرآن و عترت بازگردانده شود.

همچنین لزوم یک «برنامه جامع اجتماعی» به آن جهت است که زخم‌های گوناگون پیکر اجتماع، التیام گیرد و برنامه‌های صحیحی که ضامن حیات واقعی جامعه و برخورداری همگان از حقوق الهی و انسانی است به جای روش‌های ظالمانه که جامعه را به هرج و مرج و فساد و تباهی و از بین رفتن حقوق ضعیفان کشانیده است،

قرار گرفته و اجرا گردد.

برای فراهم شدن زمینه‌های تعالی فرهنگی و رشد اجتماعی، برنامه اقتصادی نیز ضرورت دارد تا ضمن آن از تمامی امکانات مادی زمینی به شکل عادلانه و در بستر مناسب استفاده شود. به بیان دیگر اینکه با بهره‌گیری بهینه از مواهب طبیعی، رشد اقتصادی و تأمین معیشت برای همه طبقات و در همه محیط‌ها امکان‌پذیر گردد. پس از بیان اجمالی برنامه‌های حکومت امام دوازدهم علیه السلام - به بررسی تفصیلی آنها بر اساس روایات معصومین علیهم السلام می‌پردازیم و مهمترین برنامه‌های حضرت را در هر بخش مورد بحث قرار می‌دهیم:

الف) برنامه فرهنگی

در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام تمامی فعالیت‌های فرهنگی، در راستای رشد و تعالی علمی و عملی مردم خواهد بود و با جهل و نادانی در همه زمینه‌ها مقابله خواهد شد.

مهمترین محورهای جهاد فرهنگی در حکومت حق عبارتند از:

۱- احیاء کتاب و سنت:

پس از آنکه در همه اعصار، قرآن غریب و تنها مانده و در حاشیه زندگی به فراموشی سپرده شده بود؛ در زمان حکومت آخرین حجت الهی تعالیم حیات بخش قرآن به تمامی عرصه زندگی بشر وارد می‌شود. و سنت که همان گفتار و رفتار پیشوایان دینی است در همه جا به عنوان بهترین الگوی حیات انسانی مطرح می‌گردد

و عملکرد همگان با معیار خدشه‌ناپذیر قرآن و عترت ارزیابی می‌شود.
امام علی علیه السلام در بیانی رسا حکومت قرآنی امام مهدی علیه السلام را چنین توصیف کرده است:

در روزگاری که هوای نفس حکومت می‌کند [امام مهدی علیه السلام ظهور می‌کند و] هدایت و رستگاری را جایگزین هوای نفس می‌سازد و در عصری که نظر شخصی بر قرآن مقدم شده است، افکار را متوجه قرآن می‌گرداند و آن را حاکم بر جامعه می‌سازد.^۱

و نیز در بیانی دیگر، آن حضرت دوران ظهور قرآن و حضور آن را در زندگی بشر چنین بشارت داده است:

... گویی هم اکنون شیعیان خود را می‌بینم که در مسجد کوفه، خیمه‌ها زده‌اند و

قرآن را بدان گونه که نازل شده به مردم می‌آموزند...^۲

و یاد دادن و یاد گرفتن قرآن نقطه شروعی برای ترویج فرهنگ قرآنی و حاکمیت قرآن و احکام آن در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی است.

۲- گسترش معرفت و اخلاق

قرآن کریم و تعالیم اهل بیت علیهم السلام بر رشد اخلاقی و معنوی بشر بیشترین تأکید را انجام داده است زیرا که مهمترین عامل رشد و تعالی انسان به سوی هدف بلند خلقت همانا اخلاق نیکو می‌باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله هدف از پیامبری خود را تکمیل مکارم

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸.

۲. نعمانی، باب ۲۱، ح ۳، ص ۳۳۳.

الاخلاق می‌شمرد^۱ و قرآن نیز آن بزرگوار را بهترین الگوی رفتاری برای همه مردم معرفی می‌کند.^۲ ولی با کمال تأسف به واسطه دوری بشر از راهنمایی‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، انحطاط اخلاقی در همه زمینه‌ها در جوامع بشری و به ویژه جامعه مسلمین آشکار گردیده است و همین انحراف از ارزشهای اخلاقی از عوامل مهم ویران کردن حیات فردی و اجتماعی انسانها شده است.

حکومت امام مهدی علیه‌السلام که حکومت خدا و ارزشهای الهی بر جهان است، ترویج ارزشهای اخلاقی را در رأس برنامه‌های خود قرار خواهد داد.

امام باقر علیه‌السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ
أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ.^۳

زمانی که قائم ما قیام کند دست خود بر سر بندگان خواهد نهاد و عقل‌های ایشان را جمع خواهد کرد و اخلاق آنها را به کمال خواهد رساند.

از این تعبیر کنایه آمیز و زیبا فهمیده می‌شود که در پرتو حکومت مهدی علیه‌السلام که حکومت اخلاق و معنویت است، بستر مناسب برای کمال عقلی و اخلاقی بشر فراهم خواهد آمد زیرا همانگونه که اخلاق منحط و پست از نقصان عقل و خرد آدمی است، کمال عقل موجب بروز و ظهور اخلاق نیکو در انسان خواهد بود.

۱. پیامبر اسلام می‌فرماید: انما بعثت لاتمم مكارم الاخلاق؛ همانا من برای تکمیل مكارم الاخلاق برانگیخته شدم. (میزان الحکمة، مترجم، ج ۴، ص ۱۵۳۰).

۲. اشاره به آیه «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة» و برای شما در رسول خدا الگوی نیکویی است. (سورة احزاب، آیه ۲۱)

۳. بحار الانوار، ۵۲، ص ۳۳۶.

از سوی دیگر محیط آکنده از هدایت‌های قرآن و سنت‌های الهی آدمی را به سوی خوبی‌ها سوق می‌دهد. بنابراین از درون و برون همه کشش‌ها به سوی فضیلت‌ها و زیبایی‌هاست و اینگونه است که ارزشهای الهی و انسانی همه جایی و عالم‌گیر می‌شود.

۳- نهضت علمی

یکی از برنامه‌های فرهنگی حکومت امام مهدی علیه السلام که خود منبع علوم و سرآمد همه عالمان زمان خویش است^۱، نهضت علمی و دانش‌بشری به طور چشمگیر و بی‌سابقه است.

وقتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که بشارت آمدن مهدی علیه السلام را داده است به این بخش از اقدام او نیز اشاره فرموده است:

...نهمین امام (از فرزندان امام حسین علیه السلام) قائم ایشان است که خداوند به دست او همه زمین را از روشنایی پر می‌کند پس از آنکه گرفتار تاریکی گشته است و تمام زمین را از عدالت و دادگری می‌آکند پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد و سراسر عالم را از علم و دانائی بهره‌مند می‌سازد پس از آنکه به جهل و نادانی گرفتار آمده باشد...^۲

و این جنبش علمی و فکری برای همه اقشار و طبقات جامعه است و در این شکوفایی فرقی بین مرد و زن نیست. بلکه زنان نیز به رتبه‌های بلند علمی و

۱. امام علی علیه السلام در توصیف مهدی علیه السلام: دانش او از همه شما بیشتر است؛ غیبت نعمانی، باب ۱۳، ح ۱.

۲. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۳؛ کمال‌الدین، ج ۱، باب ۲۴، ح ۵، ص ۴۸۷.

دین‌شناسی می‌رسند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

در زمان امام مهدی علیه السلام به شما حکمت (و دانش) داده می‌شود تا آن جا که زن در درون خانه‌اش مطابق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کند.^۱
و این حکایت از آگاهی و شناخت عمیق از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام دارد زیرا که امر قضاوت امری دشوار و سنگین است.

۴. مبارزه با بدعت‌ها

بدعت در مقابل «سنت» و به معنی نوآوری در دین و داخل کردن اندیشه‌ها و آراء شخصی در دین و دینداری است.

امام علی علیه السلام در معرفی بدعت‌گذاران می‌فرماید:

بدعت‌گذاران کسانی هستند که با فرمان خدا و کتاب او و پیامبرش مخالفت می‌ورزند و براساس رأی و هواهای نفسانی خود عمل می‌کنند هر چند شمار آنها بسیار باشد.^۲

بنابراین بدعت به معنی مخالفت با خدا و کتاب و پیامبر او و حاکم کردن هواهای نفسانی و عمل کردن براساس تمایلات شخصی است و این جز آنست که با الهام از کتاب و سنت و براساس معیارهای الهی تحقیق و تحلیلی نوارائه شود. بدعت امری است که سنت و شیوه خدا و پیامبر را نابود می‌کند و هیچ آفتی برای دین، چنین

۱. نعمانی، ۲۳۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲. میزان الحکمة، ج ۱۶۳۲.

شکننده و نابود کننده نیست.

امام علی علیه السلام فرمود:

مَا هَدَمَ الدِّينَ مِثْلُ الْبِدْعِ.^۱

هیچ چیز مانند بدعت‌ها دین را ویران و تباه نکرده است.

و به همین دلیل است که در مقابل بدعت‌گذاران، سنت‌مداران باید قیام کنند و پرده از تزویر و نیرنگ آنها بردارند و راه نادرست آنها را برای مردمان آشکار کنند و بدینگونه از گمراهی مردم جلوگیری کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

هرگاه بدعت‌ها در میان امت آشکار شوند بر عالم است که علم و دانش خود را

آشکار سازد، هر کس چنین نکند نفرین خدا بر او باد!^۲

با تأسف باید گفت که پس از پیامبر و راه روشن او، چه بدعت‌ها که در دین نگذاشتند و چه انحراف‌ها و کجی‌ها که در مسیر دینداری پدید نیاموردند و چه گمراهی‌ها که در برابر مردم نگشودند! و بدین سان چهره دین را واژگونه ساختند و رخسار تابناک آئین را به حجابهای هواها و سلیقه‌های شخصی پوشاندند و هر چند امامان معصوم علیهم السلام و به دنبال ایشان عالمان دین کوشیدند ولی همچنان راه بدعت‌گذاری و سنت‌سوزی باز ماند و در دوران غیبت سیر صعودی گرفت.

و اکنون عالم در انتظار است که صاحب مکتب و منجی بشر و موعود قرآن بیاید و در سایه سار حکومت او سنت‌ها زنده گردیده و بدعت‌ها برچیده شود. و بی شک در

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۹۱.

۲. میزان الحکمة، ح ۱۶۴۹.

رأس برنامه‌های اصلاحی او مبارزه با بدعت‌ها و گمراهی‌هاست تا زمینه‌های هدایت و رشد و تعالی بشر فراهم گردد.

امام باقر علیه السلام در ضمن سخنی بلند در توصیف زمان ظهور آن حضرت فرمود:

... وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا...^۱

هیچ بدعتی را وانگذازد مگر اینکه آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی‌گذرد مگر اینکه آن را بر پا خواهد فرمود.

ب. برنامه اقتصادی

از شاخصه‌های یک جامعه سالم، اقتصاد سالم است. اگر از منابع ثروت در جامعه به درستی استفاده شود و امکانات تولید و توزیع در اختیار عده‌ای خاص نباشد بلکه حکومت به همه قشرها توجه کرده و برای همه امکان بهره‌گیری از سرمایه‌ها را فراهم کند، جامعه‌ای ساخته می‌شود که امکان رشد معنوی نیز در آن بیشتر است. در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام نیز به جنبه اقتصادی و بهینه‌سازی وضع معیشتی مردم توجه شده است. بنابراین در حکومت قرآنی حضرت مهدی علیه السلام برای اقتصاد جهان و مردم آن برنامه مطلوبی تدوین شده است که بر اساس آن اولاً امر تولید سامان می‌یابد و از منابع طبیعی و مواهب خدایی بهترین بهره‌برداری می‌شود و ثانیاً ثروت به دست آمده به شکل عادلانه بین همه طبقات توزیع می‌گردد.

بجاست به روایات نیم‌نگاهی بیندازیم و اقتصاد دوران حاکمیت حضرت را بشناسیم.

۱. بحار الانوار، ج ۵۸، ح ۱۱، ص ۱۱.

۱- بهره وری از منابع طبیعی

یکی از مشکلات بخش اقتصاد، استفاده نکردن صحیح و بجا از مواهب الهی است. نه از تمام ظرفیت خاک استفاده می شود و نه از آب به درستی در راه احیاء زمین بهره برداری می گردد. در زمان امام مهدی علیه السلام و به برکت حکومت حق او آسمان، سخاوتمندانه می بارد و زمین بی دریغ بار می دهد.

امام علی علیه السلام فرمود:

... وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتْ السَّمَاءُ قَطَرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا...^۱

و چون قائم ما قیام کند، آسمان باران می ریزد و زمین گیاه بیرون می آورد...

در زمان حاکمیت آخرین حجت حق همه زمین و امکانات آن در اختیار امام خوبان قرار می گیرد تا سرمایه ای کلان برای پی ریزی اقتصادی سالم فراهم شود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

... تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ...^۲

زمین برای او پیچیده می شود (در لحظه ای از نقطه ای به نقطه دیگر می رود) و تمام گنجهای آن برای او آشکار می گردد.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴ - خصال ۶۲۶/

۲. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

۲- توزیع عادلانه ثروت

از مهمترین عوامل اقتصاد بیمار در جوامع بشری، انباشته شدن ثروت در نزد گروهی خاص است. همیشه اینگونه بوده است که افراد یا جمعیت‌هایی که برای خود - به هر دلیل - امتیازی قائل بوده‌اند بر انبارهای ثروت عمومی چنگ انداخته و آن را در جهت منافع شخصی و گروهی به کار برده‌اند. امام مهدی علیه السلام با اینان مقابله خواهد کرد و ثروت همگانی را در اختیار همگان خواهد گذاشت و عدالت علوی را به همه نشان خواهد داد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَعَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ...^۱

وقتی قائم خاندان پیامبر قیام کند (اموال را) به مساوی تقسیم می‌کند و در میان خلق به عدالت رفتار می‌کند.

در زمان آن حضرت اصل مساوات و برابری به اجرا در می‌آید و همگان از حقوق انسانی و الهی خود بهره‌مند می‌شوند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

شما را به مهدی علیه السلام بشارت می‌دهم که در امت من برانگیخته خواهد شد...

او اموال را به درستی تقسیم می‌کند. کسی پرسید: مراد چیست؟ فرمود: یعنی بین

مردم مساوات را اجرا خواهد کرد.^۲

و ره آورد این مساوات در سطح جامعه آن است که فقر و تهیدستی ریشه کن

۱. نعمانی، باب ۱۳، ح ۲۶، ص ۲۴۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

گردیده و فاصله‌های طبقاتی برچیده می‌شود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

... امام مهدی علیه السلام میان مردم به مساوات رفتار می‌کند به گونه‌ای که کسی پیدا

نشود که نیازمند زکات باشد.^۱

۳- عمران و آبادانی

در حکومت‌های بشری، بخش‌هایی از محیط زندگی آباد می‌شود که به نحوی در ارتباط با حاکمان و اطرافیان و همفکران ایشان و یا طبقه اشراف و بزرگان و صاحب نفوذها باشد و بقیه طبقات فراموش می‌شوند ولی در حکومت امام مهدی علیه السلام که امر تولید و توزیع ساماندهی می‌گردد همه جا به نعمت و آبادانی می‌رسد.

امام باقر علیه السلام در توصیف روزگار امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

... فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمر...^۲

در تمام زمین هیچ ویرانه‌ای نمی‌ماند جز اینکه آباد می‌گردد.

ج. برنامه اجتماعی

یکی از ابعاد اصلاح ساختار جامعه بشری، پرداختن به برنامه‌های اجتماعی است. در حکومت دادگستر بزرگ عالم، برای سامان بخشی اجتماع، برنامه‌هایی بر اساس تعالیم قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام در نظر گرفته شده است که به سبب اجرای آنها

۱. همان، ص ۳۹۰.

۲. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

محیط زندگی، زمینه‌ای آماده برای رشد و تعالی افراد خواهد بود. در جهانی که تحت حاکمیت الهی است خوبی‌ها ترویج می‌شود و از بدی‌ها نهی می‌گردد و با بدکاران برخورد قانونی می‌شود و نیز حقوق اجتماعی افراد به مساوات پرداخت می‌شود و عدالت اجتماعی به معنی واقعی آن پیاده می‌گردد.

بجاست نیم نگاهی به روایات بیندازیم و جلوه‌ای از آن دنیای زیبایی و خوبی را مشاهده کنیم:

۱. احیاء و گسترش امر به معروف و نهی از منکر

در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر به صورت گسترده به اجرا گذاشته خواهد شد. همان واجبی که قرآن کریم بر آن تأکید ورزیده و آن را از ویژگی‌های امت اسلامی به عنوان برگزیده امت‌ها شمرده است.^۱ همان امری که به سبب آن همه واجبات الهی اقامه می‌گردد^۲ و وا گذاشتن آن عامل اساسی در هلاکت و نابودی خوبی‌ها و رشد و زیادی بدی‌ها در اجتماعات بوده است.

و از بهترین و والاترین مراتب امر به معروف و نهی از منکر آن است که رئیس حکومت و کارگزاران آن امرکننده به خوبی‌ها و بازدارنده از زشتی‌ها باشند.

۱. سورة آل عمران، آیه ۱۱۰.

۲. در سخنی از امام باقر درباره این واجب آمده: ان الامر بالمعروف والنهي عن المنکر... فریضة عظيمة بها تقام الفرائض یعنی امر به معروف و نهی از منکر... واجبی است که به سبب آن همه واجبات اقامه می‌گردد. میزان الحکمة، مترجم ج ۸، ص ۳۷۰۴.

امام باقر علیه السلام فرمود:

الْمَهْدِي وَ أَصْحَابُهُ... يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ^۱
 مهدی و یاران او... امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

۲. مبارزه با فساد و رذائل اخلاقی

نهی از منکر که یکی از شاخصه‌های حکومت الهی است تنها به زبان نخواهد بود بلکه در عمل با منکرات و زشتی‌ها مقابله خواهد شد تا جایی برای فساد و رذائل اخلاقی در جامعه نماند و محیط زندگی از زشتی‌ها پاک گردد.

در دعای ندبه که آهنگ فراق و نوای جدایی از یار غایب است می‌خوانیم:

أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ
 وَالْأَهْوَاءِ^۲

کجاست آنکه ریسمانهای دروغ و افتراء را ریشه کن خواهد کرد؟ کجاست
 آنکه آثار گمراهی و هوی و هوس را نابود خواهد ساخت؟

۳. اجرای حدود الهی

برخورد با مفسدان و تبه‌کاران جامعه، شیوه‌های گوناگون دارد. در حکومت امام مهدی علیه السلام از سویی با شیوه‌های فرهنگی و تعلیم معارف و تحکیم عقائد و ایمان، فاسقان و بزه‌کاران را به راه صلاح و راستی برمی‌گردانند و از سوی دیگر با تأمین

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

۲. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

نیازهای مشروع و معقول زندگی و اجرای عدالت اجتماعی، راه را بر فساد و تباهی می‌بندند ولی آنها که با وجود همه اینها راه تجاوز به حقوق دیگران و زیرپا گذاشتن احکام الهی را می‌پیمایند و چارچوب قانون را نمی‌پذیرند، با اینها به گونه‌ای شدید برخورد می‌شود که سدّ راه تبهکاری آنها گردد و نیز از ادامه روند فساد در جامعه توسط دیگران جلوگیری شود و آن اجرای حدود الهی دربارهٔ مفسدان است که حدّ و مرز آن در قوانین کیفری اسلام بیان گردیده است.

در روایت بلندی از پیامبر اکرم علیه السلام که حضرت جواد علیه السلام نقل کرده است، در ضمن بیان خصوصیات امام مهدی علیه السلام آمده است:

او حدود الهی را اقامه (و اجرا) خواهد کرد.^۱

۴. عدالت قضایی

در رأس برنامه‌های حکومتی امام مهدی علیه السلام در سطح جامعه، اجرای عدالت در همه بخش‌هاست و اوست که همه عالم را، پر از عدالت و دادگری می‌کند همانگونه که از ظلم و ستم آکنده باشد. و یکی از مهمترین حوزه‌های اجرای عدالت، بخش قضاوت است و این همان بخشی است که بیشترین ظلم‌ها و حق‌کشی‌ها در آن شده است. اموال، به ناحق مصادره گشته و خونها، به ناحق ریخته شده و آبروی بی‌گناهان به خطر افتاده است! در محاکم قضایی دنیا، بیشترین ظلم بر مستضعفان عالم شده است و احکام صادره از آنها تحت تأثیر نفوذ قدرتمندان و حاکمان ستمگر، مال و جان افراد و گروههای بسیاری را به ناحق نابود کرده است. قاضیان دنیا طلب نیز برای

۱. بحارالانوار، ۵۲، باب ۲۷، ح ۴.

جلب منافع مادی برای خود و وابستگانشان حکم‌های ظالمانه بسیاری را نوشته و اجرا کرده‌اند و خلاصه اینکه چه بسیار بی‌گناهی که به چوبه دار آویخته شده است و چه بسا تبهکار و مجرمی که قانون خدا درباره او اجرا نگردیده است.

حاکمیت عدل گستر امام مهدی علیه السلام پایان همه ظلم‌ها و نهایت همه حق‌کشی‌هاست. او که مظهر عدالت پروردگار است، محکمه‌هایی دادگستر ایجاد می‌کند و قاضیانی صالح و مجریانی دقیق و خدا ترس می‌گمارد تا به هیچ کس در هیچ جای عالم کمترین ستمی نرود.

حضرت رضا علیه السلام در ضمن روایتی بلند در توصیف امام مهدی علیه السلام و دوران طلایی ظهورش فرمود:

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا

وقتی او قیام کند زمین به نور پروردگار روشن گردد و آن حضرت ترازوی عدالت در میان خلق نهد پس (چنان عدالت را جاری کند که) هیچ کس بر دیگری ظلم و ستم روا ندارد.^۱

از این روایت دانسته می‌شود که عدالت قضایی حضرت چنان گسترده و دقیق است که راه را بر ظالمان و سودجویان می‌بندد و از تکرار ظلم و ستم و عادی شدن تجاوز به حق دیگران، جلوگیری می‌کند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

بخش سوّم:

دستاوردهای حکومت

افراد و جمعیت‌ها پیش از آنکه به حکومت برسند و قدرت را به دست گیرند آرمانهایی را برای حکومت خود بیان می‌کنند و چه بسا برای رسیدن به آن اهداف، برنامه‌های خود را نیز اعلام کنند اما معمولاً پس از رسیدن به قدرت و گذشت زمان، در اهداف خود ناکام مانده و گاهی از آنچه گفته بودند عدول می‌کنند و یا به کلی آن ایده‌ها و اهداف مطرح شده را فراموش می‌کنند.

دست نیافتن به آرزوها و اهداف از پیش تعیین شده یا به جهت آن است که «هدف‌ها» واقعی و اصولی نبوده و یا آنکه برنامه‌های حکومت برای رسیدن به هدف‌ها، برنامه جامع و کاملی نبوده است و در بسیاری از موارد نیز سبب ناکامی، عدم لیاقت مجریان بوده است.

در حکومت امام مهدی علیه السلام اهداف، هدف‌هایی است واقعی و اصیل که ریشه در عمق وجدانهای بشر دارد و همگان در آرزوی رسیدن به آن بوده‌اند و برنامه‌ها نیز بر اساس تعالیم قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام تنظیم گردیده و در تمامی بخش‌ها ضمانت اجرایی برای آنها وجود دارد؛ بنابراین دستاوردهای این انقلاب عظیم، بسیار چشمگیر و قابل توجه است و در یک جمله باید گفت دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام پاسخگوی تمام نیازهای معنوی و مادی بشر است که خداوند متعال در وجود انسان به امانت نهاده است.

در اینجا با توجه به روایات به برخی از این دستاوردها نیم نگاهی می‌اندازیم:

۱. عدالت فراگیر

در روایات فراوان، مهمترین ره آورد قیام و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام پر شدن جهان از عدالت و دادگری شمرده شده است که در بخش اهداف حکومت درباره آن سخن گفتیم. اما در این بخش بر آن حقیقت یاد شده این واقعیت را می‌افزاییم که در حاکمیت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله عدالت در همه سطوح جامعه به صورت یک جریان جاری در تمام مویرگهای اجتماع در می‌آید و هیچ نهاد و مجموعه کوچک یا بزرگی نمی‌ماند مگر اینکه عدالت در آن حاکم خواهد شد و روابط افراد با یکدیگر بر اساس آن پی‌ریزی خواهد شد.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

به خدا قسم، عدالت را در خانه‌های مردم خواهد برد آنچنان که سرما و گرما به درون خانه‌ها نفوذ می‌کند.^۱

وقتی خانه که کوچکترین نهاد در جامعه است به کانون عدالت تبدیل می‌شود و روابط افراد خانواده با یکدیگر عادلانه می‌گردد حکایت از آن دارد که حکومت جهانی و عدل گستر مهدوی نه با ابزار زور و قانون بلکه بر اساس یک تربیت قرآنی که به عدالت و احسان فرمان می‌دهد^۲، افراد را پرورش می‌دهد و در فضایی این چنین

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۲. قرآن می‌فرماید: ان الله يأمر بالعدل والاحسان یعنی به راستی که خداوند به عدالت و نیکوکاری فرمان می‌دهد؛ سوره نحل، آیه ۹۰.

همگان به حکم و وظیفه انسانی و الهی خود، حقوق دیگران را - گرچه از نظر رتبه و مقام، جایگاهی نداشته باشند - محترم می‌شمارند.

در جامعه موعود مهدوی، عدالت، یک جریان فرهنگی اصیل و با پشتوانه قرآنی و حکومتی است که تخلف از آن تنها توسط معدودی از افراد که خود محور و منفعت طلب بوده و به دور از تعالیم قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام پرورش یافته‌اند، صورت می‌گیرد که حاکمیت عدالت پرور با آنها برخورد جدی می‌کند و اجازه رشد و نمو و ریشه دوانیدن به آنها نمی‌دهد و به ویژه از نفوذ آنها به سطوح حاکمیت جلوگیری می‌کند. آری عدالتی چنین فراگیر و همگانی ره‌آورد حکومت مهدی منتظر علیه‌السلام است و بدینسان عالی‌ترین هدف انقلاب امام مهدی علیه‌السلام که پر کردن عالم از عدل و داد بوده است به شکل کامل تحقق خواهد یافت و ظلم و ستم و حق‌کشی در همه زوایای جامعه حتی در روابط اعضای خانواده با یکدیگر از بین خواهد رفت.

۲. رشد فکری و اخلاقی و ایمانی

در بخش قبل گفتیم که همه گیر شدن عدالت در جامعه به سبب تربیت صحیح افراد و رواج فرهنگ قرآن و عترت در جامعه است و در روایات ما به رشد فکری و اخلاقی و ایمانی مردم در حاکمیت امام مهدی علیه‌السلام تصریح شده است.

امام باقر علیه‌السلام فرمود:

وقتی قائم ما قیام کند دست (عنایت) خویش بر سر بندگان خدا نهد و به برکت آن عقل و خرد آنها به کمال رسد.^۱

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۷۱، ص ۳۳۶.

و همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها به دنبال کمال عقل انسان، به دست می‌آید زیرا که عقل، پیامبر درونی انسان است که در صورت حاکم بودن آن بر کشور جسم و جان، اندیشه و عمل آدمی به سوی صلاح و درستی خواهد رفت و مسیر بندگی پروردگار و نیل به سعادت هموار خواهد شد.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که عقل چیست؟

فرمود:

عقل آن [حقیقتی] است که به سبب آن خداوند عبادت می‌شود و به

[راهنمایی] آن بهشت به دست می‌آید.^۱

آری، در جامعه امروز می‌بینیم که در جامعه بدون امام و حاکمیت او، شهوات بر عقل، غلبه دارد و نفس سرکش، یگانه فرمانروای افراد و گروه‌ها و احزاب است و پیامد این وضعیّت پایمال شدن حقوق افراد و فراموش شدن ارزشهای الهی است ولی در جامعه موعود و در سایه فرمانروائی حجت خدا، که عقل کلّ است، عقول انسانها، میدان دار و سکان‌دار تصمیم و اقدام خواهد بود و عقل به کمال رسیده جز به خوبی و زیبایی فرمان نمی‌دهد.

۳. اتحاد و همدلی

برابر روایات، جمعیتی که تحت حاکمیت جهانی امام مهدی علیه السلام بسر می‌برند، با هم متحد و صمیمی خواهند بود و در زمان برپایی دولت مهدوی جایی برای کینه و

دشمنی نسبت به یکدیگر در دل‌های بندگان خدا نخواهد ماند.

امام علی علیه السلام فرمود:

وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشُّحُنَاءُ، مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ...

وقتی قائم ما قیام کند، کینه از دل‌های بندگان برود.

در آن زمان دیگر بهانه‌ای برای کینه توزی نیست زیرا که روزگار عدل و دادگری است و حقی از کسی ضایع نمی‌شود و روزگار خردورزی و تعقل است نه عقل ستیزی و شهوت پرستی.^۱ بنابراین زمینه‌ای برای دشمنی و کینه‌جویی باقی نمی‌ماند و از این رو دل‌های مردم که تا پیش از این، پراکنده و دور از هم بود، انس و الفت می‌یابد و همگان به برادری و اخوت قرآنی باز می‌گردند^۲ و چونان برادران با یکدیگر همدل و مهربان می‌شوند.

امام صادق علیه السلام در وصف روزگار سبز مهدوی فرموده است:

[در آن ایام] خداوند وحدت و آفت بین قلوب پریشان و پراکنده برقرار کند.^۳

و اگر دست خدا در کار است دیگر عجیب نیست که این همدلی و صمیمیت به جایی رسد که تصور آن در دنیای کنونی که بحران تضادها و کشمکش‌های مادی به اوج خود رسیده است، دشوار باشد.

۱. در دو بخش قبلی به تفصیل درباره عدالت دوران امام مهدی و کمال عقلی مردم در آن روزگار سخن گفته شد.

۲. اشاره به آیه انما المؤمنون اخوة...، همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند؛ سورة حجرات، آیه ۱۰.

۳. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵، ح ۷، ص ۵۴۸.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

وقتی قائم ما قیام کند دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی بیان می‌شود. هر نیازمندی دست می‌برد و از جیب برادر ایمانی‌اش به مقدار نیاز برمی‌دارد و برادرش او را منع نمی‌کند.^۱

۴. سلامت جسمی و روانی

یکی از مشکلات بشر امروز بروز بیماری‌های سخت و غیر قابل علاج است که محصول عوامل گوناگون از جمله آلودگی محیط زیست به سبب به کارگیری سلاح‌های شیمیایی، اتمی و میکروبی است. همچنین روابط نامشروع انسانها با یکدیگر و نیز از بین بردن جنگل‌ها و آب‌های دریا از دیگر عوامل ظهور بیماریهایی مانند جذام، طاعون، فلج، سکت و دهها بیماری دیگر است که بهداشت و درمان پیشرفته امروزی نیز قادر به معالجه آنها نیست. بر بیماری‌های جسمی باید فهرست بلندی از امراض روحی و روانی را نیز افزود که زندگی را برای مردم جهان تلخ و غیر قابل تحمل کرده است که این نیز به سبب روابط غلط حاکم بر جهان و انسانهاست. در دولت کریمه مهدوی که روزگار عدالت گستری و حکومت فضیلت‌ها و زیبایی‌هاست و روابط بر اساس برادری و برابری شکل می‌گیرد، بیماری‌های جسمی و روانی انسان از بین می‌رود و قوای بدنی و روحی انسان به طور شگفت انگیزی قوی و نیرومند می‌گردد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۱۶۴، ص ۳۷۲.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، خداوند بیماریها را از مؤمنان دور می‌سازد و تندرستی را به آنان باز می‌گرداند.^۱

در دولت آن سرور که دانش به گونه‌ای شگفت پیشرفت می‌کند هیچ بیماری لاعلاجی نمی‌ماند و بهداشت و طب، رشد چشمگیری خواهد داشت و نیز به برکت وجود حضرت، بسیاری از بیماران شفا خواهند گرفت.

امام باقر علیه السلام فرمود:

هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند اگر به بیماری دچار باشد شفا می‌یابد و چنانچه دچار ناتوانی باشد توانا و نیرومند می‌گردد.^۲

۵. خیر و برکت فراوان

از دستاوردهای بزرگ حکومت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله خیر و برکت فراوان و بی سابقه است. در بهار دولت او همه جا سبز و خرم گشته و نشاط و حیات می‌یابد. آسمان می‌بارد و زمین می‌رویاند و برکات الهی سرشار و بی شمار می‌گردد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

...خداوند به سبب او (امام مهدی علیه السلام) برکات آسمانها و زمین را جاری

می‌کند. [در ایام دولت او] آسمان می‌بارد و زمین دانه می‌دهد.^۳

۱. همان، ج ۱۳۸، ص ۳۶۴.

۲. همان، ج ۶۸، ص ۳۳۵.

۳. غیبت طوسی، ج ۱۴۹، ص ۱۸۸.

در سایه حکومت آن حضرت کویری نمی ماند و همه زمین ها جامه حیات و شادابی به تن می کند.

این تحول چشمگیر و فراوانی بی نظیر به جهت آن است که روزگار مهدی، زمان جوانه زدن نهال پاکی و تقوا و شکوفایی گل های ایمان است و مردم در همه اصناف و اقشار تحت تربیت الهی قرار گرفته و روابط خود را بر اساس ارزش های خدائی انجام می دهند و خداوند وعده فرموده است که چنین محیط پاکی را از برکات و خیرات، سیراب گرداند.

قرآن کریم در این زمینه فرموده است:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ؛

اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می کردند [درهای] برکات آسمان و زمین را به رویشان باز می کردیم.^۱

۶. ریشه کن شدن فقر

وقتی همه منابع زمینی برای امام مهدی علیه السلام آشکار گردد و برکات آسمان و زمین بر مردم زمان او بی دریغ جریان یابد و اموال بیت المال مسلمین به عدالت تقسیم گردد جایی برای فقر و تهیدستی نمی ماند و بشریت در دولت امام مهدی علیه السلام برای همیشه از چنگال فقر و نداری رها می شود.^۲

۱. سورة اعراف، آیه ۹۶.

۲. ر.ک: منتخب الاثر، فصل ۷، باب ۳، ۴، صص ۵۸۹-۵۹۳.

در روزگار او روابط اقتصادی بر اساس برادری و برابری شکل می‌گیرد و اصل سودجوئی و منفعت‌طلبی شخصی، جای خود را به حس دلسوزی و غمخواری و مواسات با برادران دینی می‌دهد و در این حال همه به یکدیگر به عنوان اعضای یک خانواده نگاه می‌کنند و بنابراین همه، دیگران را از خود می‌دانند و بوی یگانگی و یکرنگی در همه جا به مشام می‌رسد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

... (امام مهدی علیه السلام) هر سال دو بار به مردم می‌بخشد و در هر ماه دو بار به آنها روزی (و نیاز زندگی) عطا می‌کند و [در این کار] به مساوات بین مردم عمل می‌نماید تا اینکه [چنان مردم بی‌نیاز می‌شوند که] هیچ نیازمندی به زکات پیدا نمی‌شود...! ^۱

از روایات استفاده می‌شود که عدم نیازمندی مردم به جهت روحیه قناعت و بی‌نیازی روحی است. به بیان دیگر پیش از آنکه مردم از بیرون، صاحب مال فراوان شوند و بی‌نیاز گردند از درون، روح بی‌نیازی در آنها پیدا می‌شود و به آنچه خداوند از فضل خویش به آنها عطا کرده راضی و خشنود می‌گردند و بنابراین چشمی به اموال دیگران ندارند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در توصیف روزگار دولت مهدوی علیه السلام فرموده است:

... خداوند [روح] بی‌نیازی را در دل‌های بندگان قرار می‌دهد. ^۲

این در حالی است که پیش از ظهور روحیه آزمندی و زیاده‌طلبی عامل مؤثری در رقابت‌های غلط و انباشتن اموال بر روی هم و انفاق نکردن آنها به نیازمندان بوده است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۲۱۲، ص ۳۹۰.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۸۴.

خلاصه اینکه در زمان امام مهدی علیه السلام بی نیازی از بیرون و درون خواهد بود. از سوئی ثروت سرشار به عدالت تقسیم می گردد و از سوی دیگر قناعت، ویژگی اخلاقی مردمان می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از اینکه درباره بخشش امام مهدی علیه السلام به مردم بیاناتی فرموده است می افزاید:

و خداوند دل های امت محمد صلی الله علیه و آله را از بی نیازی پُر می کند و عدالت مهدوی همه آنها را در بر می گیرد به گونه ای که [حضرت مهدی علیه السلام] امر می کند تا ندا دهنده ای اعلام کند:

چه کسی نیازمند مال است؟ پس کسی در میان مردم بر نخیزد مگر یک نفر! پس امام [به او] می فرماید: نزد خزانه دار برو و به او بگو: مهدی علیه السلام به تو فرمان می دهد که به من مالی بدهی: پس خزانه دار به او می گوید: جامه ات را بیاور، تا اینکه وسط جامه اش را پُر می کند و چون آن را بر دوش می کشد پشیمان می شود و می گوید: چرا در میان امت محمد صلی الله علیه و آله من از همه حریص تر باشم... پس مال را بر می گرداند ولی از او قبول نمی شود و به او گفته می شود: ما آنچه عطا کردیم باز پس نمی گیریم.^۱

۷. حاکمیت اسلام و نابودی کفر

قرآن کریم در سه مورد وعده داده است که خداوند متعال دین مقدس اسلام را جهان گیر خواهد کرد:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...^۱

او خدائی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان پیروز گرداند...

و شکی نیست که وعده خداوند انجام شدنی و تخلف ناپذیر است چنانکه قرآن فرموده است:

...إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ.^۲

ولی روشن است که با وجود همه مجاهدت‌ها و تلاش‌های بی دریغ پیامبر ﷺ و اولیاء خدا ﷺ تا کنون چنین رویداد مبارکی به وقوع نپیوسته است^۳ و همه مسلمانان امید دارند که این روزگار فرارسد و البته این آرزویی حقیقی است که ریشه در بیانات پیشوایان معصوم ﷺ دارد.

بنابراین در سایه حاکمیت آن ولی پروردگار بانگ اشهدان لا اله الا الله که پرچم توحید است و نوای اشهد ان محمداً رسول الله که علم اسلام است همه جا را فرا خواهد گرفت و اثری از شرک و کفر باقی نخواهد ماند.

امام باقر ﷺ در توضیح آیه وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ...^۴

۱. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹.

۲. به راستی که خداوند در وعده خود خلاف ندارد. (سوره آل عمران، آیه ۹)

۳. این سخن نه یک ادعا بلکه یک واقعیت تاریخی است و مفسرین بزرگ از شیعه و سنی از آن سخن گفته‌اند. مثل فخر رازی در «التفسیر الکبیر»، ج ۱۶، ص ۴۰ و قرطبی در «تفسیر القرطبی» ج ۸، ص ۱۲۱ و طبرسی در «مجمع البیان»، ج ۵، ص ۳۵.

۴. و با آنان (مشرکان) بجنگید تا اینکه (در زمین) فتنه و فسادى نماند و آئین همه، دین خدا گردد. (سوره

فرمود:

تاویل این آیه هنوز نیامده است و هرگاه قائم ما قیام کند آنکس که زمان او را دریابد، تاویل این آیه را خواهد دید و هر آینه [در آن زمان] دین محمد ﷺ به هر کجا که شب می‌رسد خواهد رسید (و عالم گیر خواهد شد) به گونه‌ای که بر سطح زمین، اثری از شرک نخواهد ماند همانگونه که خداوند فرموده [و وعده نموده] است!^۱

و البته این جهان شمولی اسلام به سبب حَقَانِیَّت و واقعیت «اسلام» است که در روزگار مهدی ﷺ هر چه بیشتر و بهتر آشکار خواهد شد و همگان را به خود جلب خواهد کرد مگر آنانکه از روی عناد و سرکشی سر به طغیان بردارند که با شمشیر عدل مهدوی که دست انتقام پروردگار است رو به رو خواهند شد.

آخرین نکته در این بخش آنست که این وحدت عقیدتی که در پرتو حکومت امام مهدی به دست می‌آید زمینه بسیار مناسبی برای تشکیل جامعه واحد جهانی است و جهان به دنبال همین اتحاد و یگانگی در اعتقاد، به یک قانون و نظام توحیدی تن می‌دهد و آن را می‌پذیرد و سپس در سایه آن، روابط فردی و اجتماعی خود را بر اساس معیارهایی که از یک عقیده و مرام گرفته شده است، تنظیم می‌کند و طبق این بیان، وحدت عقیدتی و جمع شدن همه مردم در زیر یک پرچم و دین واحد، یک ضرورت و نیاز جدی است که در حکومت امام مهدی ﷺ حاصل خواهد شد.

۵ انفال، آیه ۳۹

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۵.

۸. امنیت عمومی

در حاکمیت امام مهدی علیه السلام که دوران فراگیری همه خوبی‌ها در همه عرصه‌های زندگی است، امنیت که از بزرگترین نعمت‌های الهی و از عالی‌ترین آرزوهای انسان است، به دست می‌آید.

وقتی مردم از عقیده و مرامی واحد پیروی کنند و در روابط اجتماعی خود به اصول بلند اخلاقی پای بند باشند و عدالت در تمام مؤیرگهای حیات فردی و جمعی بشر جاری گردد، بهانه‌ای برای ناامنی و ترس در هیچ بخشی از زندگی باقی نمی‌ماند. در جامعه‌ای که هر کسی به حقوق الهی و انسانی خود می‌رسد و با تجاوز و حق‌کشی - گرچه در طبقه حاکمان و در کمترین مقدار آن باشد - برخورد قانونی می‌شود، امنیت عمومی و اجتماعی شکل می‌گیرد.

امام علی علیه السلام فرمود:

به دست ما [و در حکومت ما] روزگار سختی‌ها سپری می‌گردد... و چون قائم ما قیام کند کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود، حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. [در آن روزگار چنان محیط امنی ایجاد شود] که زن، با همه زیب و زیور خود، از عراق تا شام برود... و چیزی او را نترساند.^۱

و البته برای ما که در روزگار بی‌عدالتی‌ها و آزمندی‌ها و کینه‌توزیها بسر می‌بریم تصور چنان دوران سبزی، بسیار دشوار است ولی چنانکه گفته شد اگر به عوامل آن همه بدی و زشتی بنگریم و بیندیشیم که این عوامل در حاکمیت حکومت حق ریشه کن خواهد شد خواهیم دانست که وعده الهی در تحقق جامعه امن و آرام، حتمی است.

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند... وعده داده که به یقین در روی زمین، ایشان را خلیفه (و جانشین خود) گردانند... و پس از اینکه در ترس و نگرانی قرار داشتند، امن و آرامش را به ایشان عطا فرماید...^۱

و امام صادق علیه السلام در معنی این آیه فرموده است:

این آیه درباره (امام) قائم علیه السلام و یارانش نازل شده است.^۲

۹. گسترش دانش

در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام، اسرار علمی فراوان در علوم اسلامی و انسانی اشکار می‌شود و دانش بشری به گونه‌ای غیر قابل تصور توسعه می‌یابد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه آنچه پیامبران آورده‌اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ماقیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده و در میان مردم گسترش دهد و آن دو حرف را نیز به آنها ضمیمه ساخته و مجموع بیست و هفت حرف را منتشر خواهد کرد.^۳

بدیهی است که رشد و توسعه علمی در همه زمینه‌ها برای انسان روی می‌دهد و در

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. غیبت نعمانی، ج ۳۵، ص ۲۴۰.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

روایات متعدد اشاراتی آمده که نشان می‌دهد فاصله دانش صنعتی در آن زمان، با صنعت کنونی، بسیار زیاد خواهد بود.^۱

همانگونه که صنعت کنونی با قرن‌های پیشین تفاوت چشمگیری دارد.

در اینجا به بعضی از روایات اشاره می‌کنیم:

امام صادق علیه السلام درباره چگونگی ارتباطات در حکومت امام مهدی می‌فرماید:

در روزگار قائم علیه السلام مؤمن در مشرق زمین، برادرش را که در مغرب زمین است می‌بیند...^۲

و نیز می‌فرماید:

هنگامی که قائم ماقیام کند، خداوند قدرت شنوایی و بینایی شیعیان ما را افزایش می‌دهد به گونه‌ای که آن حضرت از فاصله یک برید (چهار فرسنگ) با شیعیان خود سخن می‌گوید و آنان سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند در حالی که حضرت در جایگاه خود قرار دارد.^۳

و درباره میزان آگاهی حضرت مهدی علیه السلام از احوال مردم به عنوان رئیس حکومت و مرکز تصمیم‌گیری و فرماندهی، در روایت آمده است که:

اگر کسی در خانه خودش سخنی بگوید، بیم آن دارد که مبادا دیوارهای خانه‌اش گزارش دهند.^۴

۱. البته ممکن است که روایات مذکور اشاره به اعجاز هم داشته باشد.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۳. همان، ص ۳۳۶.

۴. همان، ص ۳۹۰.

با توجه به وسایل پیشرفته ارتباطی درک این روایات آسانتر است ولی روشن نیست که آیا همین وسائل به صورت پیشرفته‌تر به کار گرفته می‌شود یا سیستم دیگری که پیچیدگی بیشتری دارد جایگزین وسائل امروزی خواهد شد.

بخش چهارم:

ویژگی‌های حکومت

در بخش‌های قبل درباره اهداف، برنامه‌ها و دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام سخن گفته شد. در پایان به برخی از ویژگی‌های حکومت مانند قلمرو حکومت و مرکز آن، مدت حکومت و روش کارگزاران و معرفی آنها و نیز سیره رهبر بزرگ حکومت، می‌پردازیم.

قلمرو حکومت و مرکز آن

تردیدی نیست که حکومت حضرت مهدی علیه السلام حکومتی جهانی است زیرا که او موعود همه بشریت و تحقق بخش آرزوهای همه انسان‌هاست. بنابراین آنچه از زیبایی‌ها و خوبی‌ها در سایه حکومت او به وجود آید سراسر زمین را فرا خواهد گرفت. این حقیقتی است که روایات فراوان، شاهد آن است که به گروه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف. روایات بسیاری که مضمون آن چنین است، مهدی علیه السلام زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.^۱ کلمه «زمین» (الارض) سرتاسر

۱. کمال‌الدین، باب ۲۵، ح ۴ و باب ۲۴، ح ۱ و ۷.

کره خاکی را در بر می گیرد و هیچ دلیلی وجود ندارد که معنی آن را به بخشی از زمین محدود کند.

ب. روایاتی که از تسلط امام مهدی علیه السلام بر مناطق مختلف جهان خبر داده است که گستردگی و پراکندگی و اهمیت آن مناطق، حکایت از سلطه آن حضرت بر تمامی جهان دارد و گویای آن است که بیان بعضی از شهرها و کشورها در روایات از باب نمونه و مثال بوده و میزان درک مخاطبان روایات در آن زمان نیز ملاحظه گردیده است.

در روایات مختلف از روم، چین، دیلم یا کوههای دیلم، ترک، سند، هند، قسطنطنیه، کابل شاه و خزر به عنوان مناطقی که امام مهدی بر آنها مسلط خواهد شد و آنها را فتح خواهد کرد نام برده شده است.^۱

گفتنی است که مناطق یاد شده در دوران ائمه علیهم السلام بر بخش های بسیار گسترده تری نسبت به زمان ما، گفته می شده است. برای مثال «روم» شامل همه اروپا و حتی قاره آمریکا می گردیده و مراد از چین همه شرق آسیا بوده که شامل ژاپن نیز می شود همانگونه که «هند»، پاکستان امروز را شامل بوده است.

شهر قسطنطنیه همان استانبول است که در جهان آن روز به عنوان مقاوم ترین شهرها و مناطق از آن یاد می شده و در واقع فتح آن یک پیروزی و موفقیت بزرگ شمرده می شده زیرا که یکی از راههای اصلی ورود به قاره اروپا بوده است.

خلاصه اینکه تسلط امام مهدی علیه السلام بر مناطق حساس و مهم جهان حکایت از

۱. ر.ک: غیبت نعمانی و احتجاج طبرسی.

گسترده‌گی جهانی فرمانروایی آن حضرت دارد.

ج. گذشته از روایات دسته اول و دسته دوم، روایات متعددی در دست است که به روشنی از جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام خبر می‌دهد.
در سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که خداوند متعال فرموده است:

... من دین خود را به دست آنها (پیشوایان دوازده گانه) بر همه آئین‌ها پیروز می‌گردانم و به دست ایشان فرمان خود را (بر همه) چیره خواهم ساخت و به (قیام) آخرین آنها - امام مهدی علیه السلام - سراسر زمین را از دشمنانم پاک خواهم کرد و او را بر مشرق و مغرب زمین فرمانروا خواهم گرداند...^۱

و امام باقر علیه السلام فرمود:

الْقَائِمُ مِنَّا... يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ
بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...^۲

قائم علیه السلام از، (خاندان پیامبر) است... (او کسی است که) فرمانروایی او شرق و مغرب (عالم) را فرا خواهد گرفت و خداوند به دست او دین خود را بر همه ادیان غلبه می‌دهد اگر چه مشرکان را خوش نیاید.

و اما مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، شهر تاریخی کوفه است که در آن زمان وسعت زیادی خواهد یافت به گونه‌ای که شهر نجف را که در چند کیلومتری کوفه است شامل می‌شود و به همین دلیل است که در بعضی روایات، کوفه و در بعضی دیگر نجف به عنوان مرکز حکومت نام برده شده است.

۱. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۳، ح ۴، ص ۴۷۷.

۲. کمال الدین، ج ۱، ب ۳۲، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی طولانی فرموده است:

مرکز حکومت او (حضرت مهدی علیه السلام) شهر کوفه خواهد بود و محل قضاوت او مسجد (بزرگ) کوفه.^۱

گفتنی است شهر کوفه از دیرزمان، مورد توجه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و محل زمامداری حضرت علی علیه السلام بوده است و مسجد مشهور آن یکی از چهار مسجد معروف جهان اسلام است که امام علی علیه السلام در آن نماز گزارده و خطبه می خوانده است و نیز در آن به امر قضاوت می پرداخته است و در نهایت در محراب همان مسجد به شهادت رسیده است.

مدت حکومت

پس از اینکه عالم بشریت یک دوره بسیار طولانی از حاکمیت ظلم و ستم را پشت سر گذاشت، جهان با ظهور آخرین حجّت پروردگار به سوی حاکمیت خوبی ها خواهد رفت و حکومت به دست حاکمان و نیکان قرار خواهد گرفت و این وعده حتمی خداوند است.

حکومت خوبان که با فرمانروایی امام مهدی علیه السلام آغاز می شود تا پایان عمر دنیا ادامه خواهد یافت و دیگر روزگار ظلم و ظالمین تکرار نخواهد شد.

در سخنی که پیش از این از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شد آمده است که خداوند بزرگ حاکمیت آخرین پیشوای معصوم را به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بشارت می دهد و در پایان

می‌افزاید:

(پس از آنکه مهدی علیه السلام به حکومت رسید) دولت او را دوام خواهم بخشید و پیوسته تا قیامت، روزگار (و حاکمیت زمین) را در دست اولیاء و دوستان خود دست به دست خواهم کرد.^۱

بنابراین نظام عادلانه‌ای که امام مهدی علیه السلام برپا خواهد کرد. دولتی است که پس از آن برای دیگران دولتی نخواهد بود و در حقیقت تاریخ جدیدی از حیات بشر شروع خواهد شد که سراسر در زیر حاکمیت الهی بسر خواهد بُرد.
امام باقر علیه السلام فرمود:

دولت ما آخرین دولت هاست و هیچ خاندان صاحب دولتی نمی‌ماند مگر اینکه پیش از حکومت ما، حاکم می‌شوند تا وقتی (حکومت اهل بیت برپا شد و) شیوه حکمرانی، را دیدند نگویند، اگر ما هم حاکم می‌شدیم همینگونه عمل می‌کردیم.^۲

بنابراین مدت استمرار نظام الهی پس از ظهور، جدا از مدت حکومت شخص امام مهدی علیه السلام است که مطابق روایات آن حضرت باقیمانده عمر خود را حاکم بوده و سرانجام چشم از جهان فرو خواهد بست.

تردید نیست که مدت حکومت آن حضرت باید به قدری باشد که امکان تحول جهانی و استقرار عدالت در همه مناطق عالم وجود داشته باشد ولی اینکه این هدف در چند سال قابل دسترسی است، قابل تخمین و گمانه زنی نیست و باید به روایات

۱. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۳، ح ۴، ص ۴۷۷.

۲. غیبت طوسی، فصل ۸، ح ۴۹۳، ص ۴۷۲.

امامان معصوم علیهم السلام رجوع کرد. البته با توجه به قابلیت‌های آن رهبر الهی و توفیق و مدد غیبی برای آن حضرت و اصحاب و یاران شایسته‌ای که در اختیار اوست و آمادگی جهانی برای پذیرفتن حاکمیت ارزش‌ها و زیبایی‌ها در زمان ظهور، ممکن است که رسالت مهدی موعود علیه السلام در زمانی نسبتاً کوتاه انجام شود و جریانی که بشریت در طول قرون متمادی از ایجاد آن ناتوان بوده است در کمتر از ۱۰ سال اتفاق افتد.

روایاتی که مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام را بیان می‌کند بسیار گوناگون است. بعضی از آنها مدت حکومت آن حضرت را ۵ سال و تعدادی از آنها ۷ سال و برخی دیگر ۸ و نه و ۱۰ سال بیان کرده است. چند روایت هم مدت حکومت را ۱۹ سال و چند ماه و بالاخره ۴۰ سال و ۳۰۹ سال بر شمرده است.^۱

گذشته از اینکه علت این همه اختلاف در روایات، روشن نیست پیدا کردن مدت واقعی حکومت از میان این روایات کاری دشوار است. اما بعضی از علمای شیعه با توجه به فراوانی و شهرت روایات ۷ سال، این نظر را انتخاب کرده‌اند.^۲

و بعضی دیگر گفته‌اند مدت حکومت امام مهدی علیه السلام ۷ سال است ولی هر سال از سالهای حکومت حضرت به اندازه ۱۰ سال از سالهای ماست که این مطلب نیز در بعضی روایات آمده است:

راوی از امام صادق علیه السلام درباره مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام سؤال می‌کند و

۱. برای آگاهی از روایات به کتاب چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، نجم‌الدین طبسی، ص ۱۷۳-۱۷۵ رجوع شود.

۲. ر.ک: «المهدی»، سید صدرالدین صدر، ص ۲۳۹؛ تاریخ مابعدالظهور، سید محمد صدر.

امام می فرماید:

(حضرت مهدی علیه السلام) هفت سال حکومت می کند که برابر ۷۰ سال از سالهای

روزگار شماس^۱.

مرحوم مجلسی (ره) می فرماید:

روایاتی که درباره مدت حکومت امام علیه السلام رسیده است باید به احتمال های

زیر توجه کرد: برخی روایات به تمام مدت حکومت اشاره دارد و برخی بر

مدت ثبات و استوار و حکومت. بعضی مطابق سال ها و روزهایی است که ما با

آن آشناییم و بعضی مطابق سال ها و ماههای روزگار حضرت است که طولانی

می باشد و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است.^۲

سیره حکومتی امام

هر حاکمی در حکومت و بخش های مختلف مدیریت خود شیوه ای مخصوص

دارد که این خود از مشخصه های حکومت اوست. امام موعود و مهدی منتظر علیه السلام نیز

وقتی حکومت جهان را به دست گیرد در تدبیر نظام جهانی خود روش و متد خاصی

دارد. گرچه در ضمن مباحث گذشته به گوشه هایی از شیوه عملکرد آن حضرت اشاره

شد ولی به جهت اهمیت موضوع مناسب است در این مجال به گونه مستقل به آن

پردازیم و در زلال سخنان پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام شیوه حکومتی امام

مهدی علیه السلام را بهتر و بیشتر بشناسیم.

۱. غیبت طوسی، فصل ۸، ح ۴۹۷، ص ۴۷۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

آنچه در ابتدا باید بر آن تأکید شود این است که روایات، یک تصویر کلی از سیره آن بزرگوار به دست داده است و آن عبارتست از اینکه سیره امام مهدی همان سیره و روش پیامبر بزرگ اسلام ﷺ است و آنگونه که پیامبر در زمان ظهور خود با جاهلیت بشری در همه ابعاد آن مبارزه کرد و اسلام ناب که ضامن سعادت دنیا و آخرت است را بر محیط خود حاکم کرد، حضرت مهدی ﷺ نیز با ظهور خود با جاهلیت جدید که دردناکتر از جاهلیت قدیم است بر خورد خواهد کرد و ارزشهای اسلامی و الهی را بر ویرانه‌های جاهلیت مدرن، بنا خواهد کرد.

از امام صادق علیه السلام درباره سیره حضرت مهدی علیه السلام سؤال شد؛ فرمود:

يُصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً.^۱

(امام مهدی علیه السلام مانند پیامبر اسلام عمل خواهد کرد (و) همانگونه که پیامبر آنچه از روش جاهلیت (در میان مردم مرسوم) بود از میان برد، همینگونه روشهای جاهلی پیش از ظهور خود را نابود خواهد ساخت و اسلام را از نو پی‌ریزی خواهد کرد.

این سیاست کلی امام موعود علیه السلام در زمان حاکمیت اوست. البته شرایط زمانی متفاوت، موجب تغییراتی در شیوه اجرا و حکومت داری می‌شود که در روایات مطرح گردیده و ما در بخش‌های جداگانه به آنها می‌پردازیم.

سیره جهادی و مبارزاتی

امام مهدی علیه السلام با انقلاب جهانی خود بساط کفر و شرک را از گستره زمین بر می چیند و همگان را به دین مقدس اسلام دعوت می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است:

شیوه او [امام مهدی علیه السلام] شیوه من است و مردم را بر آئین و شریعت من قرار می دهد.^۱

البته آن حضرت در شرایطی ظهور می کند که حق به گونه ای آشکار، معرفی گردیده و از هر جهت بر مردم جهان، حجت تمام شده است.

با این حال طبق برخی از روایات، حضرت مهدی علیه السلام تورات و انجیل واقعی و تحریف نشده را از غاری در انطاکیه بیرون می آورد و به وسیله آنها با یهودیان و مسیحیان جهان احتجاج می کند که بسیاری از ایشان مسلمان می شوند.^۲ در این میان آنچه که گرایش ملت های گوناگون را به اسلام بیشتر می کند آن است که همگان آشکارا می بینند که مهدی علیه السلام با امدادهای غیبی یاری می گردد و نشانه های پیامبران همچون عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام و زره و شمشیر و پرچم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را همراه دارد^۳ و برای تحقق اهداف پیامبران خدا و برقراری عدالت جهانی قیام کرده است. روشن است که در چنین بستری که حق و حقیقت آشکارا بر جهانیان عرضه شده است، تنها کسانی در جبهه باطل باقی می مانند که به کلی هویت

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۹، ح ۶، ص ۱۲۲.

۲. ر.ک: به الفتن، صص ۲۴۹-۲۵۱.

۳. ر.ک به اثبات الهداة، ج ۳، صص ۴۳۹-۴۹۴.

انسانی و الهی خود را از دست داده باشند و اینان همانها هستند که جز فساد و تباهی و ظلم از آنها سر نمی‌زند و لازم است ساحت دولت مهدوی از لوٹ و جود آنان پاک گردد. اینجاست که شمشیر برنده عدالت مهدوی از نیام برآمده و با قدرت و صولت بر پیکر ستمکاران لجوج فرود می‌آید و کسی از آنها را باقی نمی‌گذارد. این شیوه و روش پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ نیز بوده است.^۱

سیره قضایی امام

از آنجا که موعود منتظر برای استقرار عدالت در تمام زمین ذخیره شده است، برای انجام رسالت خود نیاز به یک سیستم قضایی مستحکم دارد بنابراین آن حضرت در این بخش به شیوه جدّ بزرگوارش امام علیؑ عمل می‌کند و با جدّیت و قدرت به دنبال بدست آوردن حقوق پایمال شده مردمان است و حق را در هر کجا باشد، گرفته و به صاحب آن بر می‌گرداند.

و چنان به عدالت رفتار می‌کند که مطابق روایات، زندگان آرزو می‌کنند که مردگان بر گردند و از برکت عدل او بهره‌مند شوند.^۲

گفتنی است که بخشی از روایات بیانگر آن است که امام مهدیؑ در مقام قضاوت مانند حضرت سلیمانؑ و حضرت داودؑ عمل می‌کند و مانند آنها با علم الهی که دارد حکم می‌کند و نه با استناد به شاهد و گواه.

۱. همان، ص ۴۵۰.

۲. الفتن، ص ۹۹.

امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی قائم آل محمد قیام کند مانند داود و سلیمان علیهما السلام داوری می‌کند،
(یعنی) شاهد و گواه طلب نمی‌کند.^۱

و شاید راز اینگونه داوری آن است که به سبب اعتماد بر علم الهی، عدالت حقیقی بر پا می‌شود در حالی که وقتی بر گواهان و سخن آنها تکیه می‌شود، عدالت ظاهری حاکم می‌شود زیرا به هر حال شاهدان از میان انسانها هستند و احتمال اشتباه هست. البته درکِ چگونگی قضاوت کردنِ امام مهدی علیه السلام به شیوه گفته شده کار دشواری است ولی می‌توان فهمید که این شیوه با اوضاع روزگار آن حضرت سازگار است.

سیره مدیریتی امام علیه السلام

یکی از ارکان مهم حکومت، کارگزاران آن هستند. وقتی مسئولان حکومتی افرادی شایسته باشند، کار دولت و ملت به سامان خواهد رسید و دست یابی به اهداف حکومت، آسان‌تر خواهد بود.

حضرت مهدی علیه السلام به عنوان رئیس حکومت جهانی، برای بخش‌های مختلف مناطق گوناگون عالم، حاکمانی را از میان بهترین یاوران خود بر می‌گزیند، آنها که تمام ویژگی‌های یک حاکم اسلامی از قبیل دانش مدیریت، تعهد و پاکی در نیت و عمل و شجاعت در تصمیم‌گیری را دارا هستند. با این حال شخص امام علیه السلام به عنوان فرمانروای بزرگ و مرکز مدیریت عالم به صورت مداوم عملکرد حاکمان را زیر نظر دارد و با شدت و دقت و بدون چشم پوشی کار آنها را حساب‌رسی می‌کند. این

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۷.

ویژگی مهمّ که پیش از حکومت امام مهدی علیه السلام به فراموشی سپرده شده و نادیده گرفته شده است در روایات به عنوان یکی از علامت‌های حضرت مهدی علیه السلام بیان گردیده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعُمَالِ جَوَاداً بِالْمَالِ رَحِيماً
بِالْمَسَاكِينِ.^۱

علامت مهدی علیه السلام آن است که با کارگزاران خود شدید (و دقیق) است.
دست بخشنده‌ای دارد و نسبت به مسکینان مهربان است.

سیره اقتصادی امام

روش امام مهدی علیه السلام در امور مالی حکومت بر مبنای مساوات قرار دارد و این همان روش پسندیده‌ای است که در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وجود داشته است و پس از او، این شیوه تغییر یافت و معیارهای دروغینی برای پرداخت‌های بی حساب به افراد، جای آن را گرفت و سبب پیدایش فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی آن روز شد و اگرچه امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام در مدت خلافت خود به نظام برابری در پرداخت اموال مسلمین پای بند بودند ولی پس از ایشان بنی امیه اموال مسلمانان را مانند ملک شخصی خود و بر طبق مصالح فردی، به کار می بردند و از این راه پایه‌های حکومت نامشروع خود را محکم می کردند. آنها زمین‌های کشاورزی یا غیر آن از ثروت‌ها و اموال عمومی را به نزدیکان خود می بخشیدند و این کار که به ویژه در زمان

۱. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۱، ح ۱۵۲، ص ۲۴۶.

خلیفه سوم و دوران بنی امیه رایج گردیده بود حالتی رسمی پیدا کرد.

امام مهدی علیه السلام که مظهر عدالت و دادگری است، بیت المال مردم را به عنوان ثروتی عمومی که همگان در آن شریک هستند قرار می دهد به گونه ای که هیچ گونه تبعیض و امتیاز خواهی در آن راه نداشته باشد و بخشش ثروت ها و زمین ها به کلی ممنوع باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

... إِذَا قَامَ قَائِمُنَا اضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ^۱

زمانی که قائم ما قیام کند، قطایع (زمین هایی که زمامداران و حکام جور در مالکیت خود در آورده و یا واگذار کرده اند) از بین می رود به طوری که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود.

و دیگر از شاخصه های شیوه مالی امام آن است که در راستای رفع نیازهای مادی و ایجاد رفاهی معقول برای زندگی تمام افراد، امام مهدی علیه السلام اموال فراوانی به مردم می بخشد و در حکومت او هر نیازمندی که از او طلب می کند، اموال زیادی دریافت می کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

... فَهُوَ يَخْثُو الْمَالَ خُثًى^۲

او (مهدی علیه السلام) اموال را به فراوانی می بخشد.

و این شیوه برای ایجاد زمینه های اصلاح فردی و اجتماعی است که هدف بزرگ امام خوبان است. آن حضرت با بی نیاز کردن مردم از جهت مادی، در پی ایجاد زمینه

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

۲. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۲، ح ۱۴۳.

مناسب برای پرداختن افراد به طاعت و عبادت پروردگار است که در بخش اهداف حکومت به تفصیل درباره آن سخن گفتیم.

سیره شخصی امام

سیره امام مهدی علیه السلام در رفتار شخصی و نیز در ارتباط با مردم، نمایانگر یک حاکم اسلامی نمونه است که حکومت در نگاه او وسیله‌ای است برای خدمت به مردم و رسانیدن آن‌ها به قله‌های کمال و نه جایگاهی برای زراندوزی و ستمگری و به استثمار کشیدن بندگان خدا!

به راستی که آن امام صالحان در کرسی حکمرمایی یاد آور حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و با وجود آنکه همه اموال و ثروت‌ها در اختیار اوست در زندگی شخصی خود در پایین‌ترین سطح به سر می‌برد و به کمترین‌ها قناعت می‌کند.

امام علی علیه السلام در توصیف او فرموده است:

امام [مهدی علیه السلام] با خود عهد می‌بندد که [اگرچه حاکم و رهبر جامعه بشری است ولی] همانند رعیت خود راه رود و مانند آنان بپوشد و بر مرکبی همچون مرکب آنها سوار شود... و به کم قناعت کند.^۱

امام علی علیه السلام خود چنین بود و در زندگی دنیا و خوراک و پوشش آن زهدی پیامبرگونه داشت و مهدی علیه السلام در این میدان به آن حضرت اقتدا خواهد کرد.

۱. منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۱۱، ح ۴، ص ۵۸۱.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ لَبَسَ لِبَاسَ عَلِيٍّ وَ سَارَ بِسِيرَتِهِ.^۱

وقتی قائم، قیام کند لباس علی علیه السلام را در بر می‌کند و روش او را پیش می‌گیرد.

او که درباره خود سخت گیر و دقیق است، با امت چون پدری مهربان است و آسایش و راحتی آنها را می‌خواهد به گونه‌ای که در روایت امام رضا علیه السلام اینگونه توصیف شده است.

الْإِمَامُ، الْأَنْبَسُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبِرَّةُ
بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ مُفَزَّعُ الْعِبَادَةِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ.^۲

امام آن همدم همراه و آن پدر مهربان و برادر تنی (که پشتیبان برادر) است و مادر دلسوز نسبت به فرزند خردسال است و پناهگاه بندگان در واقعه هولناک.

آری او چنان با امت صمیمی و نزدیک است که همه او را پناهگاه خود می‌دانند.

از پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که درباره مهدی علیه السلام فرموده است:

امتش به او پناه می‌برند آن گونه که زنبورها به ملکه خود پناهنده می‌شوند.^۳

او مصداق کامل رهبری است که از میان مردم برگزیده شده و در بین آنها و مانند آنها زندگی می‌کند. به همین دلیل دردهای آنها را به خوبی می‌شناسد و درمان آن را

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۸.

۲. اصول کافی، ج ۱، ح ۱، ص ۲۲۵.

۳. منتخب الاثر، فصل ۷، باب ۷، ح ۲، ص ۵۹۸.

می‌داند و تمام همت خود را برای بهبودی حال آنها به کار می‌گیرد و در این راه تنها به رضایت الهی می‌اندیشد. در این صورت چرا امت در کنار او به آرامش و امنیت نرسد و به کدام دلیل دل به غیر او بسپارد؟!

مقبولیت عمومی

یکی از دغدغه‌های حکومت‌ها جلب رضایت عموم بوده است ولی به خاطر ضعف‌های بسیاری که در اداره مجموعه‌ها وجود داشته چنین رضایتی حاصل نشده است. از ویژگی‌های اساسی حکومت حضرت مهدی علیه السلام همین است که مورد قبول همه افراد و اجتماعات بشری است و نه تنها همه اهل زمین که ساکنان آسمان نیز نسبت به آن حکومت الهی و فرمانروای عدل گستر رضایت کامل دارند. پیامبر اسلام فرمود:

شما را بشارت می‌دهم به مهدی علیه السلام ... اهل آسمان و زمین از او (و حکومت او) راضی هستند. و چگونه ممکن است که کسی از حاکمیت مهدی علیه السلام ناراضی باشد و حال آنکه برای همه جهانیان روشن می‌شود که صلاح امر بشر و سعادت او در همه جنبه‌های مادی و معنوی تنها در سایه حکومت الهی آن حضرت است.^۱

بجاست در پایان این بخش کلام جاودانه امام علی علیه السلام را به عنوان حسن ختام بیاوریم:

... خداوند او را (امام مهدی را) به وسیله فرشتگان خود تأیید می‌کند و یاران او را حفظ می‌کند و به وسیله نشانه‌های خود یارش می‌کند و او را بر اهل زمین پیروز می‌گرداند به گونه‌ای که (همه) با میل و رغبت یا به اکراه به او می‌گروند و زمین را از عدل و داد و از روشنایی و دلیل پر می‌کند. شهرها به او ایمان می‌آورند تا اینکه کافری نمی‌ماند جز آنکه ایمان می‌آورد و زشت کاری نمی‌ماند جز آنکه نیکو می‌گردد و در حکومت او درندگان با هم آشتی می‌کنند و زمین برکت‌های خود را بیرون می‌ریزد و آسمان خیرات خود را فرو می‌بارد و گنج‌ها (ی زمین) برای او آشکار می‌گردد... پس خوشا حال آنکه روزگار او را ببیند و سخن او را بشنود.^۱

فصل
معماری

آسیب شناسی مهدویت

برای هر فرهنگ و مجموعه معرفتی ممکن است آفت‌هایی روی دهد که مانع رشد و بالندگی آن فرهنگ باشد فرهنگ دینی نیز گاهی به آفت‌هایی گرفتار می‌شود که حرکت رو به کمال آن را کند می‌کند و بحث «آسیب‌شناسی دینی» عهده‌دار شناختن آن آفت‌ها و شیوه مقابله با آنهاست.

مناسب است در فصل پایانی درباره آن چه به عنوان آسیب‌های فرهنگ نطب مهدوی مطرح می‌شود بحث کنیم تا ضمن آشنایی با آسیب‌ها به راه‌های خنثی‌سازی و مقابله با آنها بیندیشیم.

آسیب‌های فرهنگ مهدویت، مواردی است که غفلت از آنها موجب سستی اعتقاد مردم و به ویژه جوانان نسبت به اصل وجود امام مهدی علیه السلام و یا ابعاد مختلف شناخت آن بزرگوار است و گاهی نیز سبب گرایش به افراد یا مجموعه‌های منحرف می‌گردد. بنابراین آشنایی با این آسیب‌ها، منتظران آن امام بزرگ را از کجروی در اعتقاد و عمل حفظ خواهد کرد.

مادر اینجا مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگ مهدویت را در عنوان‌هایی جدا از یکدیگر مورد بحث قرار می‌دهیم:

برداشت‌های غلط

از آسیب‌های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیرها و برداشت‌های نادرست از موضوعات این فرهنگ اسلامی است. تحلیل نادرست و ناقص از روایات به دریافت غیر صحیح می‌انجامد که چند نمونه از آن را بیان می‌کنیم.

۱. برداشت غلط از مفهوم «انتظار» سبب شده است که بعضی گمان کنند که چون اصلاح جهان از فسادها به دست امام عصر علیه السلام خواهد بود ما در برابر تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها هیچ وظیفه‌ای نداریم و بلکه ممکن است گفته شود که برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی علیه السلام باید برای ترویج بدی‌ها و زشتی‌ها در جامعه اقدام کنیم!! این اندیشه نادرست در مقابل دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام است که امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف حتمی هر مسلمان می‌داند.

بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در نقد این دیدگاه فرموده‌اند:

ما اگر دستان می‌رسید، قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم‌ها و جورها را از عالم برداریم تکلیف شرعی ماست. منتهی ما نمی‌توانیم. این که هست این است که حضرت [امام مهدی علیه السلام] عالم را پر می‌کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.^۱

ایشان همچنین در ادامه بیانات خود فرموده‌اند:

[آیا] ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم؟ دست از

امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟!^۱ لازم به ذکر است که ما در ابتدای بحث «انتظار» درباره معنی صحیح انتظار سخن گفتیم.

۲. بعضی از ظاهر بعضی از روایات اینگونه برداشت کرده‌اند که هر قیامی قبل از قیام امام مهدی علیه السلام محکوم و مردود است بنابراین در برابر قیام و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که قیامی بر ضد طاغوت و استکبار و در جهت برقراری احکام الهی بوده است موضع نادرستی گرفته‌اند.

در پاسخ باید گفت که اجرای بسیاری از احکام اسلامی مانند اقامه حدود و قصاص و نیز جهاد با دشمنان و مبارزه فراگیر با فساد جز با تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست، بنابراین تلاش برای برقراری نظام اسلامی کاری پسندیده و مورد قبول است و نهی از قیام در بعضی از روایات به معنی شرکت در قیام‌های باطل که انگیزه الهی ندارد و یا قیام‌هایی که بدون توجه به شرایط و زمینه‌های لازم انجام می‌گیرد و یا حرکت‌هایی که به عنوان قیام مهدوی شروع می‌گردد، می‌باشد. نه اینکه هر انقلاب و حرکتی که در مسیر اصلاح جامعه است مردود شمرده شود.^۲

۳. یکی دیگر از برداشت‌های غلط در فرهنگ مهدویت، نشان دادن چهره خشونت‌آمیز از امام مهدی علیه السلام است.

بر خلاف تصوّر بعضی افراد که می‌اندیشند امام مهدی علیه السلام با شمشیر عدالت، دریایی از خون به راه می‌اندازد و بسیاری را از دم تیغ عبور می‌دهد؛ امام عصر علیه السلام

۱. همان.

۲. برای اطلاع بیشتر درباره این موضوع به کتاب «دادگستر جهان» نوشته «ابراهیم امینی»، ص ۲۵۴ تا ۳۰۰ مراجعه شود.

مظهر رأفت و رحمت پروردگار است و مانند پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ ابتدا همگان را با بیان روشن و دلائل آشکار به اسلام و قرآن می‌خواند و اکثر مردم دعوت آن حضرت را پاسخ می‌دهند و به او می‌پیوندند. بنابراین امام علیؑ تنها با مخالفان سرسخت که آگاهانه از پذیرفتن حق سرباز می‌زنند و جز زبان شمشیر نمی‌فهمند با سلاح برخورد می‌کند.

استعجال ظهور

یکی دیگر از آسیب‌های جدی در فرهنگ مهدویت، استعجال ظهور است. استعجال به معنی عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و تحقق زمینه‌های لازم برای آنست. انسان‌های عجول به خاطر ضعف نفس و کم ظرفیت بودن، متانت و سکون و آرامش خود را از دست می‌دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقق پدیده‌ها هستند.

در فرهنگ ناب مهدویت و در برخورد با مسئله انتظار امام غایب، انسان منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق خواستار ظهور است و برای تعجیل امر فرج دعا می‌کند ولی هرگز عجله نمی‌کند و هر چه غیبت به درازا کشد و انتظار، طولانی شود. باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی‌دهد بلکه علیرغم شوق فراوان به ظهور، در برابر اراده پروردگار و خواست او کمال تسلیم را از خود نشان می‌دهد و برای تحقق همه زمینه‌های لازم برای ظهور می‌کوشد و بردباری می‌کند.

عبدالرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق نشسته بودم که مهرم داخل شد و عرض کرد: قربانت گردم! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم کی واقع می‌شود؟ امام فرمود: ای مهرم دروغ گفتند وقت گذاران و هلاک شدند

شتاب کنندگان و نجات یافتند تسلیم شدگان.^۱

نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور به آن جهت است که به دنبال این پدیده، روحیه یأس و نومیدی در انسان منتظر، پیدا می شود؛ آرامش و صبوری را از دست می دهد و حالت تسلیم او به حالت گله مندی و شکایت تبدیل می گردد و از تأخیر ظهور بی قرار می گردد و این بیماری را به دیگران نیز سرایت می دهد و گاهی به خاطر استعجال ظهور به حالت انکار و جود امام، گرفتار می شود.

گفتنی است که منشأ استعجال ظهور آن است که نمی داند ظهور از سنت های الهی است و مانند همه سنت ها باید پس از تحقق همه شرایط و زمینه ها، انجام گیرد و بنابراین برای وقوع آن عجله می کند.

تعیین زمان ظهور

از آسیب های فرهنگ مهدویت آن است که بعضی به دنبال تعیین زمان برای ظهور هستند. در حالی که زمان ظهور بر مردم مخفی است و در روایات پیشوایان دینی از تعیین وقت برای ظهور به شدت نهی شده است و وقت گذاران دروغگو شمرده شده اند. از امام باقر علیه السلام سؤال شد، آیا برای ظهور وقت (معینی) است؟

فرمود:

آنها که برای ظهور تعیین وقت می کنند دروغ می گویند. (و سه بار این جمله را

تکرار کرد).^۲

با این حال بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور تعیین وقت می کنند که کمترین اثر

۱. کافی ج ۲، ص ۱۹۱.

۲. غیبت طوسی، ج ۴۱۱، ص ۴۲۶.

آن احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده‌های دروغین را باور کرده‌اند ولی خلاف آن را مشاهده کرده‌اند. بنابراین منتظران واقعی باید خود را از دام شیادان و نیز نادانان حفظ کنند و درباره زمان ظهور تنها منتظر اراده پروردگار باشند.

تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص

در روایات فراوان نشانه‌هایی برای ظهور امام مهدی علیه السلام بیان شده است اما کیفیت دقیق و خصوصیات آن‌ها روشن نیست و این بستری برای تحلیل‌ها و تفسیرهای شخصی و احتمالی گردیده است. هر چند گاهی بعضی در پی تطبیق علائم ظهور بر پدیده‌های موجود بر می‌آیند و بدینوسیله خبر از نزدیکی ظهور و احتمال قریب الوقوع بودن آن می‌دهند.

این جریان نیز از آسیب‌های فرهنگ مهدویت است که گاهی به یأس و ناامیدی از ظهور می‌انجامد. برای مثال وقتی شخصیت سفیانی به فردی خاص که در فلان منطقه است تفسیر شود و درباره دجال، تحلیل‌های بی‌دلیل مطرح گردد و به دنبال آن بشارت ظهور در زمانی بسیار نزدیک، به همگان داده شود و پس از طی شدن سالیانی، امام علیه السلام ظهور نکند، عده‌ای به انحراف و اشتباه گرفتار می‌شوند و در اعتقادات صحیح خود دچار تزلزل و تردید می‌گردند.

طرح مباحث غیرضروری

در فرهنگ ناب مهدوی معارف فراوانی است که پرداختن به آنها یک ضرورت

شمرده می‌شود و نقش اساسی در جهت آگاهی بخشی به شیعیان دارد و برای ترسیم نحوه عملکرد آنها در زمان غیبت بسیار مهم است.

گاهی افراد و مجموعه‌ها در قالب گفتار و مقاله‌ها و نشریات و حتی کنفرانس‌ها به بحث‌هایی روی می‌آورند که هیچ ضرورتی برای طرح آنها احساس نمی‌شود و بلکه گاهی سبب ایجاد شبهه‌ها و سؤالات انحرافی در ذهن و اندیشه منتظران می‌گردد.

برای نمونه پرداختن به بحث «ملاقات با امام زمان» و ترغیب و تشویق فراوان و به شکل افراطی نسبت به این موضوع، پیامدهای ناگواری دارد و سبب ناامیدی و گاهی انکار امام علیه السلام می‌گردد. در حالی که آنچه در روایات بر آن تأکید شده است، حرکت در جهت رضایت امام مهدی علیه السلام و پیروی از آن حضرت در گفتار و کردار است و بنابراین آنچه مهم است تبیین وظایف منتظران، در عصر غیبت امام است تا اگر توفیق ملاقات با امام دست داد، در حالت رضایتمندی آن بزرگوار باشد.

پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت و یا وجود فرزند برای آن بزرگوار و یا محل زندگی حضرت و مانند آن نیز از نمونه‌های بحث‌های غیر ضروری است که بجاست جای خود را به مباحث کاربردی و تأثیرگذار در مسیر زندگی منتظران بدهد. به همین دلیل گفتگو درباره شرایط و زمینه‌های ظهور نیز بر بحث علائم ظهور مقدم است زیرا آشنایی با شرایط ظهور مشتاقان امام را به حرکت در راستای تحقق آن شرایط ترغیب می‌کند.

این نکته نیز مهم است که در طرح مباحث مهدویت، جامع‌نگری لازم است. مقصود از جامع‌نگری آن است که در هنگام گفتگو درباره یک موضوع مجموعه معارف مهدویت مورد مطالعه قرار گیرد. گاهی بعضی افراد با مطالعه برخی از روایات و بدون در نظر گرفتن روایات دیگر، تحلیل‌های نادرستی از جریان مهدویت

بیان می‌کنند. برای مثال با ملاحظه روایاتی که از جنگ طولانی و خونریزی فراوان خبر داده است، چهره بسیار خشنی از امام غایب ترسیم می‌کنند و از روایات دیگر که جلوه‌های محبت و مهربانی امام مهدی علیه السلام را بیان کرده است و سیره و اخلاق او را همانند خلق و خوی جد گرامیش پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله معرفی کرده است، غافل می‌مانند. بدیهی است که دقت در هر دو دسته روایات، این حقیقت را بیان می‌کند که برخورد امام علیه السلام با همه انسان‌های حق طلب - چه رسد به شیعیان و دوستان آن بزرگوار - با دریایی از مهربانی و صفا و صمیمیت خواهد بود و شمشیر انتقام آن ذخیره الهی تنها بر گرده ستمگران و پیروان آنها فرود خواهد آمد.

بنابراین گفتگو درباره موضوع مهدویت صلاحیت علمی کافی می‌خواهد و آنها که چنین صلاحیتی ندارند نباید به این میدان وارد شوند و ورود آنها به این عرصه می‌تواند آسیب‌های جبران ناپذیری به فرهنگ مهدویت وارد کند.

مدعیان دروغین

یکی دیگر از آسیب‌های معارف مهدویت، ظهور مدعیان دروغین در این جریان مقدس است. در طول سالیان غیبت امام مهدی علیه السلام افرادی به دروغ ادعا کرده‌اند که با آن حضرت، ارتباط خاص دارند و یا از سوی آن بزرگوار، به مقام نیابت خاص رسیده‌اند.

امام زمان علیه السلام در آخرین نامه خود به نایب چهارم، تصریح کردند:

تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت، کارهایت را سامان ده و درباره جانشینی از خود، به هیچ کس وصیت نکن که غیبت کامل فرا رسیده است... و در آینده بعضی از شیعیان من ادعای مشاهده (و ارتباط با من) می‌کنند. آگاه

باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه (آسمانی) ادعای مشاهده داشته باشد دروغگو است.^۱

با این بیان روشن، هر شیعه آگاهی وظیفه دارد، مدعیان ارتباط و نیابت خاص از امام را تکذیب کند و راه نفوذ و سودجویی این فرصت طلبان و دنیا خواهان را ببندد. بعضی از این دروغگویان پا را فراتر نهاده و پس از ادعای نیابت، مدعی مهدویت شده‌اند و در پی این ادعای باطل، مکتب و فرقه‌ای انحرافی را بنیان نهاده‌اند و زمینه انحراف اعتقادی عده بسیاری را فراهم کرده‌اند^۲ که با مطالعه تاریخچه این گروه‌ها روشن می‌شود که بسیاری از آنها با پشتیبانی و حمایت استعمار به وجود آمده و به حیات خود ادامه داده‌اند.

روشن است که شکل‌گیری فرقه‌ها و گروه‌های منحرف و پیوستن و اعتماد کردن افراد به مدعیان مهدویت یا نیابت امام عصر علیه السلام، ریشه در جهل و نادانی آنها دارد. شوق فراوان به دیدار امام علیه السلام بدون معرفت و آگاهی کافی نسبت به آن حضرت و غفلت از وجود شیادان در این عرصه، زمینه ساز ارتباط با مدعیان دروغینی می‌گردد. بنابراین شیعیان منتظر باید با آگاهی کافی از معارف ناب مهدویت خود را از دام شیادان و نیرنگ بازان حفظ کنند و با پیروی از علمای متعهد شیعه در مسیر روشن مکتب گام بردارند.

۱. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴۵، ص ۲۹۴.

۲. یکی از این فرقه‌های منحرف، فرقه بابیت است که رهبر آن «علی محمد باب»، ابتدا ادعای نیابت امام مهدی علیه السلام را مطرح کرد و پس از آن مدعی شد که همان مهدی موعود است و در نهایت ادعای پیامبری هم کرد و این فرقه منحرف زمینه شکل‌گیری مکتب انحرافی بهائیت شد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. مفاتیح الجنان.
۳. نهج البلاغه.
۴. اثبات الهداة، محمد بن الحسن الحرّ العاملي.
۵. الاحتجاج، احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، اسوه، تهران، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۶. ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، کوروش کبیر، تهران، ۱۳۴۲.
۷. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه.
۸. تفسیر قرطبی، القرطبی.
۹. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی.
۱۰. تفسیر کبیر: الامام الفخر الرازی.
۱۱. خصال، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
۱۲. چشم اندازی به حکومت مهدی، نجم الدین طیبی، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۳. دلائل النبوة.
۱۴. راز طول عمر امام زمان، علی اکبر مهدی پور، طاووس بهشت، قم، ۱۳۷۸.
۱۵. روزگار رهایی، کامل سلیمان، مترجم علی اکبر مهدی پور، آفاق، تهران، ۱۳۷۶.
۱۶. زنده روزگاران، حسین فریدونی، آفاق، تهران، ۱۳۸۱.
۱۷. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، اسوه، تهران، ۱۴۲۲ هـ.ق.

۱۸. سنن ابن داود، ابی داود سلیمان بن الاشعث السجستانی الأزدي، دار ابن خرم، بیروت، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۱۹. صحیفه نور، امام روح الله الموسوی الخمينی.
۲۰. عقد الدرر، یوسف بن یحیی بن علی بن عبدالعزیز الشافعی، اسوه، تهران، ۱۴۱۶ هـ.ق.
۲۱. علل الشرايع، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، مؤمنین، قم، ۱۳۸۰.
۲۲. غیبت طوسی، شیخ الطایفه ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۲۳. غیبت نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب النعمانی، مترجم، محمد جواد غفاری، صدوق، ۱۳۷۶.
۲۴. الفتن، حافظ ابو عبدالله نعیم بن حمار مروزی، توحید، قاهره، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۲۵. کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی، دار صعب، بیروت، ۱۴۰۱ هـ.ق.
۲۶. کمال الدین، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، مترجم پهلوان، دارالحديث، قم، ۱۳۸۰.
۲۷. المستدرک، الحاکم النیشابوری.
۲۸. معانی الاخبار، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی.
۲۹. معجم احادیث الامام المهدي، الهيئة العلمية، المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۳۰. معجم الكبير، الطبرانی.
۳۱. منتخب الاثر، لطف الله صافی گلپایگانی، السیده المعصومه، قم، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۳۲. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، مترجم حمیدرضا شیخی، دارالحديث، قم، ۱۳۷۷.
۳۳. نجم الثاقب، میرزا حسین طبرسی نوری، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۰.
۳۴. وسایل الشیعة، الامام الشیخ محمد بن الحسن الحر العاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۵. يوم الخلاص، کامل سلیمان، انصار الحسین الثقافیه، طهران، ۱۹۹۱ م.